رشته

حفظ موضوعی

درسنامه حفظ موضوعی قرآن کریم

کتاب عبادات

ویژه گروه‌های ۵، ٦ و ۷

دانشجویان و طلاب، همکاران و همسران

شرکت خطوط لوله و مخابرات نفت ایران
روابط عمومی

بسم الله الرحمن الرحيم

فهرست مطالب

مقدمه ناشر ۱۷
مقدّمه مؤلف ۱۹

درس اول: کلیات حفظ / ۲۲

اهمیت حفظ قرآن کریم در احادیث و سخنان بزرگان ۲٤
نکات کلی پیرامون حفظ قرآن کریم ۲٦
اهداف حفظ موضوعی ۲۷
مزیت‌های حفظ موضوعی ۲۸
محدودیت‌ها و مشکلات حفظ موضوعی ۲۹
نکاتی درباره‌ی چگونگی حفظ موضوعی قرآن کریم ۳۰
سخنی با مربیان ارجمند ۳۲

درس دوم: نماز (۱) / ۳٤

نمودار درس ۳۵
دیباچه ۳٦
آیات و ترجمه ۳۷
اهمیت نماز «در اسلام و ادیان پیشین» ۳۷
۱. توصیه عمومی به نماز در اسلام ۳۷
۲. وجوب نماز برای مسلمانان ۳۷
۳. حضرت ابراهیم علیه‌السلام برپاکننده نماز ۳۷
٤. توصیه خداوند به حضرت عیسی علیه‌السلام ۳۷
۵. اقامه نماز توسط حضرت شعیب علیه‌السلام ۳۷
٦. اقامه نماز توسط حضرت زکریا علیه‌السلام ۳۷
مقدّمات نماز ۳۸
۱. وضو ۳۸
۲. غسل و تیمم ۳۸
مبطلات نماز ۳۸

شرب خمر و جنابت ۳۸
ارکان نماز ۳۸
رکوع و سجود ۳۸
اوقات نماز ۳۹
۱. نمازهای پنج گانه ۳۹
۲. نماز صبح و عشاء و عصر ۳۹
۳. نماز ظهر ۳۹
انواع نماز ۳۹
۱. نماز خوف و مسافر ۳۹
۲. نماز شب ۳۹
۳. نماز جمعه ۴۰
۴. نماز جماعت ۴۰
آداب نماز ۴۰
۱. عدم کسالت و سستی در نماز ۴۰
۲. عدم جهر و اخفات در نماز ۴۰
فلسفه نماز و آثار آن ۴۱
۱. یاد خدا ۴۱
۲. آرامش دل‌ها ۴۱
۳. رستگاری و پاکیزگی روح ۴۱
۴. نماز بازدارنده از فحشاء و منکرات ۴۱
۵. قرار گرفتن در زمره مصلحین ۴۱
واژه نامه ۴۲
نکات معرفتی و تربیتی ۴۳
جایگاه نماز در اسلام ۴۳
اوقات نماز در بیان معصومین علیهم‌السلام ۴۳
آثار تربیتی نماز ۴۳
پرسش‌های درس ۴۵

درس سوم: نماز (۲) / ٤٦

نمودار درس ٤٧
دیباچه ٤٨
آیات و ترجمه ٤٩
ویژگی‌های نمازگزار ٤٩
۱. محافظت و مداومت بر نماز ٤٩
۲. اخلاص در نماز ٤٩
۳. کمك گرفتن از نماز ٤٩
٤. امر خانواده به نماز ٤٩
٥. بخشندگی ٤٩
٦. خشوع در نماز ٥٠
عواقب ترك نماز و سبك شمردن آن ٥٠
۱. «ویل» (هشدار الهی) ٥٠
۲. «غی» (گمراهی) ٥٠
۳. عذاب آخرت ٥٠
همراهی نماز با سایر عبادات ٥٠
۱. نماز و انفاق ٥٠
۲. نماز و زکات و اعطای وام ٥٠
۳. نماز و روزه ٥٠
٤. نماز و حج ٥١
٥. نماز و عدالت ٥١
٦. نماز و جهاد ٥١
۷. نماز و امر به معروف و نهی از منکر ٥١
۸. نماز و تلاوت قرآن ٥٢
۹. نماز و حضور در عرصه‌های اجتماعی ٥٢
واژه نامه ٥٣
نکات معرفتی و تربیتی ٥٤

مفهوم خشوع در نماز ٥٤
مفهوم محافظت در نماز ٥٥
پرسش‌های درس ٥٦

درس چهارم: روزه / ٥٧

نمودار درس ٥٨
دیباچه ٥٩
آیات و ترجمه ٦٠
آثار روزه ٦٠
١. امداد الهی ٦٠
٢. بشارت از جانب خداوند ٦٠
٣. بهره‌مندی از خیر ٦٠
٤. تقوا ٦٠
انواع روزه ٦٠
١. روزه ماه رمضان ٦٠
٢. روزه اعتکاف ٦١
٣. روزه سکوت ٦١
٤. روزه کفّاره ٦١
زمان و مبطلات روزه ٦٢
خوردن و آشامیدن و عمل جنسی ٦٢
معذوران از روزه ٦٢
١. مریض و مسافر ٦٢
٢. ناتوان و ضعیف ٦٣
ویژگی‌های روزه دار ٦٣
١. برابری مردان و زنان روزه دار، در پاداش‌های الهی ٦٣
٢. از اوصاف زنان شایسته ٦٣
واژه نامه ٦٤
نکات معرفتی و تربیتی ٦٥

برتری ماه رمضان بر دیگر ماه‌ها ٦٥
کمال روزه ٦٥
اثرات فردی روزه ٦٦
اثر اجتماعی روزه ٦٦
اثر بهداشتی و درمانی روزه ٦٦
پرسش‌های درس ٦٧

درس پنجم: حجاب و عفاف / ٦٨

نمودار درس ٦٩
دیباچه ٧٠
آیات و ترجمه ٧١
آثار حجاب ٧١
١. مصونیّت زنان از تعرّض هوسرانان ٧١
٢. حفظ طهارت و پاکی درونی مردان و زنان ٧١
احکام حجاب ٧١
١. رعایت تقوا در هنگام کشف حجاب در برابر محارم ٧١
٢. واجب نبودن حجاب برای زنان سالخورده ٧١
٣. واجب نبودن حجاب در برابر محارم و کودکان غیر ممیّز و ٧٢
گونه‌های عفاف ٧٢
١. عفت در گفتار ٧٢
٢. حیا و عفت در اجتماع ٧٢
٣. حجاب در نگاه و پوشش بدن ٧٣
٤. حیا در خانواده ٧٣
٥. حیای مجرّدان ٧٣
نشانه‌های حیا ٧٤
١. اجتناب از چشم چرانی ٧٤
٢. اجتناب از حرکات تحریك آمیز ٧٤
واژه نامه ٧٥

نکات معرفتی و تربیتی ۷۶
تفاوت حجاب و عفاف ۷۶
مفهوم خُمر و جلباب ۷۶
حجاب در نگاه ۷۷
پرسش‌های درس ۷۸

درس ششم: خمس و زکات / ۷۹

نمودار درس ۸۰
دیباچه ۸۱
آیات و ترجمه ۸۲
وجوب خمس و مصارف آن ۸۲
آثار پرداخت زکات ۸۲
۱.آرامش درونی ۸۲
۲. حصول حق اخوّت و برادری دینی ۸۲
۳. قرار گرفتن در زمره محسنان ۸۲
٤. برخورداری از امداد و نصرت خداوند ۸۳
۵. امیدواری به رحمت خداوند ۸۳
٦. بهره‌مندی از پاداش مضاعف ۸۳
۷. تطهیر نفس و پالایش روح از آلودگی ۸۳
عوامل ترك زکات ۸٤
۱. بخل ۸٤
۲و۳. کفر و شرك ۸٤
احکام زکات ۸٤
۱. وجوب پردات زکات و مصارف آن ۸٤
۲. استحباب زکات، از درآمدها و مال التّجاره ۸٤
۳. لزوم دریافت زکات توسط حاکم اسلامی ۸۵
کیفیّت پرداخت زکات و انفاق ۸۵
زکات دهندگان ۸۵

۱. پیامبران الهی ۸۵
۲. حاکمان اسلامی ۸۵
۳. خاندان اسماعیل ۸۶
۴. حضرت عیسی علیه‌السلام ۸۶
۵. اولیاء الله ۸۶
۴. مؤمنان ۸۶
واژه نامه ۸۷
نکات معرفتی و تربیتی ۸۸
تفاوت خمس و زکات ۸۸
فلسفه خمس ۸۸
متعلقات خمس ۸۹
مصارف زکات ۸۹
پرسش‌های درس ۹۰
درس هفتم: امر به معروف و نهی از منکر / ۹۱
نمودار درس ۹۲
دیباچه ۹۳
آیات و ترجمه ۹۴
آثار امر به معروف و نهی از منکر ۹۴
۱. قرار گرفتن در زمره صالحان ۹۴
۲. قرار گرفتن انسان در زمره مؤمنان ۹۴
۳. از ملاک‌های برتری امّت اسلام ۹۴
۴. نجات خانواده از آتش جهنم ۹۴
آمران به معروف ۹۵
۱. مؤمنان اهل کتاب ۹۵
۲. لقمان ۹۵
۳. پیامبراکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله ۹۵
۴. مؤمنان ۹۵

شرایط امر به معروف و نهی از منکر ۹۶
۱. تطابق گفتار با کردار ۹۶
۲. شروع امر به معروف از خود ۹۶
۳. ضرورت ایجاد تشکیلات برای امر به معروف ۹۶
۴. حکمت، موعظه، جدال نیکو ۹۶
۵. پرهیز از اهانت و بی‌احترامی ۹۶
۶. ملایمت ۹۷
۷. اعراض ۹۷
عذاب قتل آمران به معروف ۹۷
توبیخ تارکان امر به معروف ۹۷
واژه نامه ۹۸
نکات معرفتی و تربیتی ۹۹
مراتب امر به معروف و نهی از منکر ۹۹
آثار مثبت امر به معروف و نهی از منکر ۱۰۰
پرسش‌های درس ۱۰۱

درس هشتم : جهاد (۱) / ۱۰۲

نمودار درس ۱۰۳
دیباچه ۱۰۴
آیات و ترجمه ۱۰۵
اهمیت جهاد ۱۰۵
۱. جهاد در راه خدا، امری ارزشمند ۱۰۵
۲. جهاد در راه خدا، تجارتی سودمند برای مؤمنان ۱۰۵
۳. برتری جهاد در راه خدا، برآب‌دهی به حاجیان و آبادانی مسجدالحرام ۱۰۵
۴. ترس منافقان از اسم جهاد ۱۰۶
اقسام جهاد ۱۰۶
۱. جهاد با اهل‌بغی ۱۰۶
۲. جهاد با سرکشان از اهل‌کتاب ۱۰۶

۳. جهاد ابتدایی با کافران حربی ۱۰۶
٤. جهاد با منافقان ۱۰۷
آداب جهاد ۱۰۷
۱. به جا آوردن حق جهاد ۱۰۷
۲. نظم و صلابت نیروها در میدان جهاد ۱۰۷
۳. آمادگی کامل در برابر دشمن ۱۰۷
احکام جهاد ۱۰۸
۱. وجوب جهاد ۱۰۸
۲. وجوب مقابله به مثل و جهاد دفاعی با دشمنان متجاوز ۱۰۸
۳. پرهیز از پشت کردن به دشمن و فرار از جهاد ۱۰۸
٤. حرمت تعدّی از احکام و مقرّرات جهاد ۱۰۸
آثار جهاد ۱۰۹
۱. قرار گرفتن در زمره صابران ۱۰۹
۲. پاك شدن گناهان ۱۰۹
۳. مایه خیر و برکت برای مؤمنان ۱۰۹
٤. ذلّت و خواری دشمنان و نصرت مؤمنان ۱۰۹
٥. رستگاری ۱۱۰
٦. بهره‌مندی از مغفرت الهی و روزی ارجمند ۱۱۰
۷. مصونیّت جامعه اسلامی از تعرّض کافران ۱۱۰
۸. دستیابی به هدایت خاصّ الهی ۱۱۰
۹. دستیابی به پاداشی عظیم ۱۱۱
۱۰. شهادت و متنعم شدن نزد حق تعالی ۱۱۱
واژه نامه ۱۱۲
نکات معرفتی و تربیتی ۱۱۳
جهاد دفاعی و ابتدایی ۱۱۳
جهاد در صدر اسلام ۱۱۳
مفهوم جهاد با منافقین ۱۱٤

حق جهاد ۱۱۴
پرسش‌های درس ۱۱۵

درس نهم : جهاد (۲) / ۱۱۶

نمودار درس ۱۱۷
دیباچه ۱۱۸
آیات و ترجمه ۱۱۹
اهداف جهاد ۱۱۹
۱. آزادی مستضعفان و محو شرك و بت‌پرستی ۱۱۹
۲. برپایی حق و نابودی باطل ۱۱۹
۳. دفاع از مظلومین ۱۱۹
٤. دفع فساد و تجاوز از میان جامعه بشری ۱۲۰
٥. رفع فتنه و گسترش اسلام ۱۲۰
٦. از بین بردن پشتوانه نظامی دشمنان و اصل بازدارندگی ۱۲۰
عوامل پیروزی در جهاد ۱۲۰
۱. آرامش قلبی رزمندگان ۱۲۰
۲. اطاعت از رهبری ۱۲۰
۳. استواری و ثبات قدم ۱۲۱
٤. امداد و نصرت الهی ۱۲۱
٥. ایجاد ترس در دل دشمنان ۱۲۱
٦. توکّل مؤمنان بر خداوند ۱۲۲
۷. دعا و مددخواهی از خدا ۱۲۲
۸. صبر رزمندگان ۱۲۲
۹. سرسختی با دشمنان ۱۲۲
۱۰. ایمان به تدبیر الهی ۱۲۳
عواقب تخلف از جهاد ۱۲۳
۱. باعث نابودی و سقوط جامعه ۱۲۳
۲. قرار گرفتن در آستانه کفر ۱۲٤

۳. کوردلی و ناتوانی از فهم حقایق ۱۲٤
٤. گرفتاری در عذاب دردناك ۱۲٤
عوامل شکست در جهاد ۱۲۵
۱. اختلاف و نزاع در صحنه نبرد، دنیاگرایی و جمع‌آوری غنایم ۱۲۵
۲. سستی در کار جهاد ۱۲۵
۳. خوف در صحنه جهاد ۱۲۵
معذوران از جهاد ۱۲٦
۱. ضعیف و فاقدان ابزار و امکانات رزمی ۱۲٦
۲. لنگ و بیمار و نابینا ۱۲٦
موانع جهاد ۱۲٦
علاقه به مادیات (خانواده، خویشان، همسر، مسکن‌های دلپذیر و تجارت) ۱۲٦
واژه نامه ۱۲۷
نکات معرفتی و تربیتی ۱۲۸
اهمیت جهاد در آیات و روایات ۱۲۸
جهاد با نفس ۱۲۸
جهاد با جهل و جهاد با دشمن ۱۲۹
پرسش‌های درس ۱۳۰

درس دهم: حج / ۱۳۱

نمودار درس ۱۳۲
دیباچه ۱۳۳
آیات و ترجمه ۱۳٤
احکام حج ۱۳٤
۱. حرمت آمیزش، فسوق (دروغ گفتن، فحش دادن و فخرکردن) در حال احرام و حج ۱۳٤
۲. وجوب حَجّ برای مکلّفان، به شرط حصول استطاعت ۱۳٤
۳. اجتناب از هرگونه پلیدی و لهو در حج ۱۳٤
٤. حرمتِ بازداشتن مردم، از حج خانه خدا ۱۳۵
۵. خواندن نماز در مقام ابراهیم علیه‌السلام وظیفه حاجیان: (نماز طواف) ۱۳۵

٦. لزوم تکبیر، پس از ادای پانزده نماز، در ایّام حج (پس از نماز عید به بعد) ١٣٥
٧. تقصیر و حلق ١٣٥
٨. سعی صفا و مروه و طواف ١٣٦
٩. قربانی ١٣٦
١٠. وقوف در عرفات و مشعرالحرام ١٣٦
اقسام حج ١٣٧
حج عمره و تمتع ١٣٧
حج در تاریخ ١٣٧
١. برپایی مراسم حج، دارای سابقه‌ای دیرینه ١٣٧
٢. حج و مناسك آن، یادگاری از شریعت ابراهیم علیه‌السلام ١٣٧
٣. حج و مناسك آن، مراسمی رایج در میان مردم جزیرةالعرب ١٣٨
٤. حج در جاهلیّت ١٣٨
واژه نامه ١٣٩
نکات معرفتی و تربیتی ١٤٠
حج سمبل وحدت جهان اسلام ١٤٠
حج زمینه برائت از مشرکین و ظالمین عالم ١٤٠
بعد اخلاقی و معنوی حج ١٤٠
اسرار حج ١٤١
پرسش‌های درس ١٤٢
منابع و مأخذ ١٤٣

مقدمه ناشر

﴿إِنَّ هٰذَا الْقُرْءٰانَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصّٰالِحٰاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا﴾ (اسرا/ ۹)

قرآن صحیفه نورانی خداوند متعال و ریسمان و حلقه اتصال عبد به معبود و نامه سرگشاده خالق هستی و عشق نامه محبوب به سوی خیل محبّان است و در این سرای فانی دنیا، تنها و یگانه مسیر و شاهراه نجات بخش فرش نشینان به سوی عالم باقی و عرش و مقام «عِنْدَ مَلِيكٍ مُقْتَدِرٍ» است.

به تصریح آیات قرآن کریم و بیان پیامبر مکرم اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله و ائمه طاهرین علیهم‌السلام قرآن شفای همه دردها و راهنمای سریع‌الوصول سعادت دنیا و عقبای تمامی انسان‌ها است، مشروط برآنکه چشم بینا و گوش شنوایی وجود داشته باشد تا از آن بهره گیرد.

با لطف حضرت باری‌تعالی پس از پیروزی انقلاب شکوه‌مند اسلامی و برپایی نظام مقدس جمهوری اسلامی در سرزمین پهناور ایران، با توجّه به وجود بسترهای بسیار مناسب برای برنامه‌ریزی‌های گسترده در امر نشر فرهنگ قرآنی در جامعه، برنامه‌ریزان فرهنگی نظام و نیز آحاد ملّت قرآن دوست عزیزمان، با تأسیس سازمان‌ها، مؤسسات و مراکز قرآنی، در این مسیر گام‌های ارزنده‌ای برداشته و بسیاری از شیفتگان کلام وحی را با انواع علوم قرآنی آشنا نموده‌اند. بحمدالله یکی از مراکزی که از ابتدای انقلاب و از سال ۱۳۶۱ تاکنون در امر نشر فرهنگ و علوم قرآنی فعالیت‌های تاثیرگذار و وسیعی در سطح کشور داشته، دارالقرآن الکریم سازمان تبلیغات اسلامی بوده است که از ابتدای سال ۱۳۸۱ با تغییر ساختار تشکیلاتی این مجموعه و تبدیل آن به «سازمان دارالقرآن الکریم» فعالیت‌های آن در حوزه‌های مختلف قرآنی به ویژه در طراحی و ارائه آموزه‌های متنوع قرآنی بیش از پیش گسترش یافته و با ارائه انواع آموزش‌های (علوم و فنون قرائت قرآن کریم «۸ سطح»)، (ترجمه و مفاهیم قرآن «۵ سطح»)،

(حفظ قرآن کریم «۵ سطح»)، (آموزش قرآن ویژه کودکان پیش دبستانی «۳ سطح»)، (ترجمه و تفسیر قرآن در قالب طرح‌های بینات، نسیم حیات، نورالرحمن و تفسیر فراگیر تخصّصی)، (روخوانی و روان‌خوانی و فرهنگ قرآن کارکنان دولت «۲سطح»)، (دوره‌های تخصّصی حفظ و قرائت ویژه قراء و حفاظ برتر کشور)، (کارگاه‌های آموزشی کارشناسان و مدیران قرآنی)، (کارگاه‌های آموزش مهارت‌های زندگی قرآنی)، (تربیت ممتحن آزمون‌های شفاهی دوره‌های تخصصی)، (تربیت معلم مفاهیم و تفسیر قرآن حکیم «٤ سطح»)، (تربیت معلم علوم و فنون قرائت قرآن کریم «۵ سطح»)، (تربیت معلم قرآن پیش دبستانی)، (تربیت داور مسابقات قرآنی در ۵ رشته «۲ سطح»)، (تربیت استاد و مدرس روش تدریس قرائت و مفاهیم قرآن کریم «۳ سطح») و طرح‌های متنوع دیگری در سطوح آموزش عمومی، متوسطه و تخصصی توانسته است بسیاری از آحاد امت اسلامی را با قرآن کریم بیش از پیش مأنوس نموده و بسیاری از نیروهای آموزشی مورد نیاز کلاس‌ها و دوره‌های آموزشی را نیز تربیت نماید.

با عنایت به گستره وسیع دوره‌های آموزشی سازمان و نیاز مبرم به کتاب‌های آموزشی متقن و متناسب با اهداف آموزشی مربوطه، این سازمان با تشکیل «شورای تخصصی تألیفات قرآنی» همواره سعی نموده است تا با شناسایی و رصد آثار برتر قرآنی و همچنین با استفاده از اساتید و متخصصین قرآنی نسبت به تهیه‌ی کتاب‌های مورد نیاز و چاپ و توزیع آن در سراسر کشور از طریق انتشارات تلاوت اقدام نماید. امید است این فعالیّت‌ها موجب نشر بیش از پیش فرهنگ قرآنی در جامعه گردد.

از همه‌ی فرهیختگان قرآنی درخواست می‌شود تا نقطه نظرات خود را جهت ارتقاء سطح کیفی کتاب‌ها و دیگر محصولات به آدرس انتشارات تلاوت ارسال فرمایند.

انتشارات تلاوت

سازمان دارالقرآن الکریم

مقدّمه مؤلف

قرآن کریم معجزه جاودان و انسان‌ساز پیامبراکرم ﷺ، در بین مسلمین از صدر اسلام تاکنون جایگاه رفیع و عظیمی داشته و جامعه اسلامی همواره در کنار تدبر و تفکر در قرآن، اهتمام ویژه‌ای به تلاوت مستمر و حفظ آیات نورانی آن نموده است. در زمان رسول الله ﷺ هنگامی‌که آیه یا سوره‌ای از قرآن نازل می‌شد، همواره کاتبانی نزد حضرت حضور داشتند که آیات الهی را می‌نوشتند و سپس افراد زیادی آن را به ذهن می‌سپردند. بدین ترتیب حفظ آیات قرآن مجید از زمان نزول آن، در بین مسلمان‌ها رواج داشته است. با توجه به اینکه در آغاز رسالت پیامبر ﷺ، ابزار کتابت و کاتبان وحی محدود بود، پیامبر ﷺ مسلمین را تشویق به حفظ قرآن می‌نمودند که این افراد به «حفاظ» و «قراء» قرآن معروف گشتند.[1]

درباره اهمیت حفظ قرآن و جایگاه رفیع حافظان نزد خداوند متعال، پیامبر اکرم ﷺ روایات زیادی را بیان داشته‌اند، برای نمونه حضرت فرمودند: «کسی که خدا نعمت حفظ کتاب خود را به او عطا کند و گمان کند که به دیگران نعمتی بزرگتر از این نعمت، داده شده است، بی‌گمان نسبت به بزرگترین نعمت، تحقیر و ناسپاسی روا داشته است.»[2]

روش حفظ قرآن کریم از صدر اسلام به بعد، معمولاً به صورت سوره به سوره بوده، بدین نحو از ابتدای قرآن آغاز و تا انتهای آن ادامه داشته است، هر چند این شیوه حفظ ممکن است منجر به حفظ تمام سوره‌های قرآن یا بخشی از سوره‌ها و اجزای آن شود. البته نوع دیگری از حفظ وجود دارد که در آن حفظ کل قرآن مدنظر نیست و بلکه حافظ در آن، بخشی از آیات یک سوره را بر اساس موضوع خاصی به ذهن می‌سپارد. این تقسیم‌بندی شبیه تقسیم‌بندی تفسیر قرآن به ترتیبی و موضوعی است. در تفسیر ترتیبی مفسر از اول قرآن شروع به تفسیر می‌کند و تا انتهای قرآن، آن را ادامه می‌دهد مثل تفسیر مجمع‌البیان، المیزان و ... . اما در تفسیر

۱. الاتقان، ج۱، صص۱۹۲-۱۹۷؛ مناهل العرفان، ج۱، صص۲۴۳-۲۴۰.
۲. کنزالعمال، ج۱، ص ۵۱۸، ح ۲۳۱۷.

موضوعی، مفسر یک موضوع از قرآن مثل توحید، توبه، ذکر و... را انتخاب و به تحقیق و بررسی آن در سراسر قرآن می‌پردازد، همانند تفاسیر موضوعی آیت‌الله جوادی آملی و آیت‌الله سبحانی و... . در حفظ موضوعی قرآن کریم، حافظ موضوعات مختلفی از قرآن کریم را انتخاب و سپس به حفظ آیات مربوط به آن مبادرت می‌روزد.

آنچه در مجموعه حاضر آمده، «درسنامه حفظ موضوعی قرآن کریم» است که با رویکرد مسائل عبادی، به نگارش در آمده و ان شاءالله در سایر مجلدات به مباحث اخلاق فردی، اجتماعی، مسائل اعتقادی و... پرداخته خواهد شد.

روش کار

۱- کتاب حاضر در ۱۰ درس تدوین شده که در درس اول به کلیات حفظ و مباحث مربوط به آن اشاره شده است. از درس دوم تا انتهای کتاب به برخی مصادیق عبادات همچون نماز، روزه، حجاب و عفاف و جهاد و ... اختصاص یافته است.

۲- در این کتاب ذیل ۹ عنوان کلی بیش از ۱۵۰ موضوع جزئی با ۱۷۵ آیه برای حفظ بیان شده است که این مقدار از آیات تقریباً معادل یک جزء و نیم از قرآن کریم می‌باشد.

۳- هر درس شامل ٦ قسمت: دیباچه، نمودار، آیات و ترجمه، واژه‌نامه، نکات معرفتی و تربیتی و پرسش‌های درس است.

٤- در دیباچه نگاهی مختصر و گذرا به موضوع مورد بحث در سراسر قرآن شده است.

٥- در بخش نمودار عناوین درس به همراه آیات مربوطه به صورت نمودار درختی ترسیم شده است.

٦- در بخش آیات و ترجمه که قسمت اصلی درس می‌باشد، سعی شده است موضوع به زیر مجموعه‌های کلی و هر یک از آن‌ها نیز به بخش‌های جزئی‌تری تقسیم شود تا با ارائه دسته‌بندی از عنوان درس و تعیین موضوع برای هر آیه، امکان حفظ آسانتر آیات برای حافظ فراهم گردد.

در دسته‌بندی موضوعی آیات، هدف احصاء تمام موضوعات ذیل عنوان کلی بحث نبوده است، بلکه سعی برآن بوده است صرفاً به بخشی از آیات ذیل موضوع اشاره شود تا امکان پرداختن موضوعات بیشتری از قرآن در این کتاب فراهم گردد.

۷- برای سهولت درک ترجمه و حفظ سریع آیات برای هر درس واژه‌نامه‌ای مجزا آورده شده است.

۸-برای ترجمه آیات از ترجمه‌ی حجة الاسلام و المسلمین جناب آقای انصاریان استفاده شده است، البته در برخی موارد توضیحات تفسیری داخل پرانتز ترجمه، حذف شده است.

۹- از جمله اهداف حفظ قرآن – چه ترتیبی و چه موضوعی – ایجاد انس و آشنایی هر چه بیشتر با قرآن کریم و مفاهیم موجود در آن است تا انس مستمر سبب بهره‌گیری از دستورات و مفاهیم والای قرآن کریم در زندگی فردی و اجتماعی گردد، به همین دلیل در هر درس ۲ صفحه به نکات تربیتی و معرفتی به صورت مختصر، پیرامون موضوع درس اختصاص یافته تا حافظان محترم ضمن حفظ آیات کلام الله مجید با موضوعات مورد بحث بیشتر آشنا شوند و زمینه عمل هر چه بیشتر به رهنمودهای آن فراهم گردد.

۱۰- جهت ارزشیابی و سنجش آموخته‌های حافظان محترم، در انتهای هر درس تعدادی پرسش مطرح شده است.

امید است اثر پیش رو مقبول درگاه الهی واقع گردد و قرآن حافظ و نگهبان ما در دنیا و آخرت باشد.

درس اول

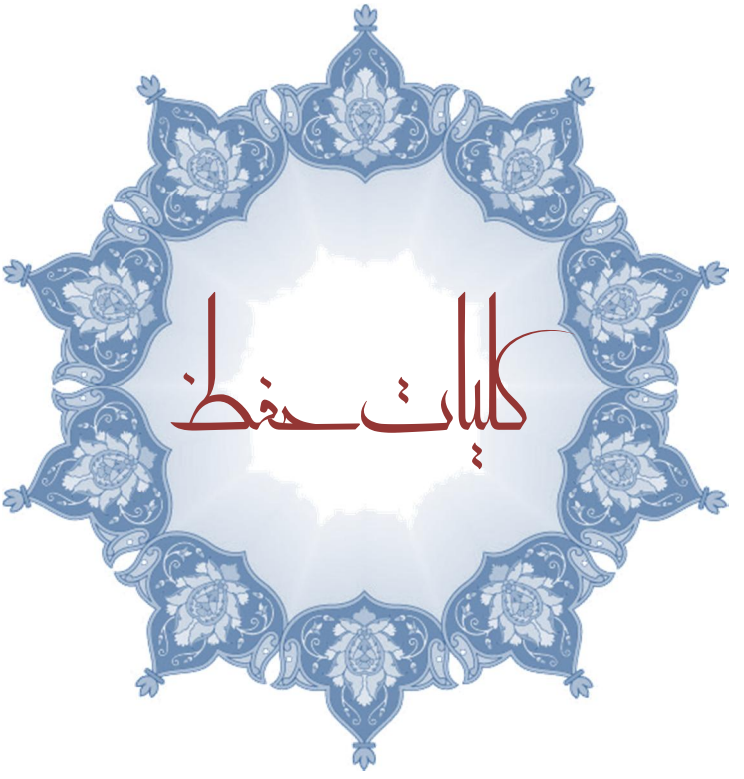

اهداف درس

آشنایی با اهمیت حفظ قرآن از دیدگاه پیامبر و اهل‌بیت علیهم‌السلام

شناخت جایگاه حفظ قرآن کریم از منظر علما و بزرگان دین

آگاهی از مزیت‌ها و محدودیت‌های حفظ موضوعی قرآن

آشنایی با روش موضوعی حفظ قرآن کریم

قرآن کریم، کتاب انسان‌سازی و سفره‌ی معارف الهیه است که به عنوان آخرین نسخه هدایت بشری به جهانیان عرضه شده است. بدون شك انس هرچه بیشتر با این گنجینه‌ی گرانسنگ الهی، وسیله تعالی و عروج انسان خاکی به معراج افلاکیان، شناخت گوهر نفس و فطرت الهی و تغییر منش فردی و اجتماعی از رفتار حیوانی به اوج منش انسانی و ساخته شدن مدینه فاضله نبوی و راهبری خلق عظیم نبوی ﷺ به جای هوا محوری در جوامع بشری است.

در این میان همانگونه که بارها در رهنمودهای مقام معظم رهبری تکرار شده، پرداختن به حفظ قرآن کریم یکی از بهترین روش‌ها جهت آشنایی و انس جامعه با قرآن کریم و در پی آن تدبّر و شناخت مفاهیم و معانی ارزشمند آیات قرآن کریم و عمل به دستورات قرآن است. رهبر عظیم‌الشأن انقلاب در این‌باره می‌فرمایند:

«حفظ قرآن سرمایه و ذخیره‌ای است که زمینه تدبّر بیشتر را در آیات وحی الهی فراهم می‌کند.»[1]

حمایت‌ها و نصیحت‌ها و رهنمودهای معظم‌له در طول سال‌های اخیر، منجر به بروز و ظهور جریانی بسیار مبارك در زمینه حفظ قرآن کریم شد که می‌توان از آن به نهضت حفظ قرآن کریم یاد نمود. این حرکت خجسته موجب شد تا در سال‌های اخیر توجه مسئولان و اقشار مختلف جامعه به حفظ قرآن کریم به گونه‌ای فزاینده جلب شده و گروه‌های بسیار زیادی از دانش‌آموزان، دانشجویان، طلاب حوزه‌های علمیه و اقشار مختلف مردم به سوی حفظ قرآن کریم اقبال نشان داده و در این جریان نورانی قرار گیرند.

در این میان حفظ موضوعی قرآن کریم گامی نو و مؤثر در زمینه آشنایی با قرآن کریم و اشراف بر محتوا و معارف قرآن کریم است که علی‌رغم اهمیت و نقش بسزای آن در نهادینه

۱. سخنرانی رهبر در جمع قاریان و حافظان ممتاز قرآن از سراسر کشور، رمضان ۸۵.

کردن آیات و مفاهیم و معانی بلند و سرنوشت‌ساز آن در ذهن جامعه دارد، تلاش کافی در زمینه‌ی طراحی نظام آموزش حفظ موضوعی و تدوین متن صورت نپذیرفته است.

آنچه در پی می‌آید مجلّداتی از طرح حفظ موضوعی قرآن کریم است که با روش نوین، دسته‌بندی، درس‌بندی و در قالب مجلدات ذیل ارائه شده است:

۱-درسنامه حفظ موضوعی قرآن کریم جلد اول (بارویکرد مباحث عبادی)

۲-درسنامه حفظ موضوعی قرآن کریم جلد دوم (با رویکرد مباحث اخلاقی و اجتماعی)

۳-درسنامه حفظ موضوعی قرآن کریم جلد سوم (با رویکرد مباحث اعتقادی)

٤-کتاب راهنمای استاد (شامل نکات کلاس‌داری، مهارت‌های حفظ و نکات تکمیلی معارفی و ...)

همچنین در نظر است تا علاوه بر درسنامه حاضر درسنامه‌های تخصصی موضوعی حفظ قرآن کریم ویژه دانشگاهیان عزیز با رویکرد به حفظ آیات حقوقی آیات سیاسی (سیاست داخلی و خارجی) آیات کیهان‌شناسی (شامل آیات زمین‌شناسی، نجوم و...) تدوین گردد، ان‌شاء الله.

اهمیت حفظ قرآن کریم در احادیث و سخنان بزرگان

تأمل درباره عظمت قرآن کریم و جایگاه و نقش آیات در انسان سازی و تعالی زندگی فردی و اجتماعی گرچه کافی است تا اهمیت انس دائمی و به دنبال آن اهمیت بخاطر سپردن آیات نورانی آن را بگونه‌ای خردپذیر اثبات نماید، ولی نگاهی به سخنان نورانی ملازمان خانه وحی و اهل‌بیت گرامی پیامبر علیهم‌السلام انگیزه و شوق وصف ناپذیری برای حفظ آیات قرآن در نهاد انسان شکوفا می‌کند.

حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله: همانا کسانی که چیزی از قرآن را به قلب خود نسپرده باشد (حقیقت او) مانند خانه‌ی ویرانه است.[1]

۱. میزان الحکمه، حدیث ١٦٤٧٤.

حضرت رسول ﷺ: حامل قرآن، حامل پرچم اسلام است. هرکس او را اکرام کند خدا را اکرام کرده و هرکس به او اهانت کند لعنت خدای عزّوجلّ بر او باد.[1]

حضرت رسول ﷺ: حاملان قرآن، سرشناسان اهل بهشت هستند و مجاهدان در راه خدا، رهبران و انبیاء سروران اهل بهشت هستند.[2]

حضرت رسول ﷺ: اشراف و بزرگان امّت من، حاملان قرآن (قرآن‌دانان) و شب‌زنده‌داران هستند.[3]

امام علی علیه‌السلام: خدایا حفظ کتابت را آن‌گونه که به من آموختی در قلبم همراه و ملازم فرما و تلاوت آن را به آن‌گونه که تو را از من خشنود گرداند روزیم کن... .[4]

علاوه بر تأکیدات و سفارشات ویژه‌ی پیامبر اکرم و اهل‌بیت علیهم‌السلام در زمینه حفظ قرآن، در مراتب نازلتر سخنان ریزه خواران خوان معرفت آل‌الله در این مسیر نورانی گونه‌ای دیگر از شوق انگیزی را برای حفظ آیات قرآن در وجود انسان احیاء می‌کند.

مقام معظم رهبری (مدّظلّه‌العالی): «شما غالباً جوان هستید و برای جوان، حفظ قرآن کاری ندارد. من خودم تأسف می‌خورم که این همه شعر و نثر و عین عبارات خیلی از کتاب‌ها را به فارسی و عربی حفظ داشتم، که حالا دیگر یواش یواش زایل می‌شود، ولی قرآن را به حفظ نداشتم، کسی نبود به ما بگوید، قرآن را حفظ کنید. من الان وقتی بعضی از جوانانی را که حافظ قرآنند، می‌بینم، که بحمدالله بعد از انقلاب، ما از این قبیل افراد زیاد داریم، یا بعضی بزرگان اهل علم را که حافظ قرآنند، می‌بینم، غبطه می‌خورم و می‌گویم: حاضر بودم اگر چیزی از امور معنوی داشتم، بدهم و آن حفظ قرآن را بگیرم نمی‌شود دیگر. این‌ها معامله‌ای نیست.

۱. همان، حدیث ۱٦٤٩٠.
۲. همان، حدیث ۱٦٤٨٤.
۳. من لایحضره‌الفقیه، ج ٤، ص۳۹۹.
٤. اصول کافی، ج۲، ص۵۷۷.

حالا هم که دیگر از ما و حافظه و اشتغالات‌مان گذشته؛ اما وقت شما نگذشته است. بر حفظ قرآن همّت گمارید.»[1]

مرحوم آیت الله العظمی بهجت(ره): «خدا می‌داند حفظ قرآن، چقدر در استفاده از این معدن و منبع رحمت الهی، مدخلیّت دارد... ما آن‌گونه که باید و شاید از قرآن استفاده نمی‌کنیم!... قرآن را حفظ کنیم تا همیشه با ما باشد و ما با او باشیم، با قرآن تحصّن بکنیم (و همنشین باشیم) و آن را وسیله حفظ‌مان در فتن و شدائد دنیا قرار بدهیم.»[2]

آیت‌الله علامه حسن‌زاده آملی (دامت برکاته): «حیف که من عمر خود را ضایع کردم و به جای حفظ قرآن به حفظ اشعار پرداختم. آنگاه سفارش می‌فرمودند: «علیکم بالمفصّلات»...ای کاش از همان وقت، کسی به من می‌گفت که آقا به جای این که این‌ها را حفظ کنی، شروع کن به حفظ قرآن و الان این حسرت برای من به جای مانده است که این عشق و علاقه‌ای که به دیوان‌های شعرا داشتم، کاش در حفظ قرآن به کار می‌بردم.»[3]

حضرت آیت‌الله العظمی جعفر سبحانی(مدّظلّه‌العالی): «اگر خداوند عمر دوباره‌ای به من بدهد، در درجه اوّل در وقت، صرفه‌جویی می‌کنم. مثلاً ما، روزی «مقامات حریری» و یا اشعار عرب را حفظ می‌کردیم. اما از حفظ قرآن باز می‌ماندیم. در صورتی‌که باید قرآن را حفظ می‌کردیم.»[4]

نکات کلی پیرامون حفظ قرآن کریم

از آنجایی‌که درسنامه حاضر به مقوله حفظ موضوعی می‌پردازد و با عنایت به اینکه «حفظ موضوعی» در اکثر شرایط و اصول تابع ضوابط «حفظ ترتیبی» قرآن کریم است در ادامه به گزیده‌ای از اصول حفظ قرآن کریم پرداخته می‌شود:

---

۱. سخنرانی در جمع اساتید و طلاب حوزه‌ی علمیه مشهد، ۱۰/۶/۱۳۶۷.

۲. زمزم عارفان، محمدمهدی ری‌شهری، ص ۲۶.

۳. مقصود ایشان از مفصّلات سوره‌های کوچك آخر قرآن است که راحت‌تر به خاطر سپرده می‌شوند و فضایل زیادی برای انس با آن‌ها در روایات ذکر شده است. به نقل از پایگاه مجلات تخصصی نور. میراث ماندگار، ص ۵۶۳.

٤. مجله‌ی سباء، سال سوم، ش ۲۱، ص ۱۲.

۱. حفظ قرآن و تسلط بر محفوظات، بیشتر از قدرت حافظه و ضریب هوشی فرد، به اراده، همت، برنامه و نظم وابسته است.

۲. نیت صادقانه و اخلاص مهمترین عامل در پیشرفت و ماندگاری همه‌ی کارها از جمله حفظ قرآن کریم است.

۳. بهترین فرصت برای حفظ قرآن زمانی است که ذهن آماده و دارای فراغت است. این زمان برای بسیاری از افراد صبحگاه و برای برخی ساعات پایانی روز و برای برخی ساعات دیگر است.

٤. آشنایی با ادبیات عرب، نقش بسزایی در کیفیت و کمیت جریان حفظ قرآن کریم دارد.

٥. رعایت برخی از مستحبات از جمله قرائت ادعیه ویژه حفظ قرآن و انجام اموری که روایات اهل‌بیت آن را تقویت کننده حافظه شمرده شده است.

٦. قبل از تثبیت محفوظات قبلی به سراغ حفظ دروس جدید نروید.

۷. یکی از مهمترین عواملی که موجب کندی، توقف و یا انصراف از حفظ قرآن می‌شود انباشته شدن محفوظات بدون مراجعه و تثبیت آن هست که موجب از بین رفتن اعتماد به نفس حافظ می‌شود.

۸. مباحثه با حافظ دیگر و یا محافظه گروهی برای بالا بردن کیفیت حفظ و تثبیت بسیار موثر است.

۹. استماع ترتیل استادان برتر و سعی در مرور و تثبیت محفوظات با روش ترتیل جهت پی بردن به اشتباهات اعرابی و کلامی در حفظ و تقویت صوت و لحن و تجوید بسیار موثر است.[۱]

اهداف حفظ موضوعی

۱- انس بیشتر با آیات قرآن کریم بر اساس حرکت محتوا محور

۲- تسلط عمیق بر محتوای آیات قرآن کریم با حفظ کمتر از یک دهم آیات قرآن

۱. جهت آشنایی با اصول و کلیات حفظ قرآن کریم به کتب و نشریات علمی مراجعه شود.

۳- قدرت استدلال بر مفاهیم قرآنی با استناد به آیات قرآن کریم

٤- توانمندی در دسته‌بندی آیات در محورهای کلی اعتقادات، عبادیات، اخلاقیات و ریز موضوعات مرتبط

٥- زمینه‌سازی جهت استفاده موضوعی از آیات قرآن بر اساس اصل تفسیر قرآن به قرآن

مزیت‌های حفظ موضوعی

برای فرآیند حفظ قرآن کریم روش‌های گوناگونی وجود دارد از جمله: روش حفظ سوره‌های منتخب، حفظ ترتیبی و حفظ موضوعی.

روش حفظ سوره‌های منتخب آسان‌ترین روش حفظ بوده و معمولاً برای نونهالان و نوآموزان در آغاز آشنایی با قرآن (در قالب حفظ سوره‌های کوچک جزء سی‌ام)و یا با هدف حفظ سوره‌هایی که در برنامه‌ها و اعمال معنوی کاربرد دارد (از قبیل حفظ سوره واقعه، جمعه و معوذتین و...) توصیه می‌شود. این روش محتوا محور نبوده و بنابراین دسترسی به موضوعات آیات گوناگون الهی در آن محدود است.

روش حفظ ترتیبی که اصلی‌ترین روش حفظ قرآن است، حداقل یک بار توسط علاقمندان به حفظ قرآن کریم تجربه شده است. در این روش اندک افرادی موفق به حفظ کل قرآن شده‌اند و در اکثریت حفاظ منجر به حفظ یک یا چند جزء قرآن کریم گشته است. چراکه باید دانست که این روش، به ویژه با توجه به افق بلند آن یعنی حفظ کل قرآن کریم، حقیقتاً مخاطب عمومی نداشته و نسخه‌ای قابل توصیه برای عموم نیست. البته این نکته نباید مورد غفلت قرار گیرد که عدم موفقیت افراد جامعه در حفظ ترتیبی قرآن کریم بیش از آنکه معلول ظرفیت‌های هوشی و قدرت حافظه آنان باشد از عدم وجود نظم، برنامه علمی، همت و اراده‌ی آنان ناشی می‌شود.

اما مزیت‌های حفظ موضوعی قرآن کریم را در امور ذیل می‌توان برشمرد:

۱. تسلط نسبی بر فضای محتوایی کل قرآن کریم

۲. توانمندی در ارائه نقطه نظرات قرآن کریم در موضوعات مهم قرآنی

۳. سهولت به یادسپاری، بدلیل حجم حفظ کمتری آیات

٤. شادابی بیشتر حافظ در فرآیند حفظ

٥. قابلیت توصیه حفظ موضوعی به اقشار و سطوح مختلف جامعه

٦. امکان هدف‌گذاری و تنظیم محتوا با توجه به نیازمندی مخاطب

۷. امکان بهره‌برداری بیشتر از آیات در محاورات روز مره و گفتمان‌های اجتماعی و سیاسی

۸. زمینه سازی و آماده شدن زیر ساخت مناسب جهت پژوهش قرآنی

۹. زمینه‌سازی برای اجرای کرسی‌های تلاوت موضوعی قرآن کریم

۱۰. فراهم نمودن بستری مناسب جهت کاربردی شدن آیات قرآن کریم در زندگی فردی و اجتماعی

۱۱. ایجاد شرایط مناسب در راستای توسعه و ترویج سبک زندگی و تربیت قرآنی در سطوح مختلف جامعه

۱۲. ترغیب هرچه بیشتر حافظ برای حفظ کل قرآن کریم

۱۳. ایجاد شوق و انگیزه در حافظ برای آشنایی با موضوعات و مفاهیم قرآن کریم و...

محدودیت‌ها و مشکلات حفظ موضوعی

حفظ موضوعی قرآن کریم در کنار مزیت‌های نسبی که داراست محدودیت‌ها و مشکلاتی نیز دارد که برخی از آنها در چارچوب برنامه‌ریزی مناسب قابل رفع و برخی دیگر گریز ناپذیر است، از جمله:

۱. فقدان سابقه و خلأ طرح حفظ موضوعی و متن مناسب جهت استفاده در محافل قرآنی کشور که روند تدوین این کتاب را با کندی مواجه نمود.

۲.علی‌رغم پژوهش‌های متعدد و مفیدی که در سال‌های اخیر در زمینه پژوهش‌های موضوعی قرآن کریم انجام شده، فقدان یک دسته‌بندی جامع‌الاطراف برای موضوعات قرآنی با رویکرد به نیازمندی‌های جامعه آموزشی قرآنی کشور محسوس است.

۳. برخی آیات ممکن است مشتمل بر چندین موضوع باشد که جانمایی آن در دسته‌ی موضوعی خاص، موجب در حاشیه قرار گرفتن سایر موضوعات شود.

٤. با توجه به ویژگی بیانی قرآن کریم و شیوه اجمال گویی این کتاب الهی که در بسیاری از موضوعات قرآن به چشم می‌خورد، گاهی چینش مورد نظر را در برخی دروس با مانع مواجه نمود که سعی شد در بخش مقدمه و بخش نکات تربیتی و معرفتی با بهره‌گیری از روایات، فضای معرفتی درس تکمیل شود.

۵. طولانی بودن برخی از آیاتی که در انتها و یا اواسط آن، عبارت متناسب با موضوع درس قرار گرفته است. در این زمینه برای کوتاه شدن حجم آیات، فقط عبارت مورد نظر در متن درس جانمایی شده است.

نکاتی درباره‌ی چگونگی حفظ موضوعی قرآن کریم

۱-برخلاف حفظ ترتیبی که با مراجعه به قرآن کریم فرآیند حفظ و مرور محفوظات انجام می‌پذیرد، جهت حفظ موضوعی صرفاً از کتاب درسنامه استفاده نمائید؛ چرا که هریك از دروس درسنامه بر اساس چینش محتوایی آیات مربوط به موضوع تنظیم شده و یافتن آیات در قرآن کریم نیاز به صرف زمان بسیار دارد.

۲- قبل از شروع حفظ، محدوده‌ی مشخص شده برای هر درس، با استفاده از نرم‌افزار کمك آموزشی، آیات را مرور و با دقت در ترجمه هر آیه، درباره ارتباط آن با دیگر آیات تأمل و تدبر نمائید.

۳- برای حفظ هر آیه، به دقت متن آیه را مطالعه نموده و با استفاده از نرم‌افزار کمك آموزشی از صحت قرائت متن آیه مطمئن شوید. (چراکه حفظ ناصحیح کلمات، اعراب و یا

عبارت‌ها موجب زحمت مضاعف جهت اصلاح و یادسپاری صحیح کلمات قرآن کریم خواهد شد.)

٤- به عنوان در نظر گرفته شده برای هر آیه دقت نموده و ترجمه‌ی آیه را به دقت مطالعه فرمائید.

٥- با استفاده از جدول واژگان‌شناسی با مفهوم کلمات و ترکیب‌های هر آیه آشنا شوید.

٦- بر اساس حجم و محتوای هر آیه، آن را به دو یا سه بخش تقسیم نموده، ابتدا یک بخش را حفظ نموده و پس از تسلط نسبی بر آن بخش، بخش دیگر را حفظ نمائید، سپس با ارتباط بین بخش‌ها، کل آیه را حفظ نموده و به صورت پیوسته مرور نمائید.

٧- پس از حفظ هر آیه به سراغ حفظ آیه بعدی رفته و به شیوه‌ای که در بند قبلی گفته شد، آیه بعدی را حفظ نمائید.

٨- در هر نوبت حداکثر ٥ آیه را حفظ نموده و وقت کافی برای مرور ٥ آیه‌ی قبلی پیش‌بینی گردد.

٩- عنوان هر آیه و ترجمه اجمالی آن را بخاطر بسپارید.

١٠- با مراجعه به نمودار درختی ابتدای هر درس با تکیه بر ذهن خود، بر اساس عناوین آیات، محفوظات خود را مرور نمائید.

١١- نوبت‌های مراجعه، مرور و حفظ آیات هر درس را به گونه‌ای تنظیم نمایید که حفظ کامل هر درس حداکثر در سه یا چهار روز به اتمام برسد.

١٢- محتوای هر درس برای یك هفته در نظر گرفته شده بر این اساس:

- قبل از شروع به حفظ ٥ آیه جدید، ٥ آیه قبل را مرور نموده و از تسلط نسبی بر آن مطمئن شوید.
- به ارتباط محتوایی آیات حفظ شده با آیات جدید بر اساس نمودار درختی آیات درس دقت کنید.

۱۳- حفظ نام سوره و شماره آیات در جریان حفظ موضوعی توصیه می‌گردد.

سخنی با مربیان ارجمند

همانگونه که پیشتر به عرض رسید، مجموعه حاضر یکی از معدود تألیفاتی است که در این حوزه به جامعه‌ی قرآنی تقدیم شده است. گرچه در طرح کلی حفظ موضوعی تدوین «کتاب استاد» دیده شده ولی با توجه به خلأ متن آموزشی و تاخیر در ارائه «کتاب استاد» ، نکات ذیل جهت بهره برداری بیشتر مربیان و استادان ارجمند تقدیم می‌گردد:

۱. کتاب حاضر قابلیت استفاده بصورت خودآموز و کتاب درسی را داراست. ولی همانگونه که بصورت معمول، قدرت، توانمندی و پیشرفت حفظ در جریان حفظ ترتیبی قرآن کریم در قالب کلاس آموزشی بیشتر است، پرداختن به حفظ موضوعی نیز با توجه به ابعاد موضوعی و مفهومی آیات منتخب در قالب کلاس آموزشی توصیه می‌شود.

۲. محتوای این کتاب برای یک ترم آموزشی در قالب ده درس تنظیم شده که آموزش هر درس در دو جلسه ۹۰ دقیقه‌ای در طول هفته توصیه می‌شود.

۳. مخاطب کتاب حاضر ، کلیه قرآن‌آموزانی هستند که توانمندی روخوانی و روان خوانی (حداقل قرائت سطح یک و دو) و آشنایی اجمالی با مفاهیم (حداقل آموزش مفاهیم سطح یک و دو) را دارا باشند. گرچه به نظر می‌رسد حفظ موضوعی از جهت ترتیب بعد از حفظ ترتیبی قرار دارد، ولی دقیقتر آن است که شرکت‌کنندگان در دوره حفظ موضوعی باید توانایی نسبی در حفظ قرآن را، (چه از طریق حفظ ترتیبی برخی از آیات و چه از طریق حفظ سوره‌های منتخب حداقل سطح یک حفظ یعنی حفظ ۲۶ سوره انتهایی قرآن) دارا باشند.

٤. مربیان ارجمند الزاماً باید حافظ حداقل ٥ جزء قرآن کریم بوده و تسلط نسبی بر مفاهیم قرآن داشته باشند.

٥. شایسته و بایسته است که مربیان گرامی با مطالعه دقیق آیات و ترجمه آن و تسلط بر دسته‌بندی آیات و به ویژه با مراجعه به تفاسیر ذیل نکات معرفتی و تربیتی تکمیلی را (علاوه بر

بخش ویژه نکات تربیتی و معرفتی هر درس) مطالعه و جهت ایجاد تنوع، ماندگاری آیات و غنای مطالب ارائه نمایند:

- تفسیر نمونه اثر حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی و همکاران
- تفسیر موضوعی پیام قرآن و آیات اخلاقی اثر آیت الله العظمی مکارم شیرازی و همکاران
- ترجمه تفسیر المیزان اثر مرحوم علامه طباطبایی
- تفسیر نور اثر استاد حجت الاسلام و المسلمین قرائتی
- تفسیر مهر اثر حجت الاسلام و المسلمین دکتر رضایی اصفهانی و...

بدیهی است انتخاب متن مطالعاتی از میان منابع بالا بر اساس سطح علمی شخص استاد و سطح معلومات مخاطبان می‌باشد.

٦. مربیان ارجمند در هر جلسه به هنگام آزمودن سطح آمادگی مخاطب، موارد ذیل را از قرآن آموزان بخواهند:

- تقسیمات کلی آیات پیرامون موضوع درس
- تلاوت آیات بر اساس عناوین آیات. (با عنایت به کلیه ملزومات کلاسداری حفظ)
- پرسش از نکات تربیتی و معرفتی.
- پرسش از واژگان کلیدی هر درس و...

درس دوم

اهداف درس

آشنایی با آیات مربوط به اهمیت نماز و حفظ آنها

آشنایی با آیات مربوط به احکام و آداب نماز و حفظ آنها

آشنایی با آیات بیانگر انواع و اوقات نماز و حفظ آنها

آشنایی با آیات مربوط به فلسفه و آثار نماز و حفظ آنها

نمودار درس

نماز(۱)
اهمیت نماز
توصیه عمومی به نماز در اسلام/ نور،۵۶
وجوب نماز برای مسلمانان/ نساء، ۱۰۳
حضرت ابراهیم برپاکننده نماز/ ابراهیم، ۳۷
توصیه خداوند به حضرت عیسی/ مریم، ۳۱
اقامه نماز توسط حضرت شعیب/ هود، ۸۷
اقامه نماز توسط حضرت زکریا/ آل عمران، ۳۹
مقدمات نماز
وضو/ مائده،۶
غسل و تیمم/ مائده،۶
مبطلات نماز
شرب خمر و جنابت/ نساء،۴۳
ارکان نماز
رکوع و سجده/ حج، ۷۷
اوقات نماز
نمازهای پنجگانه/ اسراء، ۷۸
نماز صبح و عصر و عشاء/هود، ۱۱۴
نماز ظهر/ بقره، ۲۳۸
انواع نماز
نماز خوف و مسافر/ نساء، ۱۰۱
نماز شب/ اسراء، ۷۹
نماز جمعه/ جمعه، ۹و ۱۰
نماز جماعت/ بقره، ۴۳
آداب نماز
عدم کسالت و سستی در نماز/ نساء، ۱۴۲
عدم جهر و اخفات در نماز/ اسراء، ۱۱۰
فلسفه نماز
یاد خدا/طه، ۱۴
آرامش دلها/ رعد، ۲۸
رستگاری و پاکیزگی/ اعلی، ۱۴و ۱۵
بازدارنده از فحشاء و منکرات/ عنکبوت، ۴۵
قرار گرفتن در زمره مصلحین/ اعراف، ۱۱۰

دیباچه

نماز یکی از مهمترین ارکان دین مبین اسلام می‌باشد که از زمان آغاز بعثت پیامبر جزو اولین فرائضی بوده که بر مسلمین واجب شده است. وجوب نماز بر ادیان آسمانی قبل از اسلام نیز وجود داشته است و به تصریح قرآن، پیامبران اولواالعزم الهی همچون ابراهیم، موسی، عیسی علیهم‌السلام از برپاکنندگان نماز بودند.

از آیات و روایات اسلامی استفاده می‌شود که بعد از اصول دین، اولین و بزرگ‌ترین دستور الهی که ستون دین، معراج مومن، نور چشم پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله، سازنده‌ترین اعمال و جلوه شکوه دین که بیانگر اوج بندگی انسان در پیشگاه خدا است، نماز است. رسول گرامی صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمودند: جایگاه نماز در دین همانند سر است نسبت به بدن.[1] آن حضرت در روایات دیگری فرمودند: قبولی تمام عبادات بستگی به قبولی نماز و رد آنان بستگی به عدم قبولی نماز دارد و تأکید فراوانی بر اقامه نماز به صورت جماعت داشتند.[2]

در آیات بسیاری از قرآن کریم به موضوع نماز و مسائل مربوط به آن اختصاص یافته است که در روایات اسلامی تفصیل آن بیان گشته است.

از وضو، غسل و تیمم با احکام خاص خود به عنوان مقدمات نماز و از رکوع و سجود به عنوان ارکان نماز در قرآن سخن به میان آمده است. قرآن کریم ضمن بیان اوقات نماز (صبح، ظهر و عشاء) و ذکر آداب آن، به انواع نماز همچون نماز خوف و مسافر، نماز شب، نماز جمعه، نماز جماعت اشاره می‌کند و شرب خمر و جنابت به عنوان مبطلات نماز در قرآن محسوب شده است.

یاد خدا، آرامش دلها، رستگاری و پاکیزگی روح، بازدارندگی از فحشاء و منکرات، قرار گرفتن در زمره مصلحین از مهمترین فلسفه و آثار نماز است که در قرآن کریم مورد تأکید قرار گرفته است.

---

۱. کنز العمال، ج۷، حدیث ۱۸۹۷۲.

۲. در احادیث آمده است: نقش نمازهای پنج‌گانه برای امت من همانند نهر آب زلالی است که از مقابل خانه آنان می‌گذرد، اگر کسی روزانه پنج بار در این نهر شست وشو کند، آیا به گمان شما باز هم بر بدن او آلودگی و پلیدی خواهد ماند؟! من لایحضره‌الفقیه، ج۱، ص۲۱۱.

آیات و ترجمه

اهمیت نماز «در اسلام و ادیان پیشین»

۱. توصیه عمومی به نماز در اسلام

وَاَقِيمُوا الصَّلٰوةَ وَءٰاتُوا الزَّكٰوةَ وَاَطِيعُوا الرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ نور/۵۶

«و نماز را برپا دارید و زکات را بپردازید و این پیامبر را اطاعت کنید تا مورد رحمت قرار گیرید.»

۲. وجوب نماز برای مسلمانان

اِنَّ الصَّلٰوةَ كٰانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتٰابًا مَوْقُوتًا نساء/ ۱۰۳

«مسلماً نماز همواره در اوقاتی مشخص و معین وظیفه‌ای مقرّر بر مؤمنان است.»

۳. حضرت ابراهیم علیه‌السلام برپاکننده نماز

رَبَّنٰآ اِنّٖٓ اَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتٖى بِوٰادٍ غَيْرِ ذٖى زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنٰا لِيُقِيمُوا الصَّلٰوةَ ابراهیم/۳۷

«ای پروردگارم برخی از فرزندانم را در درّه‌ای بی‌کشت و زرع نزد خانه محترمت سکونت دادم؛ ای پروردگار من [این سکونت دادن] برای این است که نماز را بر پا دارند.»

۴. توصیه خداوند به حضرت عیسی علیه‌السلام

وَجَعَلَنٖى مُبٰارَكًا اَيْنَ مٰا كُنْتُ وَاَوْصٰانٖى بِالصَّلٰوةِ وَالزَّكٰوةِ مٰا دُمْتُ حَيًّا مریم/۳۱

«و هر جا که باشم بسیار پربهره و سودمندم نموده و تا زنده‌ام به نماز و زکات سفارشم کرده است.»

۵. اقامه نماز توسط حضرت شعیب علیه‌السلام

قٰالُوا يٰا شُعَيْبُ اَصَلٰاتُكَ تَاْمُرُكَ اَنْ نَتْرُكَ مٰا يَعْبُدُ ءٰابٰآؤُنٰآ هود/۸۷

«گفتند: ای شعیب! آیا نمازت به تو فرمان می‌دهد که آنچه را پدرانمان می‌پرستیدند رها کنیم؟»

۶. اقامه نماز توسط حضرت زکریا علیه‌السلام

فَنٰادَتْهُ الْمَلٰٓئِكَةُ وَهُوَ قٰآئِمٌ يُصَلّٖى فِى الْمِحْرٰابِ اَنَّ اللّٰهَ يُبَشِّرُكَ بِيَحْيٰى آل‌عمران/ ۳۹

«پس فرشتگان، او را در حالی‌که در محراب عبادت به نماز ایستاده بود، ندا دادند که خدا تو را به یحیی بشارت می‌دهد.»

مقدّمات نماز

۱. وضو

يَآ اَيُّهَا الَّذِينَ ءامَنُوٓا اِذا قُمتُم اِلَى الصَّلوٰةِ فَاغسِلُوا وُجُوهَكُم وَاَيدِيَكُم اِلَى الْمَرافِقِ وَامسَحُوا بِرُءُوسِكُم وَاَرجُلَكُم اِلَى الْكَعبَينِ مائده/۶

«ای اهل ایمان! هنگامی که به [قصدِ] نماز برخیزید، صورت و دست‌هایتان را تا آرنج بشویید و بخشی از سر و روی پاهایتان را تا برآمدگی پشت پا مسح کنید»

۲. غسل و تیمم

وَاِن كُنتُم جُنُبًا فَاطَّهَّرُوا وَاِن كُنتُم مَرضىٰٓ اَو عَلىٰ سَفَرٍ اَو جآءَ اَحَدٌ مِنكُم مِنَ الْغآئِطِ اَو لٰامَستُمُ النِّسآءَ فَلَم تَجِدُوا مآءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامسَحُوا بِوُجُوهِكُم وَاَيدِيكُم مِنهُ مائده/۶

«و اگر جُنُب بودید، غسل کنید و اگر بیمار هستید یا در سفر می‌باشید یا یکی از شما از قضای حاجت آمده، یا با زنان آمیزش کرده‌اید و آبی [برای وضو یا غسل] نیافتید، به خاکی پاك تیمم کنید و با آن خاك بخشی از صورت و دست‌هایتان را مسح نمایید.»

مبطلات نماز

شرب خمر و جنابت

يَآ اَيُّهَا الَّذِينَ ءامَنُوا لا تَقرَبُوا الصَّلوٰةَ وَاَنتُم سُكٰرىٰ حَتّىٰ تَعلَمُوا ما تَقُولُونَ وَلا جُنُبًا اِلّا عابِرى سَبِيلٍ حَتّىٰ تَغتَسِلُوا نساء/۴۳

«ای اهل ایمان! در حالی‌که مستید به نماز نزدیك نشوید تا زمانی‌که بدانید [که در حال نماز] چه می‌گویید و در حال جنابت هم به نماز نزدیك نشوید تا غسل کنید مگر در حال سفر.»

ارکان نماز

رکوع و سجود

يَآ اَيُّهَا الَّذِينَ ءامَنُوا اركَعُوا وَاسجُدُوا وَاعبُدُوا رَبَّكُم وَافعَلُوا الْخَيرَ لَعَلَّكُم تُفلِحُونَ حج/۷۷

«ای اهل ایمان! رکوع به جا آورید و سجده نمایید و پروردگارتان را عبادت کنید و کار نیك انجام دهید تا [بر همه مشکلات دنیا و آخرت] پیروز شوید.»

اوقات نماز

۱. نمازهای پنج‌گانه

اَقِمِ الصَّلٰوةَ لِدُلُوكِ الشَّمْسِ اِلٰى غَسَقِ اللَّيْلِ وَقُرْءٰانَ الْفَجْرِ اِنَّ قُرْءٰانَ الْفَجْرِ كٰانَ مَشْهُودًا
اسراء/۷۸

«نماز را از ابتدای تمایل خورشید به جانب مغرب [که شروعِ ظهرِ شرعی است] تا نهایت تاریکی شب بر پا دار و [نیز] نماز صبح را [اقامه کن] که نماز صبح مورد مشاهده است.»

۲. نماز صبح و عشاء و عصر

وَاَقِمِ الصَّلٰوةَ طَرَفَيِ النَّهٰارِ وَزُلَفًا مِنَ اللَّيْلِ اِنَّ الْحَسَنٰاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئٰاتِ هود/۱۱۴

«و نماز را در دو طرف روز و ساعات نخستین شب برپا دارکه یقیناً نیکی‌ها بدی‌ها را از میان می‌برند، این برای یادکنندگان تذکّر است.»

۳. نماز ظهر

حٰافِظُوا عَلَى الصَّلَوٰاتِ وَالصَّلٰوةِ الْوُسْطٰى وَقُومُوا لِلّٰهِ قٰانِتِينَ بقره/۲۳۸

«بر همه نمازها و به ویژه نماز میانه [که بر اساس پاره‌ای از روایات، نماز ظهر است] محافظت کنید و [هنگام عبادت] فروتنانه برای خدا قیام کنید.»

انواع نماز

۱. نماز خوف و مسافر

وَاِذٰا ضَرَبْتُمْ فِي الْاَرْضِ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنٰاحٌ اَنْ تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلٰوةِ اِنْ خِفْتُمْ اَنْ يَفْتِنَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوٓا اِنَّ الْكٰافِرِينَ كٰانُوا لَكُمْ عَدُوًّا مُبِينًا نساء/۱۰۱

«و هنگامی‌که در روی زمین سفر می‌کنید، اگر بترسید که کافران به شما آسیب و آزار رسانند، بر شما گناهی نیست که از نمازهابکاهید؛ زیرا کافران همواره برای شما دشمنی آشکارند.»

۲. نماز شب

وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهٖ نٰافِلَةً لَكَ عَسٰى اَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقٰامًا مَحْمُودًا اسراء/۷۹

«و پاسی از شب را برای عبادت و بندگی بیدار باش که این افزون [بر واجب،] ویژه توست، امید است پروردگارت تو را [به سبب این عبادت ویژه] به جایگاهی ستوده برانگیزد.»

۳. نماز جمعه

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَوٰةِ مِن يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ جمعه/۹

«ای مؤمنان! چون برای نماز روز جمعه ندا دهند، به سوی ذکر خدا بشتابید و خرید و فروش را رها کنید که این برای شما بهتر است اگر [به پاداشش] معرفت داشتید.»

۴. نماز جماعت

وَأَقِيمُوا الصَّلَوٰةَ وَءَاتُوا الزَّكَوٰةَ وَارْكَعُوا مَعَ الرَّاكِعِينَ بقره/۴۳

«و نماز را بر پا دارید و زکات بپردازید و همراه رکوع‌کنندگان رکوع کنید.»

آداب نماز

۱. عدم کسالت و سستی در نماز

إِنَّ الْمُنَافِقِينَ يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَهُوَ خَادِعُهُمْ وَإِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَوٰةِ قَامُوا كُسَالَىٰ يُرَاءُونَ النَّاسَ وَلَا يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلَّا قَلِيلًا نساء/۱۴۲

«منافقان همواره با خدا نیرنگ می‌کنند و حال آن‌که خدا کیفر دهنده نیرنگ آنان است و هنگامی که به نماز می‌ایستند، با کسالت می‌ایستند و همواره در برابر مردم ریاکاری می‌کنند و خدا را جز به مقدار کمی یاد نمی‌کنند.»

۲. عدم جهر و اخفات در نماز

قُلِ ادْعُوا اللَّهَ أَوِ ادْعُوا الرَّحْمَٰنَ أَيًّا مَّا تَدْعُوا فَلَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ وَلَا تَجْهَرْ بِصَلَاتِكَ وَلَا تُخَافِتْ بِهَا وَابْتَغِ بَيْنَ ذَٰلِكَ سَبِيلًا اسراء/۱۱۰

«بگو: خدا را بخوانید یا رحمان را بخوانید، هر کدام را بخوانید [ذات یکتای او را خوانده‌اید] نیکوترین نام‌ها فقط ویژه اوست و نماز خود را با صدای بلند و نیز با صدای آهسته مخوان و میان این دو [صدا] راهی میانه بجوی.»[1]

---

۱. اگر مراد از «بصلاتك» تك تك نمازها بطور استغراق باشد، معنای آیه همین است که در متن ذکر شده و اما اگر مراد از آن مجموع نمازها (و شاید هم این ظاهرتر است) باشد در این صورت معنای آیه این خواهد شد که در همه نمازها جهر مخوان و در همه آنها اخفات

فلسفه نماز و آثار آن

۱. یاد خدا

اِنَّنِیٓ اَنَا اللّٰهُ لَآ اِلٰهَ اِلَّآ اَنَا فَاعْبُدْنِی وَاَقِمِ الصَّلٰوةَ لِذِکْرِیٓ طه/۱۴

«همانا! من خدایم که جز من معبودی نیست، پس مرا بپرست و نماز را برای یاد من برپا دار.»

۲. آرامش دل‌ها

اَلَّذِینَ ءٰامَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِکْرِ اللّٰهِ اَلَا بِذِکْرِ اللّٰهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ رعد/۲۸

«[بازگشتگان به سوی خدا] کسانی [هستند] که ایمان آوردند و دل‌هایشان به یاد خدا آرام می‌گیرد، آگاه باشید! دل‌ها فقط به یاد خدا آرام می‌گیرد.»

۳. رستگاری و پاکیزگی روح

قَدْ اَفْلَحَ مَنْ تَزَکّٰی ﴿۱۴﴾ وَذَکَرَ اسْمَ رَبِّهٖ فَصَلّٰی اعلی/۱۴و۱۵

«بی‌تردید کسی که خود را [از زشتی‌های باطن و ظاهر] پاك کرد، بر موانع و مشکلات دنیا و آخرت پیروز شد* و نام پروردگارش را یاد کرد، پس نماز خواند.»

۴. نماز بازدارنده از فحشاء و منکرات

اُتْلُ مَآ اُوحِیَ اِلَیْکَ مِنَ الْکِتٰابِ وَاَقِمِ الصَّلٰوةَ اِنَّ الصَّلٰوةَ تَنْهٰی عَنِ الْفَحْشٰآءِ وَالْمُنْکَرِ وَلَذِکْرُ اللّٰهِ اَکْبَرُ وَاللّٰهُ یَعْلَمُ مٰا تَصْنَعُونَ عنکبوت/۴۵

«آنچه را از این کتاب به تو وحی شده است، بخوان و نماز را برپا دار، یقیناً نماز از گناهان آشکار و کارهای ناپسند باز می‌دارد و همانا ذکر خدا بزرگ‌تر است و خدا آنچه را انجام می‌دهید می‌داند.»

۵. قرار گرفتن در زمره مصلحین

وَالَّذِینَ یُمَسِّکُونَ بِالْکِتٰابِ وَاَقٰامُوا الصَّلٰوةَ اِنّٰا لَا نُضِیعُ اَجْرَ الْمُصْلِحِینَ اعراف/۱۷۰

«و آنان که به کتاب [آسمانی] چنگ می‌زنند [و عملاً به آیاتش پای بندند] و نماز را بر پا داشته‌اند یقیناً ما پاداش اصلاح گران را ضایع نمی‌کنیم.»

مکن، بلکه راه میانه را اتخاذ کن که در بعضی جهر و در بعضی اخفات کنی و این احتمال با آنچه در سنت اثبات شده که نماز صبح و مغرب و عشاء بلند و ظهر و عصر آهسته خوانده شود، مناسب‌تر است. المیزان فی تفسیر القرآن، ج۱۳، ص۲۲۵.

واژه‌نامه

واژه	ترجمه	واژه	ترجمه
كُسالىٰ	با کسالت	اَنْ تَقْصُرُوا	(که) کوتاه کنید
اَيْدِيَكُمْ اِلَى الْمَرافِقِ	دست‌هایتان تا آرنج	اَنْ يَفْتِنَكُمْ	(که) به شما آزار برسانند
بِوادٍ غَيْرِ ذِى زَرْعٍ	در سرزمینی غیر قابل کشت	ذَرُوا الْبَيْعَ	خرید و فروش را ترک کنید
سُكارىٰ	مستی	زُلَفًا مِنَ اللَّيْلِ	اوائل(بخشی از) شب
صَعيدًا	خاک	لاتَجْهَرْ	بلند نخوان
طَرَفَيِ النَّهارِ	دو طرف روز	ضَرَبْتُمْ فِي الْاَرْضِ	در زمین سفر کردید
عابِرِي سَبيلٍ	مسافر	فَتَهَجَّدْ	پس (برای مناجات) بیدار باش
غَسَقِ اللَّيْلِ	تاریکی شب	قُومُوا	به پا خیزید
قُرْءانَ الْفَجْرِ	نماز صبح	قُضِيَتِ الصَّلوٰةُ	نماز به اتمام رسید
كِتابًا مَوْقُوتًا	امری واجب در اوقات معین	اَرْجُلَكُمْ اِلَى الْكَعْبَيْنِ	(روی) پاهایتان تا برآمدگی پشت پا
دُلُوكِ الشَّمْسِ	زوال خورشید	لا تُخافِتْ	آهسته نخوان
مادُمْتُ حَيًّا	تا زمانی که زنده‌ام	يُخادِعُونَ	نیرنگ می‌کنند
اَقِمْ	برپادار	يُذْهِبْنَ السَّيِّئاتِ	بدی‌ها را از میان می‌برد
وَارْكَعُوا	و رکوع کنید	يُمَسِّكُونَ	تمسک می‌جویند

نکات معرفتی و تربیتی

جایگاه نماز در اسلام

امام باقر علیه‌السلام فرمودند: نماز ستون دین است، مثل آن همانند ستون خیمه است که وقتی استوار باشد میخ‌ها و طناب‌ها پابرجاست و هرگاه ستون آن کج و شکسته شود هیچکدام از آنها استوار نمی‌مانند.[1]

نخستین چیزی که از بنده حسابرسی می‌شود نماز است، پس اگر نماز پذیرفته شد اعمال دیگرش نیز پذیرفته می‌شود، چنانچه نمازش رد شود بقیه اعمال او هم قبول نخواهد شد.[2]

اوقات نماز در بیان معصومین علیهم‌السلام

زراره از حضرت باقر علیه‌السلام شماره‌های نماز واجب را سؤال نمود؟ حضرت فرمودند: خداوند در شبانه روز پنج نماز واجب نموده است. دوباره پرسید: آیا این نمازهای پنجگانه را در قرآن بیان فرموده؟ فرمودند: بلی، ﴿اَقِمِ الصَّلٰوةَ لِدُلُوكِ الشَّمْسِ اِلٰى غَسَقِ اللَّيْلِ﴾ دلوك متمایل شدن سایه خورشید(به هنگام ظهر) و غسق نصف شب است، خداوند از ظهر تا نصف شب، چهار نماز واجب فرموده است: ﴿وَقُرْءٰانَ الْفَجْرِ اِنَّ قُرْءٰانَ الْفَجْرِ كٰانَ مَشْهُودًا﴾ این هم نماز صبح است، جمعاً پنج نماز می‌شود و نیز فرمود: ﴿وَاَقِمِ الصَّلٰوةَ طَرَفَيِ النَّهٰارِ﴾ دو طرف روز نماز صبح و مغرب است. ﴿وَزُلَفًا مِنَ اللَّيْلِ﴾ نماز عشا است و فرمود: ﴿حٰافِظُوا عَلَى الصَّلَوٰاتِ وَالصَّلٰوةِ الْوُسْطٰى وَقُومُوا لِلّٰهِ قٰانِتِينَ﴾ نماز ظهر است و آن اولین نمازی است که پیامبر اکرم در وسط روز آن‌را را بجا آورد و میان ظهر و مغرب نماز عصر است.[3]

آثار تربیتی نماز

۱- نماز وسیله پاک شدن از گناهان و مغفرت و آمرزش الهی است چرا که خواه ناخواه نماز انسان را دعوت به توبه و اصلاح گذشته می‌کند.

---

۱. بحارالأنوار، ج ۸۲، ص ۲۱۸.
۲. وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۲۲.
۳. تفسیر جامع، ج۱، ص ۳۴۷.

۲- نماز سدی در برابر گناهان آینده است، چرا که روح ایمان را در انسان تقویت می‌کند و تقوی را در دل پرورش می‌دهد.

۳- نماز غفلت‌زدا است، رهروان راه حق، هدف آفرینش خود را فراموش می‌کنند و غرق در زندگی و لذائذ زودگذر مادی می‌گردند، اما نماز به حکم اینکه در فواصل مختلف و در هر شبانه روز پنج بار انجام می‌شود، مرتباً به انسان هشدار می‌دهد و هدف آفرینش او را خاطر نشان می‌سازد، این نعمت بزرگی است که انسان وسیله‌ای در اختیار داشته باشد که در هر شبانه‌روز چند مرتبه به طور مستمر، به او بیدار باش گوید.

٤- نماز خودبینی را در هم می‌شکند، چرا که انسان در هر شبانه‌روز هفده رکعت و در هر رکعت دو بار در برابر خدا پیشانی بر خاك می‌گذارد و خود را ذره کوچکی در برابر عظمت او می‌بیند.

٥- نماز وسیله پرورش فضائل اخلاقی و تکامل معنوی انسان است، چرا که انسان را از جهان محدود ماده و چهار دیوار عالم طبیعت بیرون می‌برد، به ملکوت آسمان‌ها دعوت می‌کند و با فرشتگان هم‌صدا و همراز می‌سازد، خود را بدون نیاز به هیچ واسطه در برابر خدا می‌بیند و با او به گفتگو برمی‌خیزد.

٦- نماز به سائر اعمال انسان ارزش و روح می‌دهد، چرا که نماز روح اخلاص را زنده می‌کند و مجموعه‌ای است از نیت خالص و گفتار پاك و اعمال خالصانه.

۷- تکرار نماز در پنج نوبت در شبانه روز خود دعوتی است به رعایت حقوق دیگران. نماز قطع‌نظر از محتوای خودش با توجه به شرائط صحت، دعوت به پاکسازی زندگی می‌کند، چرا که مکان، لباس نمازگزار، فرشی که بر آن نماز می‌خواند، آبی که با آن وضو می‌گیرد و غسل می‌کند، محلی که در آن غسل و وضو انجام می‌شود، باید از هر گونه غصب و تجاوز به حقوق دیگران پاك باشد.

۸- نماز علاوه بر شرائط صحت، شرائط قبول یا به تعبیر دیگر شرائط کمال دارد که رعایت آنها نیز یك عامل مؤثر دیگر برای ترك بسیاری از گناهان است.

۹- نماز روح انضباط را در انسان تقویت می‌کند، چرا که دقیقاً باید در اوقات معینی انجام گیرد که تأخیر و تقدیم هر یك موجب بطلان نماز است. همچنین رعایت آداب و احکام موجود در ارکان و اجزاء نماز، پذیرش انضباط را در برنامه‌های زندگی کاملاً آسان می‌سازد.

پرسش‌های درس

۱. آیات مربوط به نماز در ادیان گذشته را تلاوت کنید.

۲. در کدامیک از آیات قرآن کریم به اوقات نماز اشاره شده است، آن‌را بیان کنید.

۳. آیات مربوط به فلسفه و آثار نماز را بیان کنید.

٤. به ٥ مورد از آثار تربیتی نماز با ذکر آیات، اشاره کنید.

٥. با توجه به ترجمه آیه «منافقان همواره با خدا نیرنگ می‌کنند و حال آن‌که خدا کیفر دهنده نیرنگ آنان است و هنگامی‌که به نماز می‌ایستند، با کسالت می‌ایستند و همواره در برابر مردم ریاکاری می‌کنند و خدا را جز به مقدار کمی یاد نمی‌کنند.» آیه در مقام بیان چه موضوعی است و آیه مربوطه را تلاوت کنید؟

٦. ترجمه واژه‌های زیر را بیان کنید.

«اَرْجُلَكُمْ اِلَى الْكَعْبَيْنِ»	«صَعِيدًا»	«لامَسْتُمُ»
«دُلُوكِ الشَّمْسِ»	«قانِتِينَ»	«زُلَفًا مِنَ اللَّيْلِ»

درس سوم

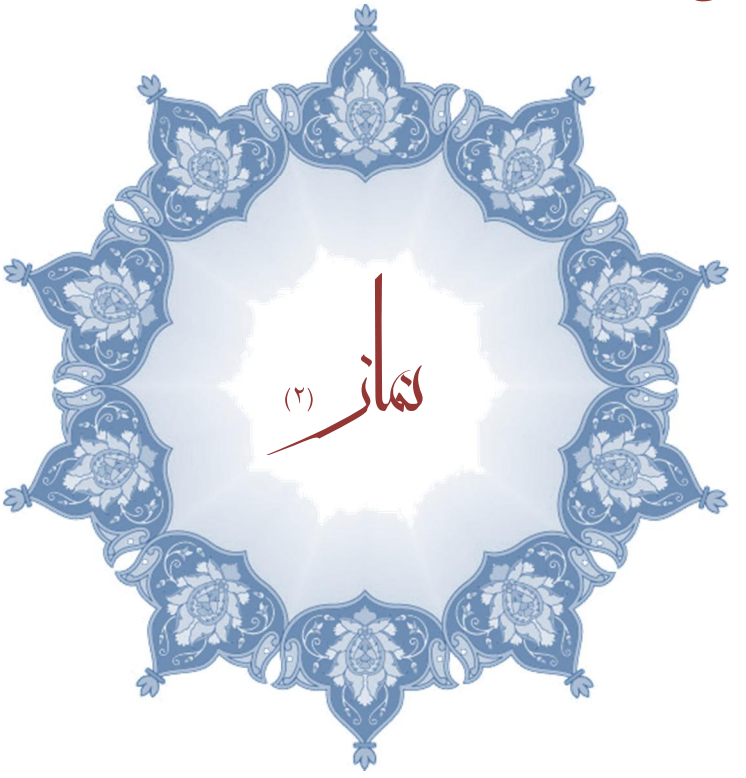

اهداف درس

آشنایی با آیات مربوط به ویژگی‌های نمازگزار و حفظ آنها

آشنایی با آیات بیانگر عواقب سبک شمردن نماز و حفظ آنها

آشنایی با آیات مربوط به همراهی نماز با سایر عبادات در قرآن و حفظ آنها

نمودار درس

نماز (۲)
ویژگی‌های نمازگزار
محافظت و مداومت بر نماز / مؤمنون،۹
اخلاص در نماز/ انعام، ۱۶۲
کمک گرفتن از نماز/ بقره، ۴۵
امر خانواده به نماز/ طه، ۱۳۲
بخشندگی/ معارج، ۲۵-۲۱
خشوع در نماز/ مؤمنون،۲-۳
عواقب ترک نماز و سبک شمردن آن
ویل «هشدار الهی»/ ماعون، ۵و۴
غی «گمراهی»/مریم، ۵۹
عذاب آخرت/ مدثر، ۴۳و ۴۲
همراهی نماز با سایر عبادات
انفاق/ بقره، ۳
زکات/ بقره، ۱۸۳
روزه/ بقره، ۱۵۳
حج/ بقره، ۱۲۵
عدالت/ اعراف، ۲۹
جهاد/ نساء، ۱۰۲
امر به معروف و نهی از منکر/ لقمان، ۱۷
تلاوت قرآن/ فاطر، ۲۹
اعطای وام/ مزمل، ۲۰
حضور در عرصه‌های اجتماعی/ شوری، ۳۸

دیباچه

اهمیت نماز و جایگاه آن به عنوان ستون دین، موجب شده، قرآن کریم عنایت ویژه‌ای به این برنامه عبادی نماید و به همین دلیل نمازگزاران نیز مورد توجه قرآن کریم قرار گرفته‌اند و به برخی از اوصاف آنان همچون محافظت و مدامت بر نماز، اخلاص در نماز، کمك گرفتن از نماز در برابر سختی‌ها و دشواری‌ها، خشوع در نماز و... اشاره شده است و به جایگاه رفیع آنان در بهشت سخن به میان آمده است.

در مقابل نیز قرآن کریم به تارکان و سبك شمارندگان نماز هشدار داده و به آنان وعده دوزخ داده است. پیامبر اکرم ﷺ در ضمن روایتی با بهره‌گیری از آیات قرآن کریم از ایشان نقل شده: امت من چهار گروه هستند: گروهی نماز می‌خوانند، ولی در نمازشان سهل‌انگارند «ویل» برای آنهاست و «ویل» نام یکی از طبقات زیرین جهنم است، ﴿فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ* الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ﴾ گروهی گاهی نماز می‌خوانند و گاهی نمی‌خوانند، پس «غی» مال آنهاست و «غی» نام یکی از طبقات پایین جهنم است. ﴿فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَوٰةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ فَسَوْفَ يَلْقَوْنَ غَيًّا﴾ گروهی هیچ وقت نماز نمی‌خوانند، «سقر» برای آنهاست، «سقر» هم نام یکی از طبقات زیرین جهنم است. ﴿مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرَ* قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ﴾. اما گروه دیگر: ﴿الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ* وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ﴾ «همانان که در نمازشان فروتنند* و آنان که از بیهوده رویگردانند.»[1]

نماز در قرآن کریم در کنار سایر عبادت مثل انفاق، زکات، اعطای وام، روزه، عدالت، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر، حضور در عرصه‌های اجتماعی ذکر شده است.

۱. معراج المؤمن، ص ۵.

آیات و ترجمه

ویژگی‌های نماز گزار

۱. محافظت و مداومت بر نماز

وَالَّذِينَ هُمْ عَلَىٰ صَلَوَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ — مؤمنون/۹

«و آنان که همواره بر[اوقات و شرایط ظاهری و معنوی] نمازهایشان محافظت دارند.»[1]

۲. اخلاص در نماز

قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ — انعام/۱۶۲

«بگو: مسلماً نماز و عبادتم و زندگی کردن و مرگم برای خدا پروردگار جهانیان است.»

۳. کمک گرفتن از نماز

وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ — بقره/۴۵

«از صبر و نماز [برای حل مشکلات خود و پاك ماندن از آلودگی‌ها و رسیدن به رحمت حق] کمك بخواهید و بی‌تردید این کار جز بر کسانی که در برابر حق قلبی فروتن دارند سخت است.»

۴. امر خانواده به نماز

وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا — طه/۱۳۲

«و خانواده‌ات را به نماز فرمان بده و خود نیز بر آن شکیبایی ورز.»

۵. بخشندگی

وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا ﴿۲۱﴾ إِلَّا الْمُصَلِّينَ ﴿۲۲﴾ الَّذِينَ هُمْ عَلَىٰ صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ ﴿۲۳﴾ وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَعْلُومٌ ﴿۲۴﴾ لِلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ — معارج/۲۵-۲۱

«و هنگامی‌که خیر و خوشی [و مال و رفاهی] به او رسد، بسیار بخیل و بازدارنده است،* مگر نماز گزاران،*آنان‌که همواره بر نمازشان پایدارند*و آنان که در اموالشان حقّی معلوم است*برای درخواست کننده [تهیدست] و محروم [از معیشت و ثروت،]»

۱.و نیز: سوره‌های مؤمنون، ۹؛ معارج، ۳۴؛ انعام، ۹۲؛ بقره، ۲۳۸.

۶. خشوع در نماز

اَلَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ ۝ وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ — مؤمنون/۳-۲

«آنان‌که در نمازشان [با حضور قلب] و فروتن‌اند* و آنان که از [هر گفتار و کردارِ] بیهوده روی‌گردانند.»

عواقب ترک نماز و سبک شمردن آن

۱. «ویل» (هشدار الهی)

فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ ۝ الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ — ماعون/۵و۴

«پس وای بر نمازگزاران* که از نمازشان غافل و نسبت به آن سهل‌انگارند.»

۲. «غی» (گمراهی)

فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ فَسَوْفَ يَلْقَوْنَ غَيًّا — مریم/۵۹

«سپس بعد از آنان نسلی جایگزین [آنان] شد که نماز را ضایع کردند و از شهوات پیروی نمودند؛ نهایتاً [کیفر] گمراهی خود را [که عذابی دردناک است] خواهند دید.»

۳. عذاب آخرت

مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرَ ۝ قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ — مدثر/۴۲و۴۳

«[به آنان رو کرده] می‌گویند: چه چیز شما را به دوزخ وارد کرد؟* می‌گویند: ما از نمازگزاران نبودیم.»

همراهی نماز با سایر عبادات

۱. نماز و انفاق

الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ — بقره/۳

«آنان که به غیب ایمان دارند و نماز را بر پا می‌دارند و از آنچه به آنان روزی داده‌ایم انفاق می‌کنند.»

۲. نماز و زکات و اعطای وام

وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا — مزمل/۲۰

«و نماز را برپا دارید و زکات بپردازید و برای جلب خشنودی خدا به نیازمندان وام نیکو بدهید.»

۳. نماز و روزه

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ — بقره/۱۵۳

«ای اهل ایمان از صبر و نماز کمک بخواهید زیرا خدا با صابران است.»

۴. نماز و حج

وَاِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثابَةً لِلنّاسِ وَاَمْنًا وَاتَّخِذُوا مِنْ مَقامِ اِبْراهِيمَ مُصَلًّى بقره/۱۲۵

«و [یاد کنید] هنگامی‌که ما این خانه [کعبه] را برای همه مردم محل گردهمایی و جایگاه امن قرار دادیم و [فرمان دادیم:] از مقام ابراهیم جایگاهی برای نماز انتخاب کنید.»

۵. نماز و عدالت

قُلْ اَمَرَ رَبّي بِالْقِسْطِ وَاَقِيمُوا وُجُوهَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ
اعراف/۲۹

«بگو: پروردگارم به میانه‌روی فرمان داده و [امر فرموده]: در هر مسجدی روی [دل] خود را متوجه خدا کنید و او را در حالی‌که ایمان و عبادت را برای وی از هر گونه شرکی خالص می‌کنید بخوانید.»

۶. نماز و جهاد

وَاِذا كُنْتَ فِيهِمْ فَاَقَمْتَ لَهُمُ الصَّلوٰةَ فَلْتَقُمْ طآئِفَةٌ مِنْهُمْ مَعَكَ وَلْيَاْخُذُوا اَسْلِحَتَهُمْ فَاِذا سَجَدُوا فَلْيَكُونُوا مِنْ وَرآئِكُمْ وَلْتَاْتِ طآئِفَةٌ اُخْرىٰ لَمْ يُصَلُّوا فَلْيُصَلُّوا مَعَكَ وَلْيَاْخُذُوا حِذْرَهُمْ وَاَسْلِحَتَهُمْ نساء/۱۰۲

«و هنگامی که در [عرصه نبرد و خطر] میان آنان باشی و برای آنان [به جماعت] اقامه نماز کنی، پس باید گروهی از رزمندگان در حالی که لازم است سلاحشان را برگیرند، همراهت به نماز ایستند و چون سجده کردند باید پشت‌سرتان قرار گیرند و آن گروه دیگر که نماز نخوانده‌اند بیایند و با تو نماز گزارند و آنان باید [در حال نماز] از هوشیاری و احتیاط غافل نباشند و سلاحشان را با خود برگیرند.»

۷. نماز و امر به معروف و نهی از منکر

يا بُنَيَّ اَقِمِ الصَّلوٰةَ وَاْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَاصْبِرْ عَلىٰ مآ اَصابَكَ اِنَّ ذٰلِكَ مِنْ عَزْمِ الْاُمُورِ لقمان/۱۷

«پسرکم! نماز را برپا دار و مردم را به کار پسندیده وادار و از کار زشت بازدار و بر آنچه [از مشکلات و سختی‌ها] به تو می‌رسد شکیبایی کن که اینها از اموری است که ملازمت بر آن از واجبات است.»

۸. نماز و تلاوت قرآن

اِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتابَ اللهِ وَاَقامُوا الصَّلوٰةَ وَاَنْفَقُوا مِمّا رَزَقْناهُمْ سِرًّا وَعَلانِيَةً يَرْجُونَ تِجارَةً لَنْ تَبُورَ فاطر/۲۹

«قطعاً کسانی که همواره کتاب خدا را می‌خوانند و نماز را برپا می‌دارند و از آنچه روزی آنان کرده‌ایم در نهان و آشکار انفاق می‌کنند، تجارتی را امید دارند که هرگز کساد و بی‌سود نمی‌شود.»

۹. نماز و حضور در عرصه‌های اجتماعی

وَالَّذِينَ اسْتَجابُوا لِرَبِّهِمْ وَاَقامُوا الصَّلوٰةَ وَاَمْرُهُمْ شُورىٰ بَيْنَهُمْ وَمِمّا رَزَقْناهُمْ يُنْفِقُونَ شوری/۳۸

«و آنان که دعوت پروردگارشان را اجابت کردند و نماز را برپا داشتند و کارشان در میان خودشان بر پایه مشورت است و از آنچه روزی آنان کرده‌ایم انفاق می‌کنند.»

واژه نامه

واژه	ترجمه
اَقْرِضُوا	وام دهید
حِذْرَكُمْ	احتیاط تان
ساهُونَ	غافلند
سِرًّا وَ عَلانِيَةً	پنهانی و آشکار
عَزْمِ الْاُمُورِ	عزم استوار در کارها
فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ	پس از آنها فرزندانی جای آنها را گرفتند
فَلْتَقُمْ	پس برخیزند
لَنْ تَبُورَ	هرگز کساد نمی‌شود
مآ اَصابَكَ	آنچه به تو می‌رسد
ما سَلَكَكُمْ فِي سَقَرَ	چه چیز شما را داخل جهنّم کرد
مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا	خیری به او برسد بسیار مانع و بخیل است.
نُسُكِي	عبادت من
لا جُناحَ عَلَيْكُمْ	گناهی بر شما نیست
وَاسْتَعِينُوا	و کمک بطلبید
وَاصْطَبِرْ	و شکیبا باش
وَلْتَأْتِ	و باید بیاید
يَلْقَوْنَ غَيًّا	با گمراهی مواجه خواهند شد

نکات معرفتی و تربیتی

مفهوم خشوع در نماز

کلمه «خٰاشِعُونَ» اسم فاعل از «خشع» و به معنی تذلل و تواضع است[1] که از صفات قلب است و برای استمرار و دوام خضوع و خشوع به کار می‌رود. مسلم است اگر قلب توجه تام به نماز یابد، هر آینه این خشوع به اعضاء و جوارح سرایت نموده، آن‌ها نیز خاشع می‌شوند.[2] بعضی از اهل لغت در معنی خشوع گفته‌اند: چشم‌ها به زیر انداخته و سر به زیر باشد.[3] همان‌گونه که در روایت آمده رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله در نماز سربلند می‌کرد و چشم به آسمان می‌دوخت، پس از نزول آیه سر به زیر انداخت.[4] حضرت صادق علیه‌السلام نیز در تفسیر خشوع فرموده‌اند: خشوع در نماز این است که چشم به زیر بیندازی و همه توجهت به نماز باشد.[5]

خشوع هم مربوط به مرتبه بدن انسان است و هم به مرتبه قلب. بنابراین خشوع باید در هر دو مرتبه وجود داشته باشد، نمی‌شود فردی در نماز توجه نداشته باشد و آثار خشوع بر بدنش نمایان نباشد، ولی ادعا کند خشوع قلب دارد. رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله مردی را دید که در حال نماز با ریش خود بازی می‌کرد، حضرت فرمود: اگر قلبش خاشع بود، اعضای بدنش نیز خاشع می‌شد.[6]

همچنین اگر خشوع ظاهری از خشوع قلبی زیادتر شود، احتمال وقوع نفاق و ریا در فرد به وجود می‌آید. چنان‌که امام صادق علیه‌السلام از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله روایت نموده است: اگر خشوع بدن از خشوع قلب زیاد باشد، این حالت نزد ما نفاق است.[7]

---

۱. قاموس قرآن، ج۲، ص۲٤۸.
۲. مجمع البحرین، ج٤، ص۳۲۱.
۳. کتاب العین، ج۱، ص۱۱۲؛ لسان العرب، ج۸، ص۷۱.
٤. مستدرك‌الوسائل، ج٤، ص۱۲٦.
٥. تفسیرالقمی، ج۲، ص۸۸؛ بحارالأنوار، ج۸۱، ص۲۳٥.
٦. ارشادالقلوب، ج۱، ص۱۱٥؛ دعائم‌الإسلام، ج۱، ص۱۷٤.
۷. وسائل‌الشیعه، ج۱، ص٦٦؛ الجعفریات، ص۱٦۳.

مفهوم محافظت در نماز

مقصود از محافظت بر نماز، محافظت بر اوقات و حدود نمازهای واجب است.[1] به همین دلیل کلمه «صَلاة» در آیه ﴿عَلَىٰ صَلَوَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ﴾ با صیغه جمع و در آیه ﴿فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ﴾ مفرد آمده است؛ چون خشوع از ویژگی‌های نمازگزار است که در تمامی نماز این خشوع وجود دارد و آن توجه خاص درونی و روح نماز است و بر همین اساس دیگر لازم نیست که جمع آورده شود.[2] امّا در این آیه به مسأله آداب و شرائط نماز از نظر وقت و زمان و مکان و همچنین از نظر تعداد نمازها اشاره دارد و به نمازگزاران و مؤمنان راستین توصیه می‌کند در همه نمازها مراقب همه این آداب و شرائط باشند.[3]

فضیل‌بن‌یسار از امام باقر علیه‌السلام درباره آیه ﴿وَالَّذِينَ هُمْ عَلَىٰ صَلَوَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ﴾، پرسید: حضرت فرمودند: منظور نمازهای واجب است. در آیه ﴿الَّذِينَ هُمْ عَلَىٰ صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ﴾ چطور؟ فرمودند: نماز نافله است.[4]

---

۱. تفسیر القمی، ج۲، ص۸۹.
۲. المیزان فی تفسیر القرآن، ج۱۵، ص۱۱.
۳. تفسیر جوامع الجامع، ج۳، ص٦٦.
٤. تفسیر نور الثقلین، ج٥، ص٤١٦؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج٤، ص١٥.

پرسش‌های درس

۱. آیات مربوط به اخلاص و خشوع در نماز را به ترتیب تلاوت نمائید.

۲. سه ویژگی نمازگزار را با ذکر آیات مربوطه بیان کنید.

۳. مفهوم واژه‌های زیر را مقابل آنها بنویسید.

«یَلْقَوْنَ غَیًّا» «ما سَلَکَکُمْ فی سَقَرَ»

«نُسُکی» «فَلْتَقُمْ»

٤. با توجه به ترجمه آیه «و با مردم با خوش زبانی سخن گویید و نماز را بر پا دارید و زکات بپردازید، سپس همه شما جز اندکی [از پیمان خدا] روی گردانیدید و شما [به طور عادت] روی گردان هستید.» آیه مربوطه را تلاوت نموده و موضوع آن را ذکر کنید.

۵. آیات مربوط به نماز و عدالت و انفاق و اعطای وام را به ترتیب ذکر نموده و ترجمه آن‌ها را نیز بیان کنید.

درس چهارم

اهداف درس

آشنایی با احکام روزه در آیات قرآن و حفظ آیات مربوطه

شناخت آیات بیانگر آثار روزه و ویژگی‌های روزه‌دار و حفظ آنها

آگاهی از کیفیت کمال روزه و حفظ آیات مربوطه

نمودار درس

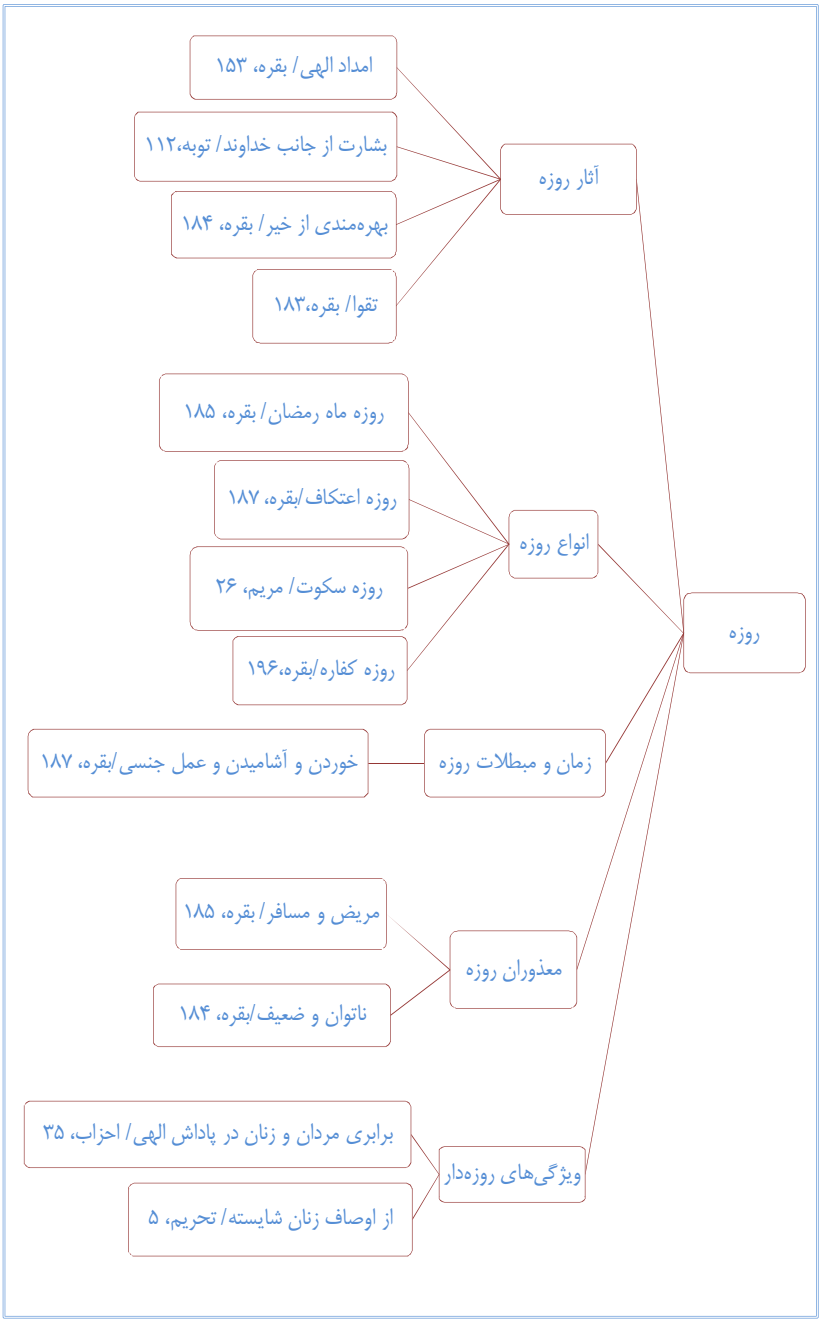
روزه
آثار روزه
امداد الهی/ بقره، ۱۵۳
بشارت از جانب خداوند/ توبه،۱۱۲
بهره‌مندی از خیر/ بقره، ۱۸۴
تقوا/ بقره،۱۸۳
انواع روزه
روزه ماه رمضان/ بقره، ۱۸۵
روزه اعتکاف/بقره، ۱۸۷
روزه سکوت/ مریم، ۲۶
روزه کفاره/بقره،۱۹۶
زمان و مبطلات روزه
خوردن و آشامیدن و عمل جنسی/بقره، ۱۸۷
معذوران روزه
مریض و مسافر/ بقره، ۱۸۵
ناتوان و ضعیف/بقره، ۱۸۴
ویژگی‌های روزه‌دار
برابری مردان و زنان در پاداش الهی/ احزاب، ۳۵
از اوصاف زنان شایسته/ تحریم، ۵

دیباچه

روزه، معادل عربی «صوم» به معنای امساك و خودداری از انجام دادن کاری اعمّ از خوردنی و کلامی و ... است و در شرع، امساك و خودداری از خوردنیها و برخی از امور دیگر همراه با نیّت از اذان صبح تا اذان مغرب است. کلمه روزه در قرآن مجید در ۸ سوره (۷ سوره مدنی و یک سوره مکی) و در ۱۳ آیه بیان شده است. واژه سائحون و سائحات در قرآن نیز می‌تواند اشاره به مردان و زنان روزه دار باشد. روزه از جمله فرائض شرعی است که در ادیان پیشین هم واجب بوده است و پیروان ادیان الهی ملزم به رعایت آن بودند.

از آیات قرآن و روایات استفاده می‌شود که روزه در بعضی از روزها واجب یا حرام و در بعضی دیگر مستحب یا مکروه است: ۱. روزه‌های ماه رمضان و قضای آن، روزه نذر و کفاره، واجب است. ۲. روزه‌های روز عید فطر و عید قربان، حرام است. ۳. روزه روز عاشورا، مکروه است. ٤. روزه در روزهای عید غدیر، مبعث، ولادت پیامبر اکرم ﷺ و در ماه‌های شعبان و رجب و برخی از ایام دیگرمستحب است.

برای روزه آثار و فوائد مادی و معنوی فراوانی همچون سلامتی جسم و روح، اعطای پاداش عظیم توسط حق تعالی[1]، رسیدن به تقوا و آمرزش الهی و... در قرآن و روایات ذکر شده است که این موضوع بیانگر عظمت روزه و روزه‌دار است.

در قرآن درباره برخی از احکام روزه مثل مبطلات، معذوران از روزه و زمان و ایام آن سخن به میان آمده و روزه‌داری از جمله صفات مجاهدان در راه خدا و مؤمنان راستین معرفی شده و مردان و زنان روزه دار در کسب پاداش‌های الهی و کسب مقامات والای انسانی یکسان شمرده شده‌اند.

۱.«الصَّوْمُ لِي وَأَنَا أَجْزِي بِهِ» روزه برای من است و من خود، پاداش آن را خواهم داد. من لا یحضره الفقیه، ج۲، ص ۷۵.

آیات و ترجمه

آثار روزه

۱. امداد الهی

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلٰوةِ إِنَّ اللهَ مَعَ الصّٰابِرِينَ بقره/۱۵۳

«ای اهل ایمان از صبر و نماز کمك بخواهید زیرا خدا با صابران است.»

۲. بشارت از جانب خداوند

اَلتّٰائِبُونَ الْعٰابِدُونَ الْحٰامِدُونَ السّٰائِحُونَ الرّٰاكِعُونَ السّٰاجِدُونَ الْآمِرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنّٰاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَالْحٰافِظُونَ لِحُدُودِ اللهِ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ توبه/۱۱۲

«آن مؤمنان، همان توبه کنندگان، عبادت کنندگان، سپاس گزاران، روزه داران، رکوع کنندگان، سجده کنندگان، فرمان دهندگان به معروف و بازدارندگان از منکر و پاسداران حدود و مقرّرات خدایند و مؤمنان را [به رحمت و رضوان خدا] مژده ده.»

۳. بهره‌مندی از خیر

اَنْ تَصُومُوا خَيْرٌ لَكُمْ وَإِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ بقره/۱۸۴

«و روزه گرفتن [هر چند دشوار باشد] اگر [فضیلت و ثوابش را] بدانید برای شما بهتر است.»

۴. تقوا

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيٰامُ كَمٰا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ بقره/۱۸۳

«ای اهل ایمان! روزه بر شما مقرّر شده، همان‌گونه که بر پیشینیان شما مقرّر شد تا پرهیزکار شوید.»

انواع روزه

۱. روزه ماه رمضان

شَهْرُ رَمَضٰانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْءٰانُ هُدًى لِلنّٰاسِ وَبَيِّنٰاتٍ مِنَ الْهُدٰى وَالْفُرْقٰانِ فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ بقره/۱۸۵

«ماه رمضان که قرآن در آن نازل شده، قرآنی که سراسرش هدایتگر مردم است و دارای دلایلی روشن از هدایت می‌باشد و مایه جدایی است. پس کسی که در این ماه حاضر باشد باید آن را روزه بدارد.»

۲. روزه اعتکاف

ثُمَّ اَتِمُّوا الصِّيامَ اِلَى اللَّيْلِ وَلا تُباشِرُوهُنَّ وَاَنْتُمْ عاكِفُونَ فِي الْمَساجِدِ بقره/۱۸۷

«سپس روزه را تا شب به پایان برید و در حالی‌که در مساجد معتکف هستید با زنان آمیزش نکنید.»

۳. روزه سکوت[1]

فَكُلِي وَاشْرَبِي وَقَرِّي عَيْنًا فَاِمّا تَرَيِنَّ مِنَ الْبَشَرِ اَحَدًا فَقُولِي اِنّي نَذَرْتُ لِلرَّحْمٰنِ صَوْمًا فَلَنْ اُكَلِّمَ الْيَوْمَ اِنْسِيًّا مریم/۲۶

«مریما [از آن خرما] بخور و [از آن نهر] بیاشام و خاطرت را خوش دار و اگر از مردم کسی را دیدی [که درباره نوزادت پرسید] بگو: من برای [خدای] رحمان روزه [سکوت] نذر کرده‌ام، بنابراین امروز با هیچ انسانی سخن نخواهم گفت.»

۴. روزه کفّاره

– وجوب روزه به مدّت سه روز در حج و هفت روز پس از بازگشت، کفّاره برای فاقد قربانی

فَمَنْ تَمَتَّعَ بِالْعُمْرَةِ اِلَى الْحَجِّ فَما اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيامُ ثَلاثَةِ اَيّامٍ فِي الْحَجِّ وَسَبْعَةٍ اِذا رَجَعْتُمْ تِلْكَ عَشَرَةٌ كامِلَةٌ بقره/۱۹۶

«پس هر که با پایان بردن عمره تمتّع به سوی حج تمتّع رود، آنچه از قربانی میسر است [قربانی کند] و کسی که قربانی نیابد، سه روز روزه، در همان سفر حج و هفت روز روزه، هنگامی که بازگشتید بر عهده اوست؛ این ده روز کامل است [و قابل کم و زیاد شدن نیست].»

---

۱. این نوع روزه در شرع اسلام، مشروع نیست. از امام سجاد ﷺ در حدیثی نقل شده «صَوْمُ الصَّمْتِ حَرَامٌ» روزه سکوت حرام است «وسائل الشیعه، ج۱۰، ص۵۲۳» و این به خاطر تفاوت شرائط در آن زمان با زمان ظهور اسلام است. ولی البته یکی از آداب صوم کامل در اسلام آنست که انسان به هنگام روزه گرفتن زبان خود را از آلودگی به گناه و مکروهات حفظ کند و همچنین چشم خود را از هرگونه آلودگی برگیرد، چنان که در حدیثی از امام صادق ﷺ می‌خوانیم: «إِنَّ الصِّيَامَ لَيْسَ مِنَ الطَّعَامِ وَ الشَّرَابِ وَحْدَهُ ثُمَّ قَالَ قَالَتْ مَرْيَمُ- إِنِّي نَذَرْتُ لِلرَّحْمٰنِ صَوْماً أَيْ صَوْماً صَمْتاً وَ فِي نُسْخَةٍ أُخْرَى أَيْ صَمْتاً فَإِذَا صُمْتُمْ فَاحْفَظُوا أَلْسِنَتَكُمْ وَ غُضُّوا أَبْصَارَكُمْ وَ لَا تَنَازَعُوا وَ لَا تَحَاسَدُوا» روزه تنها از خوردنی و نوشیدنی نیست، مریم گفت: من برای خداوند رحمان روزه‌ای نذر کرده‌ام یعنی سکوت را، بنا بر این (هنگامی‌که روزه هستید) زبان خود را حفظ کنید، دیدگان خود را از آنچه گناه است بربندید، نسبت به یکدیگر حسد نداشته باشید و نزاع نکنید. «الکافی، ج۴، ص۸۷؛ من لا یحضره الفقیه، ج۲، ص۱۰۸»

– سه روز روزه گرفتن، کفّاره شکستن سوگند

لَا يُؤَاخِذُكُمُ اللهُ بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ وَلَٰكِنْ يُؤَاخِذُكُمْ بِمَا عَقَّدْتُمُ الْأَيْمَانَ فَكَفَّارَتُهُ إِطْعَامُ عَشَرَةِ مَسَاكِينَ مِنْ أَوْسَطِ مَا تُطْعِمُونَ أَهْلِيكُمْ أَوْ كِسْوَتُهُمْ أَوْ تَحْرِيرُ رَقَبَةٍ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ مائده/۸۹

«خدا شما را به خاطر سوگندهای لغوتان مجازات نمی‌کند، ولی به سبب [شکستنِ] سوگندهایی که به طور جدّی و با قصد خورده‌اید، مؤاخذه می‌کند؛ پس کفّاره [شکستن] این‌گونه سوگندها، طعام دادن به ده نفر مسکین از غذاهای متوسطی است که به خانواده خود می‌خورانید، یا لباس پوشاندن بر آن ده نفر، یا آزاد کردن یك برده و کسی که قدرت هیچ یك را نداشته باشد کفّاره‌اش سه روز روزه است.»

زمان و مبطلات روزه

خوردن و آشامیدن و عمل جنسی

أُحِلَّ لَكُمْ لَيْلَةَ الصِّيَامِ الرَّفَثُ إِلَىٰ نِسَائِكُمْ هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ عَلِمَ اللهُ أَنَّكُمْ كُنْتُمْ تَخْتَانُونَ أَنْفُسَكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ وَعَفَا عَنْكُمْ فَالْآنَ بَاشِرُوهُنَّ وَابْتَغُوا مَا كَتَبَ اللهُ لَكُمْ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ ثُمَّ أَتِمُّوا الصِّيَامَ إِلَى اللَّيْلِ بقره/۱۸۷

«در شبِ روزهایی که روزه‌دار هستید، آمیزش با زنانتان برای شما حلال شد. آنان برای شما پوشش [معنوی] و شما هم برای آنان پوشش [معنوی] هستید، خدا می‌دانست که شما [پیش از حلال شدن این کار] به خود خیانت می‌کردید، پس توبه شما را پذیرفت و از شما در گذشت. اکنون [آزاد هستید که] با آنان آمیزش کنید و آنچه را خدا [در این کار] برای شما مقرّر داشته [از ثواب، پاکدامنی از آلودگی و فرزند شایسته] از او بخواهید و بخورید و بیاشامید تا رشته سپید صبح از رشته سیاه شب برای شما آشکار شود؛ سپس روزه را تا شب به پایان برید.»

معذوران از روزه

۱. مریض و مسافر

فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ وَمَنْ كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ بقره/۱۸۵

«پس کسی که در این ماه [در وطنش] حاضر باشد باید آن را روزه بدارد و آن که بیمار یا در سفر است، تعدادی از روزهای غیر ماه رمضان را [به تعداد روزه‌های قضا شده، روزه بدارد].»

۲. ناتوان و ضعیف

اَیّامًا مَعْدُوداتٍ فَمَنْ کانَ مِنْکُمْ مَریضًا اَوْ عَلی سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ اَیّامٍ اُخَرَ وَعَلَی الَّذینَ یُطیقُونَهُ فِدْیَةٌ طَعامُ مِسْکینٍ
بقره/۱۸۴

«روزهایی چند [روزه بگیرید]؛ پس هر که از شما بیمار یا در سفر باشد از روزهای دیگر [را روزه بگیرد] و بر آنان که روزه گرفتن طاقت‌فرساست، طعام دادن به یك نیازمند [به جای هر روز] کفاره آن است.»

ویژگی‌های روزه دار

۱. برابری مردان و زنان روزه دار، در پاداش‌های الهی

وَالصّآئِمینَ وَالصّآئِماتِ وَالْحافِظینَ فُرُوجَهُمْ وَالْحافِظاتِ وَالذّاکِرینَ اللهَ کَثیرًا وَالذّاکِراتِ اَعَدَّ اللهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَاَجْرًا عَظیمًا
احزاب/۳۵

«[خدا برای] و مردان و زنان روزه‌دار و مردان و زنان حفظ کننده خود از پلیدی‌های جنسی و مردان و زنانی که بسیار یاد خدا می‌کنند، آمرزش و پاداشی بزرگ آماده کرده است.»

۲. از اوصاف زنان شایسته

عَسی رَبُّهُ اِنْ طَلَّقَکُنَّ اَنْ یُبْدِلَهُ اَزْواجًا خَیْرًا مِنْکُنَّ مُسْلِماتٍ مُؤْمِناتٍ قانِتاتٍ تآئِباتٍ عابِداتٍ سآئِحاتٍ ثَیِّباتٍ وَاَبْکارًا
تحریم/۵

«اگر پیامبر، شما را طلاق دهد امید است که پروردگارش همسرانی بهتر از شما که مسلمان، مؤمن، فرمانبر، توبه کار، خداپرست، روزه‌دار، غیر باکره و باکره باشند، به او عوض دهد.»

واژه‌نامه

واژه	ترجمه	واژه	ترجمه
اَلتّآئِبُونَ	توبه کنندگان	وَابْتَغُوا	و بجویید
السّآئِحُونَ	روزه داران	تَخْتانُونَ	خیانت می‌کنید
عٰاكِفُونَ	اعتکاف کنندگان	فَتٰابَ عَلَيْكُمْ	پس از شما در گذشت
فَكُلِي	پس بخور	الْخَيْطُ الْاَبْيَضُ	رشته سپید (صبح)
اِنْسِيًّا	انسانی	الْخَيْطِ الْاَسْوَدِ	رشته سیاه (شب)
تَرَيِنَّ مِنَ الْبَشَرِ	از مردم کسی را دیدی	اِنْ طَلَّقَكُنَّ	اگر شما را طلاق دهد
فَمَنْ لَمْ يَجِدْ	پس کسی که نیابد	اَيّٰامًا مَعْدُودٰاتٍ	زمان‌هایی مشخص
فَمَا اسْتَيْسَرَ	آنچه میسر گردد	يُطِيقُونَهُ	آن را تحمل نمی‌کنند
فِيٓ اَيْمٰانِكُمْ	در قسم‌های شما	اَعَدَّ	آماده ساخت
لٰايُؤٰاخِذُكُمْ	بازخواست نمی‌کند	الصّآئِمٰاتِ	روزه‌داران زن
عَقَّدْتُمْ	محکم کرده‌اید	يُبَدِّلَهُ	آن را تبدیل کند
تَحْرِيرُ رَقَبَةٍ	آزاد کردن بنده	قٰانِتٰاتٍ	فرمانبردار
كِسْوَتُهُمْ	پوشاندن آنها	تٰآئِبٰاتٍ	زنان توبه کار
عَسٰى	امید است	ثَيِّبٰاتٍ	زنان بیوه

نکات معرفتی و تربیتی

برتری ماه رمضان بر دیگر ماه‌ها

ماه رمضان به این دلیل اهمیت دارد که علاوه بر وجوب روزه در آن، ماه نزول قرآن نیز است. ﴿شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِیٓ أُنزِلَ فِیهِ الْقُرْءَانُ...﴾ از امام صادق علیه‌السلام چنین نقل شده است که تورات در ششم ماه مبارك رمضان و انجیل در دوازدهم و زبور در هیجدهم و قرآن مجید در شب قدر نازل گردیده است.[1]

پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در اهمیت این ماه فرمودند: رمضان ماهی است که به میهمانی خدا دعوت شده‌اید و ازکسانی که مورد اکرام خدا هستند می‌باشید. نفسهای شما همچون تسبیح، خوابتان چون عبادت، اعمالتان مقبول و دعایتان مستجاب است. بنابراین با نیت‌های خالص و دل‌های پاك از خداوند بخواهید تا شما را در روزه داشتن و تلاوت قرآن در این ماه توفیق دهد، چراکه بدبخت کسی است که از آمرزش الهی در این ماه بزرگ محروم گردد... .[2]

کمال روزه

قرآن کریم هنگامی‌که از روزه واجب سخن به میان می‌آورد در حکمی فقهی می‌فرماید: روزه آن است که فرد با نیت، از هنگام اذان صبح تا اذان مغرب از خوردن و نوشیدن امساك کند.[3] امّا در روایات به جنبه‌های باطنی صحت روزه نیز اشاره شده است. برای نمونه امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند: هرگاه روزه بگیری، باید گوش تو از شنیدن غیبت و بهتان و سازها و غنا و امثال اینها و بلکه از هر چه فایده اخروی بر شنیدن آن نباشد، روزه باشد و همچنین چشمت از هر حرامی بلکه از هر مباحی روزه باشد و مو و پوست تو به بدن نامحرم نرسد و در ادامه فرمودند: نباید روزِ روزه‌ات مانند روزِ عدم آن باشد و مطلق منهیات و مکروهات و مباحات نیز نباید از تو صادر شود و نه تنها کل روز بلکه کل شب را نیز صرف طاعت و عبادت الهی کنی.[4]

---

۱. لوامع صاحبقرانی مشهور به شرح فقیه، ج٦، ص٥٩٤.

۲. وسائل الشیعه، ج١٠، ص ٣١٣.

۳. بقره، ١٨٧.

٤. لوامع صاحبقرانی مشهور به شرح فقیه، ج٦، ص٣٦٤؛ مستدرك الوسائل و مستنبط المسائل، ج٧، ص٣٦٩.

اثرات فردی روزه

بزرگترین فلسفه روزه اثر روحانی و معنوی آن است، انسانی که انواع خوردنیها و نوشیدنیها را در اختیار دارد و هر لحظه بیشتر تشنه و گرسنه می‌شود اما بخاطر اطاعت از دستور الهی و جلب رضایت حق تعالی، غرائز را کنترل می‌کند و به همین دلیل قلبش پر از نور و اخلاص می‌شود. حدیث معروف «الصَّوْمُ جُنَّةٌ مِنَ النَّار» روزه سپری است در برابر آتش دوزخ، اشاره به همین موضوع است.[1]

حضرت علی علیه‌السلام در حکمت ۲۵۲ نهج‌البلاغه، در مورد روزه می‌فرماید: «الصِّيَامَ ابْتِلَاءً لِإِخْلَاصِ الْخَلْق» خداوند روزه را از این جهت تشریع فرموده که روح اخلاص در مردم پرورش یابد.

اثر اجتماعی روزه

روزه یك درس مساوات و برابری در میان افراد اجتماع است، با انجام این دستور دینی، افراد متمکن نیز وضع گرسنگان و محرومان اجتماع را به طور محسوس در می‌یابند. در حدیثی امام صادق علیه‌السلام درباره علت تشریع روزه می‌فرمایند: روزه به این دلیل واجب شده است که میان فقیر و غنی مساوات برقرار گردد و این به خاطر آن است که غنی طعم گرسنگی را بچشد و نسبت به فقیر ادای حق کند، چراکه اغنیاء معمولاً هر چه را بخواهند برای آنها فراهم است، خدا می‌خواهد میان بندگان خود مساوات باشد و طعم گرسنگی و درد و رنج را به اغنیاء بچشاند تا به ضعیفان و گرسنگان رحم کنند.[2]

اثر بهداشتی و درمانی روزه

پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله اسلام فرمودند: «صُومُوا تَصِحُّوا»[3] روزه بگیرید تا سالم شوید و در حدیث دیگری نیز فرمودند: «اَلْمَعِدَةُ بَيْتُ كُلِّ دَاءٍ وَ الْحِمْيَةُ رَأْسُ كُلِّ دَوَاءٍ»[4] معده خانه تمام دردها است و امساك بالاترین داروها. در طب نیز فوائد بسیاری برای جسم شخص روزه‌دار بیان شده است.[5]

---

۱. بحار الأنوار، ج۹۳، ص۳۸۰؛ المحاسن، ج۱، ص۲۲۲.

۲. وسائل الشیعه، ج۱۰، ص۷.

۳. بحار الأنوار، ج۹۳، ص۲۵۵.

٤. همان، ج۵۹، ص۲۹۰.

۵. روزه روش نوین برای درمان بیماری‌ها، ص٦٥؛ تفسیر نمونه، ج۱، ص ٦٢٩.

پرسش‌های درس

۱.سه آیه درباره‌ی آثار روزه بیان کنید.

۲.آیه مربوط به وجوب روزه‌ی ماه رمضان را ذکر کنید.

۳.عبارت قرآنی مربوط به ترجمه «و بخورید و بیاشامید تا رشته سپید صبح از رشته سیاه شب برای شما آشکار شود؛ سپس روزه را تا شب به پایان برید.»را از حفظ بخوانید.

٤.معنای واژه‌های زیر چیست؟

«الصّآئِمات» «تَحْرِیرُ رَقَبَةٍ» «تَخْتانُونَ»

۵.مقصود از کمال روزه چیست؟ توضیح دهید.

درس پنجم

اهداف درس

آشنایی با آیات آثار و احکام حجاب و حفظ آنها

آشنایی با آیات گونه‌های عفاف و حفظ آنها

آشنایی با آیات نشانه‌های حیا و حفظ آنها

آشنایی با ویژگی مطلوب اسلامی و حفظ آیات مربوطه

آشنایی با تفاوت حجاب و عفاف و حفظ آیات مربوطه

نمودار درس

حجاب و عفاف
آثار حجاب
مصونیت از تعرض هوسرانان/ احزاب،۵۹
حفظ طهارت و پاکی درونی مردان و زنان/ احزاب، ۵۳
احکام حجاب
رعایت تقوا در هنگام کشف حجاب در برابر محارم/ احزاب، ۵۵
واجب نبودن حجاب برای زنان سالخورده/ نور، ۶۰
واجب نبودن حجاب در برابر محارم و کودکان غیر ممیز/ نور، ۳۱
گونه‌های عفاف
عفت در گفتار/ احزاب، ۳۲
حیا و عفت در اجتماع/ قصص، ۲۵
حجاب در نگاه و پوشش بدن/ نور، ۳۱
حیا در خانواده/ نور، ۵۸
حیای مجردان/ نور، ۳۳
نشانه‌های حیا
اجتناب از چشم‌چرانی/ نور، ۳۰و ۳۱
اجتناب از حرکات تحریک آمیز/ احزاب، ۳۳

دیباچه

حجاب به معنای مانع و پرده و پوشش در مقابل نامحرمان است و این موضوع در کلام الله مجید در سوره‌های نور و احزاب به صراحت و وضوح تبیین شده است. لزوم پوشیدگی زن براساس دلائل قرآنی، سیره پیامبر، اهل‌بیت علیهم‌السلام، براهین عقلی، فطرت و تاریخ قابل اثبات است که هر یک به تنهایی برای اثبات ضرورت حجاب کفایت می‌کند.

علاوه بر حجاب ظاهری بدن، حجاب در نگاه، گفتار و رفتار نیز در قرآن تأکید شده است. حجاب فیزیکی بدن از محسوس‌ترین و محوری‌ترین ابعاد حجاب می‌باشد که در آیات شریفه قرآن کریم «در سوره نور و احزاب» به آن، با عنوان «خِمار» و «جِلباب» تأکید ویژه شده است.

پس از حجاب ظاهری بدن، حجاب در نگاه، شناخته‌شده‌ترین بُعد حجاب است و دستور صریح قرآن کریم بر این نوع از حجاب دلالت دارد که آن، هم برای زن و هم برای مرد مطرح است. هم‌چنان‌که خداوند در سوره‌ی مبارکه‌ی «نور» به مردان و زنان به طور جداگانه امر می‌کند که چشم‌های خود را در برابر نامحرمان فرو افکنند.

نحوه‌ی سخن گفتن زنان مؤمن با مردان، یکی دیگر از مهم‌ترین ابعاد حجاب است که در قرآن به آن اشاره شده تا آنجاکه لحن سخن گفتن زنان را از منظر روانشناسی مدّنظر قرار داده است. همچنین قرآن کریم به حجاب در رفتار و نحوه برخورد زنان و مردان نامحرم نیز اشاره نموده و در لابلای برخی از آیات، دستوراتی را در این باره بیان نموده است.

قرآن کریم در ضمن پرداختن به ضرورت حجاب و انواع آن، مصونیّت زنان از تعرّض هوس‌رانان و حفظ طهارت درونی مردان و زنان را از مهم‌ترین آثار حجاب معرفی می‌کند و از گروه‌هایی همانند محارم انسان سخن به میان آورده که کشف حجاب در مقابل آنها منع شرعی ندارد و البته در این زمینه خداوند همگان را به رعایت تقوای الهی دعوت کرده است.

آیات و ترجمه

آثار حجاب

۱. مصونیّت زنان از تعرّض هوسرانان

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَٰلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا احزاب/۵۹

«ای پیامبر! به همسرانت و دخترانت و همسران کسانی که مؤمن هستند بگو: چادرهایشان را بر خود فرو پوشند، این [پوشش] به اینکه [به عفت و پاکدامنی] شناخته شوند نزدیک‌تر است و در نتیجه [از سوی مردم بی‌تقوا] مورد آزار قرار نخواهند گرفت و خدا همواره بسیار آمرزنده و مهربان است.»

۲. حفظ طهارت و پاکی درونی مردان و زنان

وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَسْئَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَٰلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ احزاب/۵۳

«و زمانی که از همسرانش متاعی خواستید از پشت پرده و حجاب از آنان بخواهید که این برای قلب شما و قلب‌های آنان پاکیزه‌تر است.»

احکام حجاب

۱. رعایت تقوا در هنگام کشف حجاب در برابر محارم

لَا جُنَاحَ عَلَيْهِنَّ فِي آبَائِهِنَّ وَلَا أَبْنَائِهِنَّ وَلَا إِخْوَانِهِنَّ وَلَا أَبْنَاءِ إِخْوَانِهِنَّ وَلَا أَبْنَاءِ أَخَوَاتِهِنَّ وَلَا نِسَائِهِنَّ وَلَا مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ وَاتَّقِينَ اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدًا احزاب/ ۵۵

«همسران پیامبر را نزد پدرانشان و پسرانشان و برادرانشان و پسران برادرانشان و پسران خواهرانشان و زنان هم کیششان و بردگانشان گناهی نیست و از خدا پروا کنید که خدا به هر چیزی گواه است.»

۲. واجب نبودن حجاب برای زنان سالخورده

وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ وَأَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَهُنَّ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ نور/۶۰

«و بر زنان از کار افتاده‌ای که امید ازدواجی ندارند، گناهی نیست که حجاب و روپوش خود را کنار بگذارند، در صورتی‌که با زیور و آرایش خویش قصد خودآرایی نداشته باشند و پاکدامنی برای آنان بهتر است و خدا شنوا و داناست.»

۳. واجب نبودن حجاب در برابر محارم و کودکان غیر ممیّز و..

وَلا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ اِلّا لِبُعُولَتِهِنَّ اَوْ ءابآئِهِنَّ اَوْ ءابآءِ بُعُولَتِهِنَّ اَوْ اَبْنآئِهِنَّ اَوْ اَبْنآءِ بُعُولَتِهِنَّ اَوْ اِخْوانِهِنَّ اَوْ بَنِي اِخْوانِهِنَّ اَوْ بَنِي اَخَواتِهِنَّ اَوْ نِسآئِهِنَّ اَوْ ما مَلَكَتْ اَيْمانُهُنَّ اَوِ التّابِعِينَ غَيْرِ اُولِي الْاِرْبَةِ مِنَ الرِّجالِ اَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلى عَوْراتِ النِّسآءِ وَلا يَضْرِبْنَ بِاَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ ما يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَتُوبُوا اِلَى اللهِ جَمِيعًا اَيُّهَ الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ نور/۳۱

«و زینت خود را آشکار نکنند مگر برای شوهرانشان، یا پدرانشان، یا پدران شوهرانشان، یا پسرانشان، یا پسران شوهرانشان، یا برادرانشان، یا پسران برادرانشان، یا پسران خواهرانشان، یا زنان‌شان، یا بردگان زر خریدشان، یا خدمتکارانشان از مردانی که ساده لوح و کم عقل‌اند و نیاز شهوانی حس نمی‌کنند، یا کودکانی که [به سنّ تمیز] نرسیده‌اند و زنان نباید پاهایشان را به زمین بزنند تا آنچه از زینت‌هایشان پنهان می‌دارند شناخته شود و ای مؤمنان همگی به سوی خدا بازگردید تا پیروز شوید.»

گونه‌های عفاف

۱. عفت در گفتار

يا نِسآءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَاَحَدٍ مِنَ النِّسآءِ اِنِ اتَّقَيْتُنَّ فَلا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا احزاب/۳۲

«ای همسران پیامبر! شما اگر پرهیزکاری پیشه کنید مانند هیچ یك از زنان نیستید، پس در گفتار خود، نرمی و طنّازی نداشته باشید تا کسی که بیمار دل است طمع کند و سخن پسندیده گویید.»

۲. حیا و عفت در اجتماع

فَجآءَتْهُ اِحْدٰهُما تَمْشِي عَلَى اسْتِحْيآءٍ قالَتْ اِنَّ اَبِي يَدْعُوكَ لِيَجْزِيَكَ اَجْرَ ما سَقَيْتَ لَنا قصص/۲۵

«پس یکی از آن دو [زن] در حالی که با حالت حیا گام برمی‌داشت، نزد او آمد [و] گفت: پدرم تو را می‌طلبد تا پاداش اینکه ما را آب دادی به تو بدهد.»

۳. حجاب در نگاه و پوشش بدن

وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ نور/۳۱

«و به زنان باایمان بگو: چشمان خود را از آنچه حرام است فرو بندند و شرمگاه خود را حفظ کنند و زینت خود را مگر مقداری که [طبیعتاً مانند انگشتر و حنا و سرمه، بر دست و صورت] پیداست [در برابر کسی] آشکار نکنند و مقنعه‌های خود را به روی گریبان‌هایشان بیندازند.»

۴. حیا در خانواده

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِيَسْتَأْذِنْكُمُ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ مِنْ قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَحِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُمْ مِنَ الظَّهِيرَةِ وَمِنْ بَعْدِ صَلَاةِ الْعِشَاءِ ثَلَاثُ عَوْرَاتٍ لَكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَلَا عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ بَعْدَهُنَّ طَوَّافُونَ عَلَيْكُمْ نور/۵۸

«ای اهل ایمان! باید بردگانتان و کسانی از شما که به مرز بلوغ نرسیده‌اند سه بار [در سه زمان] از شما اجازه بگیرند، پیش از نماز صبح و هنگام [استراحت] نیم روز که جامه‌هایتان را کنار می‌نهید و پس از نماز عشا؛ [این زمان‌ها] سه زمان خلوت شماست، بعد از این سه زمان بر شما و آنان گناهی نیست، همواره نزد شما در رفت و آمدند.»

۵. حیای مجرّدان

وَلْيَسْتَعْفِفِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّىٰ يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ نور/۳۳

«و کسانی‌که ازدواجی نمی‌یابند باید پاکدامنی پیشه کنند تا خدا آنان را از فزون بخشی خود توانگر سازد.»

نشانه‌های حیا

۱. اجتناب از چشم چرانی

قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ اَبْصارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذٰلِكَ اَزْكىٰ لَهُمْ اِنَّ اللّٰهَ خَبِيرٌ بِما يَصْنَعُونَ ﴿۳۰﴾ وَقُلْ لِلْمُؤْمِناتِ يَغْضُضْنَ مِنْ اَبْصارِهِنَّ نور/۳۰و ۳۱

«به مردان مؤمن بگو: چشمان خود را [از آنچه حرام است مانند دیدن زنان نامحرم و عورت دیگران] فرو بندند و شرمگاه خود را حفظ کنند، این برای آنان پاکیزه‌تر است، قطعاً خدا به کارهایی که انجام می‌دهند، آگاه است و به زنان باایمان بگو: چشمان خود را از آنچه حرام است فرو بندند.»

۲. اجتناب از حرکات تحریک آمیز

وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجاهِلِيَّةِ الْاُولىٰ وَاَقِمْنَ الصَّلٰوةَ وَءاتِينَ الزَّكٰوةَ وَاَطِعْنَ اللّٰهَ وَرَسُولَهُ احزاب/۳۳

«و در خانه‌هایتان قرار و آرام گیرید و [در میان نامحرمان و کوچه و بازار] مانند زنان دوران جاهلیت پیشین ظاهر نشوید و نماز را برپا دارید و زکات بدهید و خدا و پیامبرش را اطاعت کنید.»

واژه‌نامه

واژه	ترجمه	واژه	ترجمه
يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ	بر خود فرو افکنند	غَيْرِ اُولِي الْاِرْبَةِ	بی‌نیاز از ازدواجند
جَلابِيب	روسری‌های بلند	ما يُخْفِينَ	آنچه‌را مخفی می‌کنند
فَلا يُؤْذَيْنَ	مورد آزار قرار نگیرند	لَسْتُنَّ	شما زنان نیستید
وَرآءِ حِجابٍ	از پشت پرده	يَطْمَعَ	طمع می‌ورزد
سَاَلْتُمُوهُنَّ مَتاعًا	چیزی از آنها بخواهید	اِنِ اتَّقَيْتُنَّ	اگر خدا ترس باشید
وَاتَّقِينَ اللهَ	از خدا پروا بدارید	عَلَى اسْتِحْيآءٍ	با شرم و حیا
ما مَلَكَتْ اَيْمانُهُنَّ	بردگان خویش	لِيَجْزِيَكَ	تا تو را پاداش دهد
لا جُناحَ عَلَيْهِنَّ	بر آنان گناهی نیست	سَقَيْتَ	آب دادی
اَلْقَواعِدُ	زن از کار افتاده	اَزْكى لَهُمْ	برای‌آنهاپاکیزه‌تر است
لا يَرْجُونَ	امید ندارند	يَغْضُضْنَ مِنْ اَبْصارِهِنَّ	دیدگان خود را [از هر نامحرمی] فرو بندند
اَنْ يَضَعْنَ	کنار بگذارند	بِخُمُرِهِنَّ عَلى جُيُوبِهِنَّ	روسری خود را بر گردنِ خویش
ثِيابَهُنَّ	پوشش خود را	لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ	به[سن]بلوغ نرسیده‌اند
وَلا تَبَرَّجْنَ	خودنمایی نکنید	طَوّافُونَ	طواف کنندگان
اَنْ يَسْتَعْفِفْنَ	پاکدامنی بورزند	لِيَسْتَاْذِنْكُمْ	باید از شما اجازه بگیرند
لا يُبْدِينَ	آشکار نکنند	لا يَجِدُونَ	نمی‌یابند
لِبُعُولَتِهِنَّ	برای شوهرشان	يُغْنِيَهُمُ اللهُ	خدا آنها را بی‌نیاز کند
التّابِعِينَ	پیروی کنندگان	قَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ	در خانه‌هایتان آرام گیرید

نکات معرفتی و تربیتی

تفاوت حجاب و عفاف

دو واژه‌ی «حجاب» و «عفاف» در معنای منع و امتناع مشترک هستند. با این تفاوت که منع و بازداری در حجاب مربوط به ظاهر است، ولی منع و بازداری در عفت، مربوط به باطن و درون است. عفت یک حالت درونی است، ولی با توجه به این‌که تأثیر ظاهر بر باطن و تأثیر باطن بر ظاهر، یکی از ویژگی‌های عمومی انسان است؛ بنابراین بین حجاب و پوشش ظاهری و عفت و بازداری باطنی انسان، تأثیر و تأثّر متقابل است؛ بدین ترتیب که هرچه حجاب و پوشش ظاهری بیش‌تر و بهتر باشد، این نوع حجاب در تقویت و پرورش روحیه‌ی باطنی و درونی عفت، تأثیر بیش‌تری دارد و بالعکس هر چه عفت درونی و باطنی بیش‌تر باشد باعث حجاب و پوشش ظاهری بیش‌تر و بهتر در مواجهه با نامحرم می‌گردد.

مفهوم خُمر و جلباب

قرآن کریم از دو نوع شیوه‌ی حجاب و پوشش، «خمار» و «جلباب» سخن به میان آورده است: «خُمُر» جمع خمار است و در معنای آن گفته شده روپوشی است که زنان سر خود را با آن می‌پوشانند.[1] علامه طباطبایی در معنی خمر در تفسیر المیزان می‌گوید: «آن جامه‌ای است که زن سر خود را با آن می‌پیچد و زاید آن را به سینه‌اش آویزان می‌کند.»[2] «جلابیب» جمع جلباب، به معنای مقنعه‌ای است که سر و گردن را می‌پوشاند و یا پارچه‌ی بلندی است که تمام بدن و سر و گردن را می‌پوشاند. همچنین گفته شده که «جلباب» عبارت از روسری بلندی است که هنگام خروج از خانه، زنان به وسیله‌ی آن، سر و صورت خود را می‌پوشانند.[3] با توجه به معانی جلباب و از جمله، این معنی که پارچه‌ی بلندی برای پوشیدن تمام بدن و سر و گردن است،

---

۱. المفردات فی غریب القرآن، ص ۲۹۸.
۲. المیزان فی تفسیر القرآن، ج۱۵، ص ۱۱۲.
۳. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج۸، ص ۵۸۰.

می‌توان در معنای امروزی، پوشش «چادر» را با «جلباب» مشابه در نظرگرفت و از آن جا که در این آیه، به طور مشخص به استفاده‌ی زنان و دختران از جلباب اشاره شده است، می‌توان نتیجه گرفت که طبق فرموده‌ی رهبر معظم انقلاب اسلامی، چادر به عنوان یک حجاب برتر مطرح شده است.

حجاب در نگاه

یکی از انواع حجاب، حجاب در نگاه است که قرآن کریم به صراحت زنان و مردان مومن را از نگاه به نامحرم نهی می‌کند. علاوه بر قرآن این مسأله در روایات نیز تأکید شده است. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله به حضرت علی علیه‌السلام می‌فرمایند: از نگاه بعد از نگاه بپرهیز؛ زیرا نگاه اول از آن توست و ناخواسته است، اما نگاه دوم به زیان توست و عمدی می‌باشد و نگاه سوم ویران‌گر است. امام صادق علیه‌السلام نیز می‌فرمایند: نگاه بعد از نگاه، بذر شهوت در دل می‌کارد و این خود برای به گناه کشاندن و به فتنه انداختن صاحبش کافی است.[1]

در نظرگرفتن قدرت خداوندی که از نهان انسان آگاه است به «غض بصر» کمک می‌کند و ادراک و مشاهده‌ی عظمت و جلال خداوند در دل، یاور انسان در حفظ چشم از نگاه به محرمات الهی است. رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرمایند: «بسته‌شدن چشم‌ها از حرام، عامل بازدارنده‌ی خوب و توانمندی برای تهذیب نفس و پاک کردن دل از خواهش‌های نفسانی است.»[2] تأمل در این دستور الهی تداعی می‌کند که اسلام می‌خواهد جامعه‌ای سالم و بدور از حرام داشته باشد تا همه‌ی اقشار به دور از جنسیت بتوانند با امنیت و مصونیت در جامعه کارکردهای خود را به نحو احسن انجام دهند.

۱. من لا یحضره الفقیه، ج٤، صص ۱۹-۱۸.
۲. میزان الحکمه، ج۱۳، ص۳۲۵، ح۶۳۱۷.

۱.آیات مربوط به آثار حجاب را ذکر کنید.

۲.آیات مربوط به عفت در گفتار ، رفتار و اجتماع را ذکر کنید.

۳.مفهوم خمر و جلباب، با ذکر آیات مربوط به آن را بیان کنید.

٤.مقصود از حجاب در نگاه چیست آیه مربوط به آن را نیز ذکر کنید.

۵.ترجمه واژه‌های زیر را بیان کنید .

«لا جُناحَ عَلَيْهِنَّ» «ثِيابَهُنَّ»

«لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ» «اَلْقَواعِدُ»

درس ششم

اهداف درس

آشنایی با آیات مربوط به وجوب خمس و مصارف آن و حفظ آنها

شناخت آیات احکام و آثار پرداخت زکات و حفظ آنها

آشنایی با آیات موانع پرداخت زکات و حفظ آنها

شناخت زکات دهندگان در قرآن و حفظ آیات مربوطه

آگاهی از فلسفه و متعلقات خمس و مصارف زکات و حفظ آیات مربوطه

نمودار درس

خمس و زکات
وجوب خمس و مصارف آن/ انفال، ۴۱
آثار پرداخت زکات
آرامش درونی/ بقره، ۲۷۷
قرار گرفتن در زمره محسنان/ لقمان، ۳و۴
برخورداری از امداد و نصرت خداوند/حج، ۷۸
حصول حق اخوت و برادری دینی/ توبه، ۱۱
امیدواری به رحمت خداوند/ اعراف، ۱۵۶
بهره‌مندی از پاداش مضاعف/ روم، ۳۹
تطهیر نفس و پالایش روح از آلودگی/ توبه، ۱۰۳
عوامل ترک زکات
بخل/ آل‌عمران، ۱۸۰
کفر و شرک/ فصلت، ۶و۷
احکام زکات
وجوب پرداخت زکات و مصارف آن/ توبه، ۶۰
استحباب زکات از درآمدها و مال التجاره/ بقره، ۲۶۷
فرم دریافت زکات توسط حاکم اسلامی/ توبه، ۱۰۳
کیفیت پرداخت زکات و انفاق/بقره، ۲۷۱
زکات دهندگان
پیامبران الهی/ انبیاء، ۷۳
حاکمان اسلامی/ حج، ۴۱
خاندان اسماعیل/ مریم، ۵۵و ۵۴
حضرت عیسی/ مریم، ۳۱
اولیاءالله/ مائده ۵۵
مؤمنان/مؤمنون، ۶۰-۵۸

دیباچه

خمس یکی از فریضه‌های اسلامی است که قرآن مجید در بیان اهمیت آن، ایمان را با آن پیوند زده و در کنار جهاد قرار داده است. همچنین اهمیت زکات به قدری زیاد است که برای احیای دین خدا و تحقق حکومت اسلامی واجب گردیده است.

در قرآن مسئله زکات نسبت به خمس بیشتر مطرح شده و در ۳۲ آیه، از زکات در سوره‌های مختلف سخن به میان آمده است. زکات از ریشه «زکو» و «زکی»، در اصل به معنای رشد و زیادت است و نیز به معنای طهارت، برکت و مدح نیز آمده است. «زکات مال» یعنی تطهیر آن و در اصطلاح شرع، اسمی است برای حقی که در مال واجب قرار دارد.

وجوب زکات فقط در یك آیه آمده است و بقیه آیات زکات، یا درباره زکات یا درباره صدقات مستحبی است یا اینکه پرداخت زکات به عنوان صفتی از صفات مؤمنان و مردان خدا ذکر شده، در مورد زکات در ادیان گذشته نیز سخن به میان آمده است. در برخی آیات، زکات در معنای لغوی خود به مفهوم پاکی به کار رفته نه به معنای زکات واجب. بنابراین معنای زکات گسترده بوده و علاوه بر پاکی و تطهیر، شامل انواع مختلف کمك مالی و غیر مالی، واجب یا مستحب می‌شود، در حالی‌که معنای خمس یك چیز بیشتر نیست.

اهمیت زکات از منظر قرآن آن‌قدر زیاد است که در موارد بسیاری، در کنار امر به نماز بلافاصله به زکات دستور داده و این دو را ملزم و کنار یکدیگر ذکر شده است. این تلازم به قدری مهم است که در روایات نیز به این مطلب توجه داده شده که هر کس زکات ندهد نماز او قبول نیست. علاوه بر اهمیت و ضرورت پرداخت زکات، در قرآن به مسائلی همچون احکام، مصادیق زکات دهندگان، کیفیّت پرداخت زکات، عوامل ترك و آثار پرداخت زکات نیز اشاره شده است.

آیات و ترجمه

وجوب خمس و مصارف آن

وَاعْلَمُوا اَنَّ ما غَنِمْتُمْ مِنْ شَیْءٍ فَاَنَّ لِلّٰهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِی الْقُرْبٰی وَالْیَتامٰی وَالْمَساکِینِ وَابْنِ السَّبِیلِ اِنْ کُنْتُمْ ءامَنْتُمْ بِاللّٰهِ وَما اَنْزَلْنا عَلٰی عَبْدِنا یَوْمَ الْفُرْقانِ یَوْمَ الْتَقَی الْجَمْعانِ وَاللّٰهُ عَلٰی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ انفال/۴۱

«و بدانید هر چیزی‌که به عنوان غنیمت و فایده به دست آورید، یك پنجم آن برای خدا و رسول خدا ﷺ و خویشان پیامبر و یتیمان و مسکینان و در راه ماندگان است، اگر به خدا و آنچه بر بنده‌اش روز جداکننده حق‌از باطل، روز رویارویی دو گروه نازل کردیم، ایمان‌آورده‌اید وخدا برهرکاری تواناست.»

آثار پرداخت زکات

۱.آرامش درونی

اِنَّ الَّذِینَ ءامَنُوا وَعَمِلُوا الصّالِحاتِ وَاَقامُوا الصَّلٰوةَ وَءاتَوُا الزَّکٰوةَ لَهُمْ اَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلا خَوْفٌ عَلَیْهِمْ وَلا هُمْ یَحْزَنُونَ بقره/۲۷۷

«مسلماً کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند و نماز را به پا داشتند و زکات پرداختند، برای آنان نزد پروردگارشان پاداشی است، نه بیمی بر آنان است و نه اندوهگین می‌شوند.»

۲. حصول حق اخوّت و برادری دینی

فَاِنْ تابُوا وَاَقامُوا الصَّلٰوةَ وَءاتَوُا الزَّکٰوةَ فَاِخْوانُکُمْ فِی الدّینِ وَنُفَصِّلُ الْاٰیاتِ لِقَوْمٍ یَعْلَمُونَ توبه/۱۱

«پس اگر توبه کنند و نماز را بر پا دارند و زکات بپردازند، برادران دینی شمایند و ما آیات خود را برای گروهی که [حقایق را] می‌دانند، به صورت‌های گوناگون بیان می‌کنیم.»

۳. قرار گرفتن در زمره محسنان

هُدًی وَرَحْمَةً لِلْمُحْسِنِینَ ۝۳ اَلَّذِینَ یُقِیمُونَ الصَّلٰوةَ وَیُؤْتُونَ الزَّکٰوةَ وَهُمْ بِالْاٰخِرَةِ هُمْ یُوقِنُونَ لقمان/۳و۴

«سراسر هدایت و رحمت برای نیکوکاران است، آنان که نماز را برپا می‌دارند و زکات می‌دهند و به آخرت یقین دارند.»

۴. برخورداری از امداد و نصرت خداوند

فَاَقِيمُوا الصَّلٰوةَ وَءٰاتُوا الزَّكٰوةَ وَاعْتَصِمُوا بِاللّٰهِ هُوَ مَوْلٰكُمْ فَنِعْمَ الْمَوْلٰى وَنِعْمَ النَّصِيرُ
حج/ ۷۸

«بنابراین نماز را برپا دارید و زکات را بپردازید و به خدا تمسّك جویید. او سرپرست و یاور شماست؛ چه خوب سرپرست و یاوری و چه نیکو یاری‌دهنده‌ای است.»

۵. امیدواری به رحمت خداوند

وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ فَسَاَكْتُبُهٰا لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ وَيُؤْتُونَ الزَّكٰوةَ وَالَّذِينَ هُمْ بِـَٔايٰاتِنٰا يُؤْمِنُونَ
اعراف/۱۵۶

«و رحمتم همه چیز را فرا گرفته است، پس به زودی آن را برای کسانی که [از شرك و کفر و بت‌پرستی و ارتداد] می‌پرهیزند و زکات می‌پردازند و به آیاتم ایمان می‌آورند، مقرّر می‌دارم.»

۶. بهره‌مندی از پاداش مضاعف

وَمَآ ءٰاتَيْتُمْ مِنْ رِبًا لِيَرْبُوَا۟ فِيٓ اَمْوٰالِ النّٰاسِ فَلٰا يَرْبُوا۟ عِنْدَ اللّٰهِ وَمَآ ءٰاتَيْتُمْ مِنْ زَكٰوةٍ تُرِيدُونَ وَجْهَ اللّٰهِ فَاُولٰٓئِكَ هُمُ الْمُضْعِفُونَ
روم/۳۹

«اموال و اجناسی را که [به صورت وام] به ربا می‌دهید تا در میان اموال مردم فزونی یابد، نزد خدا فزونی نخواهد یافت و آنچه از زکات می‌دهید که [به سبب پرداختنش] خشنودی خدا را می‌خواهید [مایه فزونی است] پس این زکات دهندگانند که مال و ثوابشان دو چندان می‌شود.»

۷. تطهیر نفس و پالایش روح از آلودگی

خُذْ مِنْ اَمْوٰالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهٰا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ اِنَّ صَلٰاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ وَاللّٰهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ
توبه/۱۰۳

«از اموالشان زکاتی دریافت کن که به سبب آن [نفوس و اموالشان را] پاك می‌کنی و آنان را رشد و تکامل می‌دهی و آنان را دعا کن؛ زیرا دعای تو مایه آرامش برای آنان است و خدا شنوا و داناست.»

عوامل ترک زکات

۱. بخل

وَلا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَبْخَلُونَ بِمآ ءاتٰهُمُ اللّٰهُ مِنْ فَضْلِهِ هُوَ خَيْرًا لَهُمْ بَلْ هُوَ شَرٌّ لَهُمْ سَيُطَوَّقُونَ ما بَخِلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيامَةِ وَلِلّٰهِ مِيراثُ السَّمٰواتِ وَالْاَرْضِ وَاللّٰهُ بِما تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ
آل‌عمران/ ۱۸۰

«کسانی که خدا به آنچه از فضلش به آنان داده بخل می‌ورزند، گمان نکنند که آن بخل به سود آنان است، بلکه آن بخل به زیانشان خواهد بود. به زودی آنچه به آن بخل ورزیدند در روز قیامت گردنبند گردنشان می‌شود و میراث آسمان‌ها و زمین فقط در سیطره مالکیّت خداست و خدا به آنچه انجام می‌دهید آگاه است.»

۲و۳. کفر و شرک

وَوَيْلٌ لِلْمُشْرِكِينَ ۝٦ الَّذِينَ لا يُؤْتُونَ الزَّكٰوةَ وَهُمْ بِالْاٰخِرَةِ هُمْ كافِرُونَ
فصّلت/۶و۷

«و وای بر مشرکان؛* آنان که زکات نمی‌دهند و آخرت را انکار می‌کنند.»

احکام زکات

۱. وجوب پردات زکات و مصارف آن

اِنَّمَا الصَّدَقاتُ لِلْفُقَرآءِ وَالْمَساكِينِ وَالْعامِلِينَ عَلَيْها وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقابِ وَالْغارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللّٰهِ وَابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِنَ اللّٰهِ وَاللّٰهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ
توبه/۶۰

«صدقات، فقط ویژه نیازمندان و تهیدستان و کارگزاران و آنانکه باید [به خاطر تمایل به اسلام] قلوبشان را به دست آورد و برای [آزادی] بردگان و [پرداخت بدهی] بدهکاران و [هزینه کردن] در راه خدا و در راه ماندگان است؛ [این احکام] فریضه‌ای از سوی خداست و خدا دانا و حکیم است.»

۲. استحباب زکات، از درآمدها و مال التّجاره

يآ اَيُّهَا الَّذِينَ ءامَنُوا اَنْفِقُوا مِنْ طَيِّباتِ ما كَسَبْتُمْ وَمِمّآ اَخْرَجْنا لَكُمْ مِنَ الْاَرْضِ وَلا تَيَمَّمُوا الْخَبِيثَ مِنْهُ تُنْفِقُونَ وَلَسْتُمْ بِاٰخِذِيهِ اِلّآ اَنْ تُغْمِضُوا فِيهِ
بقره/۲۶۷

«ای اهل‌ایمان! از پاکیزه‌های آنچه به دست آورده‌اید و آنچه برای شما از زمین بیرون آورده‌ایم، انفاق کنید و برای انفاق کردن دنبال مال ناپاك و بی‌ارزش و معیوب نروید، در حالی‌که اگر آن را به عنوان حقّ شما به خود شما می‌دادند، جز چشم‌پوشی نمی‌گرفتید...»

۳. لزوم دریافت زکات توسط حاکم اسلامی

خُذْ مِنْ اَمْوالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِها وَصَلِّ عَلَيْهِمْ اِنَّ صَلاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ وَاللّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ
توبه/۱۰۳

«از اموالشان زکاتی دریافت کن که به سبب آن [نفوس و اموالشان را] پاك می‌کنی و آنان را رشد و تکامل می‌دهی و آنان را دعا کن؛ زیرا دعای تو مایه آرامش برای آنان است و خدا شنوا و داناست.»

کیفیّت پرداخت زکات و انفاق

اِنْ تُبْدُوا الصَّدَقاتِ فَنِعِمّا هِيَ وَاِنْ تُخْفُوها وَتُؤْتُوها الْفُقَرآءَ فَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَيُكَفِّرُ عَنْكُمْ مِنْ سَيِّئاتِكُمْ وَاللّهُ بِما تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ
بقره/۲۷۱

«اگر صدقه‌ها را آشکارا پرداخت کنید کاری نیکوست و اگر آنها را پنهان دارید و به تهیدستان دهید برای شما بهتر است و خدا بخشی‌از گناهانتان را محو می‌کند و خدا به آنچه‌انجام می‌دهید،آگاه است.»

زکات دهندگان

۱. پیامبران الهی

وَجَعَلْناهُمْ اَئِمَّةً يَهْدُونَ بِاَمْرِنا وَاَوْحَيْنآ اِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْراتِ وَاِقامَ الصَّلوةِ وَاِيتآءَ الزَّكوةِ وَكانُوا لَنا عابِدِينَ
انبیاء/۷۳

«و آنان را پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما [مردم را] هدایت می‌کردند و انجام دادن کارهای نیك و برپا داشتن نماز و پرداخت زکات را به آنان وحی کردیم و آنان فقط پرستش کنندگان ما بودند.»

۲. حاکمان اسلامی

اَلَّذِينَ اِنْ مَكَّنّاهُمْ فِي الْاَرْضِ اَقامُوا الصَّلوةَ وَءاتَوُا الزَّكوةَ وَاَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلّهِ عاقِبَةُ الْاُمُورِ
حج/۴۱

«همانان که اگر آنان را در زمین قدرت و تمکّن دهیم نماز را برپا می‌دارند و زکات می‌پردازند و مردم را به کارهای پسندیده وا می‌دارند و از کارهای زشت بازمی‌دارند و عاقبت همه کارها فقط در اختیار خداست.»

۳ .خاندان اسماعیل

وَاذْكُرْ فِي الْكِتَابِ إِسْمَاعِيلَ إِنَّهُ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ وَكَانَ رَسُولًا نَبِيًّا ﴿٥٤﴾ وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَكَانَ عِنْدَ رَبِّهِ مَرْضِيًّا
مریم/۵۵-۵۴

«و در این کتاب، [سرگذشتِ] اسماعیل را یاد کن که او وفا کننده به عهد و فرستاده‌ای پیامبر بود و همواره خانواده‌اش را به نماز و زکات فرمان می‌داد و نزد پروردگارش پسندیده بود.»

۴. حضرت عیسی علیه‌السلام

وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا
مریم/۳۱

و هر جا که باشم بسیار بابرکت و سودمندم ساخته، و مرا تا زنده‌ام به نماز و زکات سفارش کرده است.

۵. اولیاء الله

إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ
مائده/۵۵

سرپرست و دوست شما فقط خدا و رسول اوست و مؤمنانی [مانند علی بن ابی‌طالب‌اند] که همواره نماز را برپا می‌دارند و در حالی که در رکوعند [به تهیدستان] زکات می‌دهند.

۴. مؤمنان

وَالَّذِينَ هُمْ بِآيَاتِ رَبِّهِمْ يُؤْمِنُونَ ﴿٥٨﴾ وَالَّذِينَ هُمْ بِرَبِّهِمْ لَا يُشْرِكُونَ ﴿٥٩﴾ وَالَّذِينَ يُؤْتُونَ مَا آتَوْا وَقُلُوبُهُمْ وَجِلَةٌ أَنَّهُمْ إِلَى رَبِّهِمْ رَاجِعُونَ
مؤمنون/۵۸-۶۰

«و آنان که به آیات پروردگارشان ایمان می‌آورند و آنان که به پروردگارشان شرك نمی‌ورزند و آنان که آنچه را می‌پردازند در حالی‌که دل‌هایشان از اینکه به سوی پروردگارشان باز می‌گردند، ترسان است.»

واژه نامه

واژه	ترجمه	واژه	ترجمه
لِذِی الْقُرْبیٰ	برای خویشاوندان	سَیُطَوَّقُونَ	بزودی طوق گردن می‌شوند
یَوْمَ الْفُرْقٰانِ	روز جدایی(حقّ از باطل)	یَبْخَلُونَ	بخل می‌ورزند
یَوْمَ الْتَقَی الْجَمْعٰانِ	روزیکه دو گروه با هم ملاقات کرد	اَلْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ	دلهایشان الفت داده شده
غَنِمْتُمْ	به دست آوردید	اَلرِّقٰابِ	بردگان (زندانیان)
نُفَصِّلُ الْاٰیٰاتِ	آیات را شرح می‌دهیم	اَلْغٰارِمِینَ	بدهکاران
یُوقِنُونَ	یقین دارند	اَنْ تُغْمِضُوا	که چشم پوشی کنید
اِعْتَصِمُوا بِاللهِ	به خدا تمسّك جویید	بِاٰخِذِیهِ	گیرنده آن
فَنِعْمَ الْمَوْلیٰ	چه نیکو مولایی	تَیَمَّمُوا الْخَبِیثَ مِنْهُ	چیز پلید را از آن قصد نکنید.
هُوَ مَوْلٰکُمْ	او مولای شماست	فَنِعِمّٰا	پس خوب است آنچه
فَسَاَکْتُبُهٰا	پس مقرر خواهم کرد آن‌را	تُؤْتُوهٰا	بیاورید آنها را
لِیَرْبُوَ	تا بیشتر شود	مَکَّنّٰاهُمْ فِی الْاَرْضِ	آنهارادرزمین تمکّن دادیم
عِنْدَ اللهِ	نزد خدا	مَرْضِیًّا	مرضیّ و مقبول
لٰا یَحْسَبَنَّ	گمان نکنند	وَجِلَةٌ	ترسان

نکات معرفتی و تربیتی

تفاوت خمس و زکات

زکات جزء اموال عمومی جامعه اسلامی محسوب می‌شود، لذا مصارف آن عموماً در همین قسمت می‌باشد، ولی خمس از مالیات‌هایی است که مربوط به حکومت اسلامی است، یعنی مخارج حکومت اسلامی و گردانندگان این دستگاه از آن تأمین می‌شود.

کسی که خمس بر او واجب است، نمی‌تواند خودش به کسی که می‌خواهد بدهد و حال این‌که، کسی که زکات بر او واجب است می‌تواند زکاتش را به فقیران نزدیک و خویشاوند خود بدهد، البته انسان نمی‌تواند مخارج کسانی را که مثل اولاد، خرجشان بر او واجب است از زکات بدهد.

فلسفه خمس

پرداخت خمس ممکن است علل و حکمت‌های زیادی داشته باشد، از جمله اینکه در جامعه اسلامی، رهبر و امام برای احیاء دین خدا و پیاده کردن احکام اسلام و پیشبرد نظام و کشور هزینه‌هایی دارد که باید تأمین شود. پیامبر اسلام ﷺ و بعد از ایشان، امامان معصوم علیهم‌السلام و در زمان غیبت، فقهای شیعه که جانشینان ائمه علیهم‌السلام می‌باشند نیز، به عنوان رهبر جامعه اسلامی همواره دارای هزینه‌های مختلفی از جمله کمک به مستمندان، ساخت مسجد، تجهیز سپاه و کارهای خیر دیگر بوده‌اند که با پرداخت خمس، این هزینه‌ها تأمین می‌شود. ائمه علیهم‌السلام فرموده‌اند: خمس، کمک به ما در اقامه دین خدا است. خمس وسیله‌ای برای رشد و کمال انسان محسوب می‌شود، شخص با ادای خمس به قصد قربت و بریدن از دنیا، وظیفه‌اش را انجام داده و خود را از گناهان پاک نموده و به سوی کمال ترقی می‌کند و باعث جلب روزی می‌شود؛ به عبارت دیگر، با دادن خمس، انسان تمرین می‌کند که از تعلق به دنیا و مادیات دور شود چرا که از مال خود دل کنده و باور می‌کند که این خدای متعال است که روزی دهنده او

است و با این عمل اعتقاد خود را به این‌که خمس دادن، سبب برکت در مال است، تقویت کرده و عملاً این اعتقاد را پیاده می‌کند.

متعلقات خمس

طبق اعتقاد شیعه، خمس به دو سهم تقسیم می‌شود که یکی سهم سادات فقیر، یتیم و در راه‌مانده است و دیگری سهم امام زمان که هر دو سهم باید به مرجع تقلید یا نماینده‌ی وی داده شود، مگر آن‌که از ایشان اجازه گرفته و در راهی که آن‌ها اجازه می‌دهند مصرف شود.

خمس به هفت چیز تعلق می‌گیرد؛ اول: منفعت کسب. دوم: معدن. سوم: گنج. چهارم: مال حلال مخلوط به حرام. پنجم: جواهری که به واسطه غواصی، یعنی فرو رفتن در دریا به دست می‌آید. ششم: غنیمت جنگ. هفتم: زمینی که کافر ذمی از مسلمان بخرد. اما زکات به ۹ چیز تعلق می‌گیرد؛ اوّل: گندم. دوم: جو. سوم: خرما. چهارم: کشمش. پنجم: طلا. ششم: نقره. هفتم: شتر. هشتم: گاو. نهم: گوسفند و اگر کسی مالک یکی از این ۹ چیز باشد، با تحقق شرایط، باید مقداری از آن را که معیّن شده (یک دهم یا یک بیستم) به یکی از مصرف‌هایی که دستور داده‌اند، برساند. اگر زکات ۹ مورد مذکور در بالا پرداخت شد و از خرج سال زیاد آمد، باید خمس آنها را نیز بپردازد.

مصارف زکات

زکات در ۸ مورد به مصرف می‌رسد؛ اول: فقیر، شایان ذکر است که فقیر در این جا، فقط شامل فقرای غیر سیدهاشمی می‌شود. دوم: مسکین. سوم: کسی از طرف امام علیه‌السلام یا نائب امام مأمور است که زکات را جمع و نگهداری نماید. چهارم: کافرهایی که اگر زکات به آنها بدهند به دین اسلام مایل می‌شوند. پنجم: خریداری بنده‌ها و آزاد کردن آنها. ششم: بدهکاری که نمی‌تواند قرض خود را بدهد. هفتم: سبیل الله، یعنی کاری که منفعت عمومی دارد. هشتم: ابن سبیل، یعنی مسافری که در سفر در مانده شده است.

پرسش‌های درس

۱.به سه آیه مربوط به آثار زکات اشاره کنید.

۲.آیه مربوط به وجوب خمس و مصارف آن را بیان کنید.

۳.با توجه به ترجمه «اگر صدقه‌ها را آشکارا پرداخت کنید کاری نیکوست و اگر آنها را پنهان دارید و به تهیدستان دهید برای شما بهتر است و خدا بخشی از گناهانتان را محو می‌کند و خدا به آنچه انجام می‌دهید، آگاه است.» آیه مربوط به آن را بیان کنید.

٤.معنای واژگان قرآنی زیر را مقابل آنها بنویسید.

«سَیُطَوَّقُونَ» «وَجِلَةٌ» «الرِّقابِ»

۵.تفاوت خمس و زکات در چیست؟ و فلسفه پرداخت خمس را بیان کنید.

درس هفتم

اهداف درس

آشنایی با آیات مربوط به آثار امر به معروف و نهی از منکر و حفظ آنها

شناخت آمران به معروف در قرآن و حفظ آیات مربوطه

آشنایی با آیات بیانگر شرایط امر به معروف و نهی از منکر و حفظ آنها

شناخت مراتب امر به معروف و نهی از منکر

آگاهی از آثار مثبت امر به معروف و نهی از منکر در روایات

نمودار درس

امربه معروف و نهی از منکر
آثار
قرار گرفتن در زمره صالحان/ آل‌عمران، ۱۱۴
قرار گرفتن در زمره مؤمنان/ توبه، ۱۱۲
ملاک برتری امت اسلام/ آل‌عمران، ۱۱۰
نجات خانواده از آتش جهنم/تحریم، ۶
آمران به معروف
مومنان اهل کتاب/ آل‌عمران، ۱۱۳و ۱۱۴
لقمان/ لقمان، ۱۷
پیامبر اکرم/ اعراف، ۱۵۷
مؤمنان/ توبه، ۷۱
شرایط
تطابق گفتار با کردار/ صف، ۳-۲
شروع امر به معروف از خود/ بقره، ۴۴
ضرورت ایجاد تشکیلات برای امر به معروف/ آل‌عمران، ۱۰۴
حکمت، موعظه، جدال نیکو/ نحل، ۱۲۵
پرهیز از اهانت و بی احترامی/ انعام، ۱۰۸
ملایمت/ طه،۴۴
اعراض/ قصص،۵۵
عذاب قتل آمران به معروف/ آل‌عمران، ۲۱
توبیخ تارکان/ مائده، ۷۹

دیباچه

اسلام از مؤمنان می‌خواهد خود را در برابر جامعه متعهد بدانند و با مشاهده گناه و فساد ساکت نمانند، بلکه همواره دیگران را به خوبی امر کنند و از بدی باز دارند. تأکیدات مکرر قرآن کریم در خصوص امر به معروف و نهی از منکر بیانگر اهمیتی است که اسلام برای سالم‌سازی محیط اجتماعی و مبارزه با مفاسد و عوامل گناه قائل است. به همین دلیل خداوند کسانی را که فریضه امر به معروف و نهی از منکر را انجام می‌دهند بهترین امت معرفی می‌کند. فریضه امربه معروف و نهی از منکر آن‌قدر اهمیت دارد که خداوند این امر مهم را یکی از رسالت‌ها و وظایف پیامبرش می‌داند: ﴿خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ﴾[1]

از منظر قرآن کریم، بر امر به معروف و نهی از منکر آثار مثبت بسیاری مترتب است که از مهمترین آن‌ها اصلاح اجتماع از کجی‌ها و خطاها است که به همراه خود خیر و برکت را برای جامعه به ارمغان می‌آورد. علاوه بر آن، آمر به معروف و ناهی از منکر در زمره صالحان و مؤمنان قرار می‌گیرد و به سبب آن فرد از جهنم نجات می‌یابد.

قرآن کریم از گروه‌هایی سخن به میان می‌آورد که جزو آمران به معروف و ناهیان از منکر بوده که پیامبران در صدر آنها قرار دارند. از دیدگاه قرآن کریم بهترین امت، امتی است که- در حالی‌که افراد آن در زمره صالحین قرار دارند- دیگران را از اعمال زشت باز می‌دارند و آنان را به سوی خوبی و نیکی‌ها دعوت می‌کنند.

انجام امر به معروف و نهی از منکر شرایطی دارد که از مهمترین شروطش آن است که آمر بمعروف خود باید معروف را بجای آورد و ناهی از منکر خود باید منکر را ترک کند. همچنین علاوه برآن که امر به معروف و نهی از منکر وظیفه تك تك آحاد اجتماع است، ایجاد تشکیلات برای این امر مهم، ضروری است.

---

۱. اعراف، ۱۹۹.

آیات و ترجمه

آثار امر به معروف و نهی از منکر

۱. قرار گرفتن در زمره صالحان

يُؤْمِنُونَ بِاللهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُسارِعُونَ فِي الْخَيْراتِ وَأُولٰئِكَ مِنَ الصّالِحِينَ آل‌عمران/۱۱۴

«[در سایه قرآن و نبوّت پیامبر] به خدا و روز قیامت ایمان می‌آورند و به کار شایسته فرمان می‌دهند و از کار ناپسند بازمی‌دارند و در کارهای خیر می‌شتابند و اینان از شایستگانند.»

۲. قرار گرفتن انسان در زمره مؤمنان

اَلْآمِرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَالْحافِظُونَ لِحُدُودِ اللهِ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ توبه/۱۱۲

«فرمان‌دهندگان به معروف و بازدارندگان از منکر و پاسداران حدود و مقرّرات خدایند و مؤمنان را [به رحمت و رضوان خدا] مژده ده.»

۳. از ملاک‌های برتری امّت اسلام

كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللهِ آل‌عمران/۱۱۰

«شما بهترین امتی هستید که[برای اصلاح جوامع انسانی] پدیدار شده‌اید، به کار شایسته فرمان می‌دهید و از کار ناپسند بازمی‌دارید و به خدا ایمان می‌آورید»

۴. نجات خانواده از آتش جهنم

يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ ناراً وَقُودُهَا النّاسُ وَالْحِجارَةُ عَلَيْها مَلائِكَةٌ غِلاظٌ شِدادٌ لا يَعْصُونَ اللهَ ما أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ ما يُؤْمَرُونَ تحریم/۶

«ای مؤمنان! خود و خانواده خود را از آتشی که هیزم آن انسان‌ها و سنگ‌ها است حفظ کنید. بر آن فرشتگانی خشن و سخت‌گیر گمارده شده‌اند که از آنچه خدا به آنان دستور داده، سرپیچی نمی‌کنند و آنچه را به آن مأمورند، همواره انجام می‌دهند.»

آمران به معروف

۱. مؤمنان اهل کتاب

لَيْسُوا سَوَآءً مِنْ اَهْلِ الْكِتابِ اُمَّةٌ قآئِمَةٌ يَتْلُونَ ءايٰاتِ اللهِ ءانآءَ اللَّيْلِ وَهُمْ يَسْجُدُونَ ﴿۱۱۳﴾ يُؤْمِنُونَ بِاللهِ وَالْيَوْمِ الْاٰخِرِ وَيَاْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ يُسارِعُونَ فِي الْخَيْراتِ وَاُولٰٓئِكَ مِنَ الصّالِحِينَ آل‌عمران/۱۱۳و۱۱۴

«یکسان نیستند، از اهل کتاب گروهی درستکار هستند، آیات خدا را در ساعاتی از شب می‌خوانند و سجده می‌کنند. به خدا و روز قیامت ایمان می‌آورند و به کار شایسته فرمان می‌دهند و از کار ناپسند بازمی‌دارند و درکارهای خیر می‌شتابند و اینان از شایستگانند.»

۲. لقمان

يا بُنَيَّ اَقِمِ الصَّلٰوةَ وَاْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَاصْبِرْ عَلٰى مآ اَصابَكَ اِنَّ ذٰلِكَ مِنْ عَزْمِ الْاُمُورِ لقمان/۱۷

«پسرکم! نماز را برپا دار و مردم را به کار پسندیده وادار و از کار زشت بازدار و بر آنچه [از مشکلات و سختی‌ها] به تو می‌رسد شکیبایی کن که اینها از اموری است که ملازمت بر آن از واجبات است.»

۳. پیامبراکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله

اَلَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْاُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرٰىةِ وَالْاِنْجِيلِ يَاْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهٰهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ اعراف/۱۵۷

«همان کسانی‌که از این رسول و پیامبر «درس نخوانده»که او را نزد خود در تورات وانجیل نگاشته می‌یابند پیروی می‌کنند؛ پیامبری‌که آنان‌را به کارهای شایسته فرمان می‌دهد و از اعمال زشت بازمی‌دارد.»

۴. مؤمنان

وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِناتُ بَعْضُهُمْ اَوْلِيآءُ بَعْضٍ يَاْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ توبه/۷۱

«مردان و زنان با ایمان دوست و یار یکدیگرند؛ همواره به کارهای شایسته فرمان می‌دهند و از کارهای زشت و ناپسند بازمی‌دارند ...»

شرایط امر به معروف و نهی از منکر

۱. تطابق گفتار با کردار

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ ۝ كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ
صف/۳-۲

«ای مؤمنان! چرا چیزی را می‌گویید که خود عمل نمی‌کنید؟ نزد خدا به شدت موجب خشم است که چیزی را بگویید که خود عمل نمی‌کنید.»

۲. شروع امر به معروف از خود

أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ وَأَنْتُمْ تَتْلُونَ الْكِتَابَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ
بقره/۴۴

«آیا مردم را به نیکی فرمان می‌دهید و خود را [در انجام دادن نیکی] فراموش می‌کنید؟ در حالی‌که کتاب می‌خوانید. آیا [به وضع زیان‌بار خود] نمی‌اندیشید؟»

۳. ضرورت ایجاد تشکیلات برای امر به معروف

وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ
آل‌عمران/۱۰۴

«و باید از شما گروهی باشند که [همه مردم را] به سوی خیر [اتحاد، اتفاق، الفت، برادری، مواسات و درستی] دعوت نمایند و به کار شایسته وادارند و از کار ناپسند بازدارند؛ یقیناً اینان رستگارند.»

۴. حکمت، موعظه، جدال نیکو

ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ
نحل/۱۲۵

«[مردم را] با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت کن و با آنان به نیکوترین شیوه به بحث [و مجادله] بپرداز، یقیناً پروردگارت به کسانی که از راه او گمراه شده‌اند و نیز به راه یافتگان داناتر است.»

۵. پرهیز از اهانت و بی‌احترامی

وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ كَذَلِكَ زَيَّنَّا لِكُلِّ أُمَّةٍ عَمَلَهُمْ
انعام/۱۰۸

«و معبودانی را که کافران به جای خدا می‌پرستند، دشنام ندهید که آنان هم از روی دشمنی و نادانی خدا را دشنام خواهند داد. این گونه برای هر امتی عملشان را آراستیم ...»

۶. ملایمت

فَقُولا لَهُ قَوْلًا لَيِّنًا لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَىٰ طه/۴۴

«پس با گفتاری نرم مسائل الهی را به او بگویید، امید است که هوشیار شود و یا بترسد.»

۷. اعراض

وَإِذَا سَمِعُوا اللَّغْوَ أَعْرَضُوا عَنْهُ وَقَالُوا لَنَا أَعْمَالُنَا وَلَكُمْ أَعْمَالُكُمْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ لَا نَبْتَغِي الْجَاهِلِينَ قصص/۵۵

«چون سخن بیهوده‌ای بشنوند، از آن روی برمی‌گردانند و می‌گویند: اعمال ما برای ما و اعمال شما برای شما، سلام بر شما [سلام متارکه]، ما خواستار [همنشینی و معاشرت با] نادانان نیستیم.»

عذاب قتل آمران به معروف

إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيِّينَ بِغَيْرِ حَقٍّ وَيَقْتُلُونَ الَّذِينَ يَأْمُرُونَ بِالْقِسْطِ مِنَ النَّاسِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ آل‌عمران/۲۱

«کسانی که پیوسته به آیات خدا کفر می‌ورزند و همواره پیامبران را ظالمانه می‌کشند و از مردم کسانی را که امر به عدالت می‌کنند به قتل می‌رسانند، آنان را به عذابی دردناك خبر ده.»

توبیخ تارکان امر به معروف

كَانُوا لَا يَتَنَاهَوْنَ عَنْ مُنْكَرٍ فَعَلُوهُ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ مائده/۷۹

«آنان یکدیگر را از کارهای زشتی که مرتکب می‌شدند باز نمی‌داشتند. مسلماً بد بود آنچه را انجام می‌دادند.»

واژه‌نامه

واژه	ترجمه	واژه	ترجمه
يُسٰارِعُونَ	می‌شتابند	يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا	آن‌را نوشته می‌یابند
اَلْآمِرُونَ	امرکنندگان	الْحِجٰارَةُ	سنگ
اَلنّٰاهُونَ	نهی کنندگان	كَبُرَ مَقْتًا	خشم بزرگ
بَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ	مؤمنان را مژده ده	تَنْسَوْنَ اَنْفُسَكُمْ	خودتان را فراموش می‌کنید
لِحُدُودِ اللّٰهِ	برای حدود خدای	اَتَأْمُرُونَ النّٰاسَ	آیا مردم را أمر می‌کنید
قُوٓا اَنْفُسَكُمْ	خودتان را حفظ کنید	بِالْبِرِّ	به نیکوکاری
وَقُودُهَا	شعله‌ور شونده آن	جٰادِلْهُمْ	با آنها بحث کن
سَيَرْحَمُهُمُ	به‌زودی مشمول رحمتشان قرارخواهد داد	بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ	به کسی‌که گمراه شد از راه او
غِلٰاظٌ	خشن	بِالْمُهْتَدِينَ	به هدایت شدگان
شِدٰادٌ	سختگیر	لا تَسُبُّوا	بدگویی نکنید
لا يَعْصُونَ	سرپیچی نمی‌کنند	فَيُنَبِّئُهُمْ	پس آنان‌را خبر دهد
ءٰانٰآءَ اللَّيْلِ	ساعات شب	قَوْلًا لَيِّنًا	سخن نرم
لَيْسُوا سَوٰآءً	برابر نیستند	يَتَذَكَّرُ اَوْ يَخْشٰى	پند پذیرد یا بترسد
يَتَّبِعُونَ	پیروی می‌کنند	لا نَبْتَغِي الْجٰاهِلِينَ	خواهان جاهلان نیستیم
اَلْاُمِّيَّ	درس ناخوانده	لا يَتَنٰاهَوْنَ	همدیگر را نهی نمی‌کردند

نکات معرفتی و تربیتی

مراتب امر به معروف و نهی از منکر

الف) انکار قلبی

مسلمانان همواره باید خواستار معروف و بیزار از منکر باشند و این خصلت در آنها نهادینه شده باشد، چرا که دوستی معروف و نفرت از منکر، از پایه‌های مسلمانی است و آن‌که معروف و منکر برایش یکسان و به آنها بی‌اعتناست، مسلمان نیست. اما این مرتبه خود جلوه‌ها و درجات گوناگونی دارد، به عنوان مثال مؤمن باید به هر شکل ممکن، علاقه‌مندی قلبی خود را به معروف و نفرت خود را از منکر نشان دهد و این حداقل انتظاری است که از او می‌رود.

ب) انکار زبانی

گاه ممکن است شخص از امر به معروف و نهی از منکر در سطح نخست؛ یعنی انکار قلبی نتیجه نگیرد، در اینجا لازم است با تذکر زبانی از تارک معروف و عامل به منکر بخواهیم دست از این رفتار بردارد.

ج) اقدام عملی

مرحله سوم عملی است. گاهی شخصی نه اعراض و نه زبان و بیان، بر او تأثیر نمی‌گذارد، در اینجا باید از راه عمل وارد شد. وارد عمل شدن تنها اعمال به زور و کتك زدن و مجروح کردن نیست، بلکه اعمال تنبیه عملی در موارد جائز آن از شئون حکومت اسلامی است و شهروندان جامعه اسلامی از پیش خود حق اعمال این تنبیهات را ندارند. امر به معروف عملی این است که نباید تنها به گفتن قناعت کرد و فکر کرد که همه چیز با گفتن درست می‌شود. گفتن، شرط لازم است ولی کافی نیست. باید عمل کرد و آنچه مربوط به شهروندان است برخورد عملی غیرمستقیم است.[1]

---

۱. حماسه حسینی، ج۲، صص ۱۹۷-۱۹۳.

آثار مثبت امر به معروف و نهی از منکر

این فریضه‌ی الهی به عنوان مهمترین و ارزنده‌ترین پدیده‌ی اجتماعی، آثار و برکات اجتماعی و فردی بسیاری دارد که با استفاده از روایات اسلامی به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱. اجرای احکام و فرایض الهی: «... بِها تُقَامُ الفرائِضُ...»

۲. تحقق عدالت اجتماعی: «أَنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْیَ عَنِ الْمُنْکَرِ دُعَاءٌ إِلَی الْإِسْلَامِ مَعَ رَدِّ الْمَظَالِمِ وَ مُخَالَفَةِ الظَّالِمِ»[1] «امربه معروف و نهی از منکر دعوت به اسلام همراه با رد مظالم و مخالفت با ظالم است.»

۳. نوسازی و آبادانی جامعه: «إِنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْیَ عَنِ الْمُنْکَرِ... بِهاتُعْمَرُ الْأَرْض»[2]

٤. تثبیت حکومت اسلامی: «إِنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْیَ عَنِ الْمُنْکَرِ... بِها یستَقیمُ الامرُ»[3]

۵. نزول خیر و برکت: پیامبر اکرم ﷺ: «لَا تَزَالُ أُمَّتِی بِخَیْرٍ مَا أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَوْا عَنِ الْمُنْکَر» «امت من تا زمانی که امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند در خیر و برکت هستند.»[4]

٦. شکست جبهه‌ی نفاق: حضرت علی علیه‌السلام می‌فرماید: «من نَهی عن المنکرِ اَرغَمَ اُنُوفَ المنافقین» «کسی که نهی از منکر می‌کند بینی منافقین را به خاک می‌مالد...»[5]

۷. گسترش راه‌های کسب حلال: «إِنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْیَ عَنِ الْمُنْکَرِ...تَحِلُّ المکاسب»[6]

۸. تحقق مصلحت عمومی جامعه و طرد نااهلان: «لاتَترُکُوا امرَ بِالمَعروفِ وَ النهیَ عنِ المُنکَرِ فَیُوَلّی عَلیکُم شِرارُکُم ثمَّ تَدعُونَ و لا یُستَجابُ لَکم»[7] «امر به معروف و نهی کردن از منهیات را ترک نکنید که اگر ترک نمائید، اشرار و بدکرداران شما، بر شما حاکم گردند پس دعا می‌کنید به درگاه خدا و مستجاب نمی‌شود.»

---

۱. وسائل الشیعه، ج١٦، ص ۱۳۰.

۲. عوالی اللئالی العزیزیة فی الأحادیث الدینیة، ج۳، ص ۱۸۹.

۳. الکافی، ج۵، ص٥٦.

٤. مستدرک الوسایل، ج۱۲، ص۱۸۱.

۵. نهج البلاغه، حکمت ۳۱.

٦. الکافی، ج ۵، ص ٥٦.

۷. نهج البلاغه، حکمت ۲۵۲.

پرسش‌های درس

۱. از جمله آثار امر به معروف و نهی از منکر قرار گرفتن انسان در زمره مؤمنان است، آیه مربوطه را ذکر کنید.

۲. آیات مربوط به آمران به معروف در قرآن را تلاوت نمایید.

۳. قرآن کریم تارکان امر به معروف و نهی از منکر را توبیخ می‌کند آیه مربوطه را تلاوت کنید.

٤. شرایط امر به معروف و نهی از منکر را ذکر کنید و آیات بیانگر آن را بیان کنید.

٥. مفهوم واژه‌های زیر را بیان نمایید.

«كَبُرَ مَقْتًا»	«غِلَاظٌ»	«شِدَادٌ»
«جَادِلْهُمْ»	«ءَانَآءَ اللَّيْلِ»	«لَا تَسُبُّوا»

٦. مراتب امر به معروف و نهی از منکر را شرح دهید.

درس هشتم

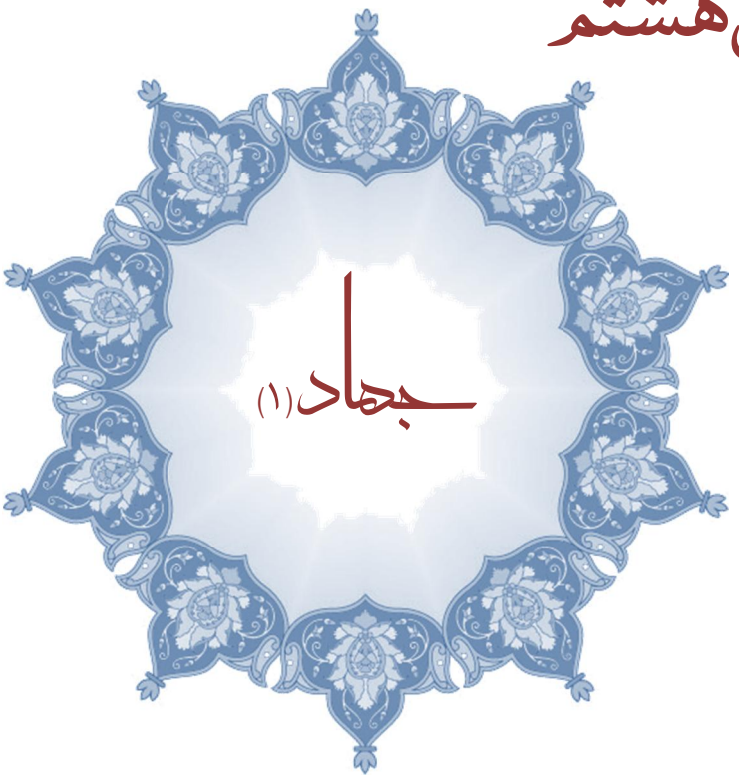

اهداف درس

آشنایی با اهمیت جهاد در قرآن و حفظ آیات مربوطه

شناخت اقسام جهاد و آداب آن از دیدگاه قرآن و حفظ آیات مربوطه

آگاهی از آیات مربوط به احکام جهاد و حفظ آیات مربوطه

آشنایی با آثار جهاد و حفظ آیات مربوط به آن

شناخت کلی حق جهاد

شناخت جهاد دفاعی و ابتدایی

نمودار درس

جهاد (۱)
اهمیت جهاد
جهاد در راه خدا، معامله‌ای ارزشمند با خدا/ توبه، ۱۱۱
برتری جهاد در راه خدا بر آب دهی حاجیان و آبادانی مسجدالحرام/ توبه، ۱۹
جهاد در راه خدا، تجارتی سودمند برای مؤمنان/ صف، ۱۰و۱۱
ترس منافقان از اسم جهاد/ محمد، ۲۰
اقسام جهاد
جهاد با سرکشان از اهل کتاب/ توبه، ۲۹
جهاد با اهل بغی/ حجرات، ۹
جهاد ابتدایی با کافران حربی/ توبه،۱۲؛ فرقان، ۵۲
جهاد با منافقان/ توبه، ۷۳؛ تحریم، ۹
آداب جهاد
به جا آوردن حق جهاد/ حج،۷۸
نظم و صلابت نیروها در میدان جهاد/ صف،۴
آمادگی کامل در برابر دشمن/ انفال،۶۱
احکام جهاد
وجوب جهاد/ بقره،۲۱۶
وجوب مقابله به مثل و جهاد دفاعی با دشمنان متجاوز/ بقره، ۱۹۱
پرهیز از پشت کردن به دشمن و فرار از جهاد/ انفال، ۱۵
حرمت تعدی از احکام و مقررات جهاد/ بقره، ۱۹۰
آثار جهاد
قرار گرفتن در زمره صابران/ آل عمران، ۱۴۶
پاک شدن گناهان/ آل‌عمران، ۱۹۵
مایه خیر و برکت برای مؤمنان/ نساء، ۶۶
ذلت و خواری دشمنان و نصرت مؤمنان/ توبه، ۱۴
رستگاری/ توبه، ۸۸
بهره‌گیری از مغفرت الهی و روزی ارجمند/ انفال، ۷۴
مصونیت جامعه اسلامی از تعرض کافران/ نساء،۸۴
دستیابی به هدایت خاص الهی/ عنکبوت، ۶۹
دستیابی به پاداش عظیم/ نساء، ۷۴
شهادت و متنعم شدن نزد حق تعالی/ آل عمران، ۱۶۹

دیباچه

دین اسلام دین صلح، سعادت و رستگاری است و پیامبر آن، پیامبر رحمت و مهربانی است که با جمله «قُولُوا لا إِلهَ إِلَّا اللهُ تُفْلِحُوا»[1] همه مردم را از جهالت، بت‌پرستی و نژادگرایی و شرك، به فطرت و آزادی، سعادت و رستگاری دعوت نمود. بدیهی است که در پرتو این روشنگری توحیدی، ظالمان و ستمگران که موقعیت سیاسی و اجتماعی و اقتصادی آنان در معرض خطر قرار می‌گرفت، سعی می‌کردند در برابر ندای توحید و عدالتگرانه پیامبر اسلام مقاومت کرده و مانع تراشی کنند؛ از این‌رو، قانون جهاد به عنوان سدی در مقابله با آن زورمداران و زرداران قرار داده شده است. به همین دلیل قرآن کریم در سوره صف جهاد در راه خدا را امری ارزشمند تلقی و آن را تجارتی سودمند برای مؤمنان بر می‌شمارد.

خداوند در قرآن به مسلمین دستور می‌دهد که با کافران و اهل بغی و منافقین و سران کفر و... جهاد کنند تا اینکه آنان مطیع دین مبین اسلام و دستورات آن شوند. لزوم اتّحاد در جهاد، به جا آوردن حق جهاد، نظم نیروها در میدان جهاد و عدم پشت کردن به دشمن و فرار از جهاد از جمله آداب و شرایط جهاد است که قرآن کریم به مؤمنان در لابلای آیات خود به آن‌ها گوشزد کرده و آنان را از تفرقه و تشتت و عدم اطاعت از دستور پیامبر در میدان نبرد نهی می‌کند. قرآن در سوره فتح آنانی را که از جهاد روی برمی‌گردانند وعده عذاب دردناك داده است.

جهاد کردن در راه خدا علاوه بر اینکه جامعه اسلامی را از تعرّض کافران مصون می‌دارد و سبب خواری و ذلّت دشمنان و نصرت و پیروزی مؤمنان می‌شود، آثار و برکات بسیاری برای فرد مجاهد نیز به همراه دارد؛ مانند بهره‌مندی از مغفرت الهی و روزی ارزشمند، خیر و برکت برای مؤمنان، پاك شدن گناهان، قرارگرفتن در زمره صابران. همچنین کسانی که در راه خدا شهید می‌شوند، قرآن آنان را زنده جاوید معرفی می‌کند که در نزد حق تعالی متنعم به نعمت‌های بهشتی هستند که این موضوع جایگاه رفیع و عظیم شهیدان راه خدا را نشان می‌دهد.

---

۱. بحار الأنوار، ج۱۸، ص ۲۰۲.

آیات و ترجمه

اهمیت جهاد

۱. جهاد در راه خدا، امری ارزشمند

اِنَّ اللّٰهَ اشْتَرٰی مِنَ الْمُؤْمِنِینَ اَنْفُسَهُمْ وَاَمْوٰالَهُمْ بِاَنَّ لَهُمُ الْجَنَّةَ یُقٰاتِلُونَ فِی سَبِیلِ اللّٰهِ فَیَقْتُلُونَ وَیُقْتَلُونَ وَعْدًا عَلَیْهِ حَقًّا فِی التَّوْرٰىةِ وَالْاِنْجِیلِ وَالْقُرْءٰانِ وَمَنْ اَوْفٰی بِعَهْدِهٖ مِنَ اللّٰهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِبَیْعِکُمُ الَّذِی بٰایَعْتُمْ بِهٖ وَذٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِیمُ توبه/۱۱۱

«یقیناً خدا از مؤمنان جان‌ها و اموالشان را به بهای آن که بهشت برای آنان باشد خریده؛ همان کسانی که در راه خدا پیکار می‌کنند، پس [دشمن را] می‌کشند و کشته می‌شوند [خدا آنان را] بر عهده خود در تورات و انجیل و قرآن وعده‌ای حق و چه کسی به عهد و پیمانش از خدا وفادارتر است؟ پس به این داد و ستدی که انجام داده‌اید، خوشحال باشید و این است کامیابی بزرگ.»

۲. جهاد در راه خدا، تجارتی سودمند برای مؤمنان

یٰا اَیُّهَا الَّذِینَ ءٰامَنُوا هَلْ اَدُلُّکُمْ عَلٰی تِجٰارَةٍ تُنْجِیکُمْ مِنْ عَذٰابٍ اَلِیمٍ ﴿۱۰﴾ تُؤْمِنُونَ بِاللّٰهِ وَرَسُولِهٖ وَتُجٰاهِدُونَ فِی سَبِیلِ اللّٰهِ بِاَمْوٰالِکُمْ وَاَنْفُسِکُمْ ذٰلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ اِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ صف/۱۰و۱۱

«ای اهل ایمان! آیا شما را به تجارتی راهنمایی کنم که شما را از عذابی دردناك نجات می‌دهد؟ به خدا و پیامبرش ایمان آورید و با اموال و جان‌هایتان در راه خدا جهاد کنید؛ این [ایمان و جهاد] اگر [به منافع فراگیر و جاویدان آن] معرفت داشتید، برای شما [از هر چیزی] بهتر است.»

۳. برتری جهاد در راه خدا، بر آب‌دهی به حاجیان و آبادانی مسجدالحرام

اَجَعَلْتُمْ سِقٰایَةَ الْحٰآجِّ وَعِمٰارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرٰامِ کَمَنْ ءٰامَنَ بِاللّٰهِ وَالْیَوْمِ الْاٰخِرِ وَجٰاهَدَ فِی سَبِیلِ اللّٰهِ لٰا یَسْتَوُونَ عِنْدَ اللّٰهِ وَاللّٰهُ لٰا یَهْدِی الْقَوْمَ الظّٰالِمِینَ توبه/۱۹

«آیا آب دادن به حاجیان و آباد کردن مسجدالحرام را مانند کسی قرار داده‌اید که به خدا و روز قیامت ایمان آورده و در راه خدا جهاد کرده است؟! نزد خدا برابر و یکسان نیستند و خدا گروه ستمکاران را هدایت نمی‌کند.»

۴. ترس منافقان از اسم جهاد

وَيَقُولُ الَّذِينَ ءَامَنُوا لَوْلا نُزِّلَتْ سُورَةٌ فَإِذَآ أُنزِلَتْ سُورَةٌ مُحْكَمَةٌ وَذُكِرَ فِيهَا الْقِتَالُ رَأَيْتَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ يَنظُرُونَ إِلَيْكَ نَظَرَ الْمَغْشِيِّ عَلَيْهِ مِنَ الْمَوْتِ فَأَوْلَىٰ لَهُمْ محمّد/۲۰

«مؤمنان می‌گویند: چرا سوره‌ای نازل نمی‌شود؟ ولی هنگامی‌که سوره‌ای محکم و بی‌شبهه نازل می‌شود و در آن از جهاد سخن به میان آمده است، آنان را که در دل‌هایشان بیماری است، می‌بینی مانند کسی که در بیهوشی مرگ افتاده، به تو می‌نگرند و سزاوارشان هم همین حالت است.»

اقسام جهاد

۱. جهاد با اهل‌بغی

وَإِن طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا فَإِن بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَىٰ فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّىٰ تَفِيءَ إِلَىٰ أَمْرِ اللَّهِ فَإِن فَاءَتْ فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ حجرات/۹

«و اگر دو گروه از مؤمنان با یکدیگر بجنگند میان آنان آشتی برقرار کنید و اگر یکی از آن دو گروه بر دیگری تجاوز کند، با آن گروهی که تجاوز می‌کند، بجنگید تا به حکم خدا باز گردد و چون بازگشت، میانشان به عدالت آشتی برقرار کنید و همواره دادگری پیشه سازید که خدا دادگران را دوست دارد.»

۲. جهاد با سرکشان از اهل‌کتاب

قَاتِلُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَا يُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَلَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَتَّىٰ يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَن يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ توبه/۲۹

«با کسانی از اهل‌کتاب که به خدا و روز قیامت ایمان نمی‌آورند و آنچه‌را خدا و پیامبرش حرام کرده‌اند، حرام نمی‌شمارند و دین حق‌را نمی‌پذیرند، بجنگید تا به اختیار خود در حالی‌که متواضع و فروتن‌اند جزیه بپردازند.»

۳. جهاد ابتدایی با کافران حربی

وَإِن نَّكَثُوا أَيْمَانَهُم مِّن بَعْدِ عَهْدِهِمْ وَطَعَنُوا فِي دِينِكُمْ فَقَاتِلُوا أَئِمَّةَ الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَا أَيْمَانَ لَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَنتَهُونَ توبه/۱۲

«و اگر پیمان‌هایشان را پس از تعهدشان شکستند و در دین شما زبان به عیب جویی گشودند، در این صورت با پیشوایان کفر بجنگید که آنان را هیچ تعهدی نیست، بجنگید تا بازایستند.»

فَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَجَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا فرقان/۵۲

«پس کافران را فرمان مبر و به وسیله این [قرآن] با آنان جهاد [ی فرهنگی و تبلیغی] کن.»

۴. جهاد با منافقان

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ وَمَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ
توبه/۷۳ و تحریم/۹

«ای پیامبر! با کافران و منافقان به جهاد برخیز و نسبت به آنان سخت‌گیری کن جایگاهشان دوزخ است و دوزخ عاقبت بدی است.»

آداب جهاد

۱. به جا آوردن حق جهاد

وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ حج/۷۸

«و در راه خدا چنان که شایسته جهاد است، جهاد کنید.»

۲. نظم و صلابت نیروها در میدان جهاد

إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَأَنَّهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُوصٌ صف/۴

«خدا کسانی را دوست دارد که صف‌زده در راه او جهاد می‌کنند گویی بنایی پولادین و استوارند.»

۳. آمادگی کامل در برابر دشمن

وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخَرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ انفال/۶۰

«و در برابر آنان آنچه در قدرت و توان دارید از نیرو [و نفرات و ساز و برگ جنگی] و اسبان ورزیده [برای جنگ] آماده کنید تا به وسیله آنها دشمن خدا و دشمن خودتان ودشمنانی غیر ایشان را که نمی‌شناسید، ولی خدا آنان را می‌شناسد بترسانید.»

احکام جهاد

۱. وجوب جهاد

كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتالُ وَهُوَ كُرْهٌ لَكُمْ وَعَسىٰ اَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَعَسىٰ اَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَكُمْ وَاللّٰهُ يَعْلَمُ وَاَنْتُمْ لا تَعْلَمُونَ بقره/۲۱۶

«جنگ بر شما مقرّر شده و حال آن که برایتان ناخوشایند است و بسا چیزی را خوش ندارید و آن برای شما خیر است و بسا چیزی را دوست دارید و آن برای شما زیان دارد و خدا می‌داند و شما نمی‌دانید.»

۲. وجوب مقابله به مثل و جهاد دفاعی با دشمنان متجاوز

وَاقْتُلُوهُمْ حَيْثُ ثَقِفْتُمُوهُمْ وَاَخْرِجُوهُمْ مِنْ حَيْثُ اَخْرَجُوكُمْ وَالْفِتْنَةُ اَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ وَلا تُقاتِلُوهُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرامِ حَتّىٰ يُقاتِلُوكُمْ فِيهِ فَاِنْ قاتَلُوكُمْ فَاقْتُلُوهُمْ كَذٰلِكَ جَزاءُ الْكافِرِينَ بقره/۱۹۱

«و آنان را هر کجا یافتید، به قتل برسانید و از جایی که شما را بیرون کردند بیرونشان کنید و فتنه از قتل وکشتار بدتر است و کنار مسجدالحرام با آنان نجنگید مگر آن که در آنجا با شما بجنگند؛ پس اگر با شما جنگیدند، آنان را به قتل برسانید که پاداش و کیفر کافران همین است.»

۳. پرهیز از پشت کردن به دشمن و فرار از جهاد

يا اَيُّهَا الَّذِينَ ءامَنُوا اِذا لَقِيتُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا زَحْفًا فَلا تُوَلُّوهُمُ الْاَدْبارَ انفال/۱۵

«ای اهل ایمان! هنگامی‌که با کافران در حالی که بر ضد شما لشکرکشی می‌کنند روبرو می‌شوید، به آنان پشت نکنید [و نگریزید.]»

۴. حرمت تعدّی از احکام و مقرّرات جهاد

وَقاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللّٰهِ الَّذِينَ يُقاتِلُونَكُمْ وَلا تَعْتَدُوا اِنَّ اللّٰهَ لا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ بقره/۱۹۰

«و در راه خدا با کسانی که با شما می‌جنگند بجنگید و [هنگام جنگ از حدود الهی] تجاوز نکنید که خدا تجاوزکاران را دوست ندارد.»

آثار جهاد

۱. قرار گرفتن در زمره صابران

وَكَأَيِّن مِّن نَّبِيٍّ قَاتَلَ مَعَهُ رِبِّيُّونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ آل‌عمران/۱۴۶

«چه بسا پیامبرانی که انبوهی دانشمندانِ الهی مسلك به همراه او با دشمنان جنگیدند، پس در برابر آسیب‌هایی که در راه خدا به آنان رسید، سستی نکردند و ناتوان نشدند و سر تسلیم فرود نیاوردند و خدا شکیبایان را دوست دارد.»

۲. پاک شدن گناهان

فَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَأُخْرِجُوا مِن دِيَارِهِمْ وَأُوذُوا فِي سَبِيلِي وَقَاتَلُوا وَقُتِلُوا لَأُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَأُدْخِلَنَّهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ثَوَابًا مِّنْ عِندِ اللَّهِ آل‌عمران/۱۹۵

«مسلماً کسانی که هجرت کردند و از خانه‌هایشان رانده شدند و در راه من آزار دیدند و جنگیدند و کشته شدند، قطعاً بدی‌هایشان را محو خواهم کرد و آنان را به بهشت‌هایی که از زیرِ [درختانِ] آن نهرها جاری است، وارد می‌کنم [که] پاداشی است از سوی خدا...»

۳. مایه خیر و برکت برای مؤمنان

وَلَوْ أَنَّا كَتَبْنَا عَلَيْهِمْ أَنِ اقْتُلُوا أَنفُسَكُمْ أَوِ اخْرُجُوا مِن دِيَارِكُم مَّا فَعَلُوهُ إِلَّا قَلِيلٌ مِّنْهُمْ وَلَوْ أَنَّهُمْ فَعَلُوا مَا يُوعَظُونَ بِهِ لَكَانَ خَيْرًا لَّهُمْ وَأَشَدَّ تَثْبِيتًا نساء/۶۶

«و اگر بر آنان مقرّر می‌کردیم که خودکشی کنید، یا از دیار و کاشانه خود بیرون روید، جز اندکی از آنان انجام نمی‌دادند و اگر آنچه را که به آن پند داده می‌شوند عمل می‌کردند، مسلماً برای آنان بهتر و در [جهت تثبیت ایمان و] استواری قدم، مؤثرتر و قوی‌تر بود.»

۴. ذلّت و خواری دشمنان و نصرت مؤمنان

قَاتِلُوهُمْ يُعَذِّبْهُمُ اللَّهُ بِأَيْدِيكُمْ وَيُخْزِهِمْ وَيَنصُرْكُمْ عَلَيْهِمْ وَيَشْفِ صُدُورَ قَوْمٍ مُّؤْمِنِينَ توبه/۱۴

«با آنان بجنگید تا خدا آنان را به دست شما عذاب کند و رسوایشان نماید و شما را بر آنان پیروزی دهد و سینه‌های [پر سوز و غم] مردم مؤمن راشفا بخشد.»

۵. رستگاری

لٰكِنِ الرَّسُولُ وَالَّذِينَ ءامَنُوا مَعَهُ جاهَدُوا بِأَمْوالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ وَأُولٰئِكَ لَهُمُ الْخَيْراتُ وَأُولٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ توبه/۸۸

«ولی پیامبر و کسانی که با او ایمان آوردند با اموال و جان‌هایشان جهاد کردند، اینانند که همه خیرات [دنیا و آخرت] برای آنان است و اینانند که بر موانع راه سعادت پیروزند.»

۶. بهره‌مندی از مغفرت الهی و روزی ارجمند

وَالَّذِينَ ءامَنُوا وَهاجَرُوا وَجاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللهِ وَالَّذِينَ ءاوَوا وَنَصَرُوا أُولٰئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ انفال/۷۴

«و کسانی که ایمان آوردند و هجرت کردند و در راه خدا جهاد نمودند و آنان که مهاجران را پناه دادند و یاری کردند، مؤمنان حقیقی فقط آنانند، برای آنان آمرزش و رزق باارزشی است.»

۷. مصونیّت جامعه اسلامی از تعرّض کافران

فَقاتِلْ فِي سَبِيلِ اللهِ لا تُكَلَّفُ إِلّا نَفْسَكَ وَحَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَسَى اللهُ أَنْ يَكُفَّ بَأْسَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَاللهُ أَشَدُّ بَأْسًا وَأَشَدُّ تَنْكِيلًا نساء/۸۴

«پس در راه خدا به جنگ برخیز. تو فقط به خودت مکلّف می‌باشی و مؤمنان را تشویق کن؛ امید است خدا آسیب و گزند، کافران را بازدارد و خداست که صولت و قدرتش شدیدتر و عذاب و کیفرش سخت‌تر است.»

۸. دستیابی به هدایت خاصّ الهی

وَالَّذِينَ جاهَدُوا فِينا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنا وَإِنَّ اللهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ عنکبوت/۶۹

«کسانی که برای ما کوشیدند، بی‌تردید آنان را به راه‌های خود راهنمایی می‌کنیم؛ یقیناً خدا با نیکوکاران است.»

۹. دستیابی به پاداشی عظیم

فَلْيُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَشْرُونَ الْحَيَوٰةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ ۚ وَمَنْ يُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيُقْتَلْ أَوْ يَغْلِبْ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا نساء/۷۴

«باید کسانی که می‌خواهند زندگیِ زودگذرِ دنیا را با سرای جاویدان آخرت مبادله می‌کنند، در راه خدا بجنگند و هر که در راه خدا بجنگد و کشته شود، یا بر دشمن پیروز گردد، نهایتاً پاداش بزرگی به او خواهیم داد.»

۱۰. شهادت و متنعم شدن نزد حق تعالی

وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا ۚ بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ آل‌عمران/۱۶۹

«هرگز گمان مبر آنان که در راه خدا کشته‌شدندمردگانند، بلکه زنده‌اند و نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند.»

واژه نامه

واژه	ترجمه	واژه	ترجمه
اِشْتَرىٰ	خرید	يَدِينُونَ	خضوع می‌کنند
فَاسْتَبْشِرُوا	پس شاد باشید	هُمْ صاٰغِرُونَ	آنها کوچکند
بِبَيْعِكُمُ	بمعامله خودتان	يُعْطُوا الْجِزْيَةَ	جزیه را بدهند
اَلْفَوْزُ الْعَظِيمُ	پیروزی بزرگ	نَكَثُوٓا	شکستند
اَدُلُّكُمْ	شما را راهنمایی کنم	طَعَنُوا	طعن زدند
تُنْجِيكُمْ	شما رارهایی می‌بخشد	يَنْتَهُونَ	خودداری کنند
حَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ	مؤمنین را ترغیب کن	مَأْوٰهُمْ جَهَنَّمُ	مسکن آنان جهنّم است
سِقاٰيَةَ الْحَآجِّ	آب دادن حاجیان	بِئْسَ الْمَصِيرُ	بد بازگشتی است
عِماٰرَةَ	آباد کردن	بُنْيانٌ مَرْصُوصٌ	بنایی آهنین
لاٰ يَسْتَوُونَ	یکسان نیستند	ثَقِفْتُمُوهُمْ	آنها را یافتید
اَلْمَغْشِيِّ	بیهوشی	زَحْفًا	جمع شده، انبوه
طآئِفَتاٰنِ	دوگروه	رِبِّيُّونَ	مردان الهی
فآءَتْ	برگشت	ءاٰوَوْا	جادادند
تَبْغِي	تعدّی می‌کند	اَشَدُّ تَنْكِيلاً	عقوبت شدیدتر
اَلْمُقْسِطِينَ	دادگران	تُجاٰهِدُونَ	جهاد کنید

نکات معرفتی و تربیتی

جهاد دفاعی و ابتدایی

جهاد به صورت کلی به دو نوع دفاعی و ابتدایی تقسیم می‌گردد. جهاد دفاعی، جنگ و مبارزه‌ای است که در صورت تجاوز دشمن به حریم مسلمین، واجب و لازم می‌گردد و آیات متعدد قرآن به آن دستور داده است. در جهاد ابتدایی، مسلمانان به منظور گسترش دین اسلام در سرزمین‌های کفر، اعتلای کلمه‌ی توحید، برقراری احکام اسلامی و نجات انسانها از گمراهی و نادانی به جهاد برمی‌خیزند. این حرکت جهادی در پاسخ به حمله و هجوم دشمن صورت نمی‌گیرد، بلکه با هدف عرضه‌ی دین اسلام به کافران و گسترش این آیین نجات‌بخش در سراسر جهان تحقق می‌پذیرد. برخی از فقها جهاد ابتدایی را تنها در زمان پیامبر علیه‌السلام یا امام معصوم صلی‌الله‌علیه‌وآله ممکن می‌دانند و انجام آن را بدون اجازه معصوم خطا می‌دانند.

در جهاد ابتدایی شرایطی مانند بلوغ، عقل، آزاد بودن، مرد بودن، سلامت از انواع بیماریها و تمکن و قدرت بر ادای نفقه وجود دارد، امّا در جهاد دفاعی بسیاری از این شرایط وجود ندارد، زیرا هدف از این جهاد، دفاع هر چه سریعتر و بیشتر از مبانی اسلام و آبرو و شرف جامعه‌ی اسلامی و مسلمانان است. بنابراین در جهاد دفاعی شرایط آسانتر شده است تا عده‌ی بیشتری از مردم را شامل شود و مسلمانان با تمام امکانات و نیروی خود از دین، جان و ناموس خود در برابر دشمنان تجاوزگر دفاع کنند و با آنان به مبارزه برخیزند.

جهاد در صدر اسلام

در صدر اسلام جنگ‌ها غالباً دفاعی بود و مسلمانان معمولاً در جنگ‌ها پیشقدم نمی‌شدند، بلکه همواره به دفاع از خود می‌پرداختند و هنگامی که دشمن از جنگ دست برمی‌داشت، آنان نیز از جنگ کنار می‌رفتند و به نشر دین اسلام و تربیت و تهذیب انسانهای مؤمن می‌پرداختند.

پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله در جنگ خیبر و فتح مکه نیز برای رفع توطئه و از بین بردن شرک و بت‌پرستی جنگ را آغاز کردند. در جنگ خیبر، یهودیان که کافر حربی بودند، علیه اسلام توطئه و مردم را به جنگ با مسلمانان ترغیب و تشویق می‌کردند. در آن شرایط، پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله لازم دیدند که برای نابودی توطئه، اقدام کنند و دست دشمنان دین را کوتاه نمایند. در فتح مکه نیز

پیامبر ﷺ برای اینکه کافران قریش را از حمله به مسلمانان باز دارد و نیز برای از بین بردن و رفع شرک و بت‌پرستی جهاد کردند.

مفهوم جهاد با منافقین

هر چند منافقین در واقع کافر و چون از راه کید و مکر وارد شده و کارشکنی می‌کنند، حتی از کفار هم خطرناك‌ترند، لیکن آیات جهاد آنان را شامل نمی‌شود، برای اینکه منافقان تظاهر به کفر و دشمنی نداشته، در عوض از سایر مسلمانان هم خود را مسلمان‌تر جلوه می‌دهند و با این حال دیگر معنا ندارد که با آنها جهاد شود و لذا چه بسا از استعمال جهاد در خصوص منافقین این معنا به ذهن برسد که منظور از آن هر رفتاری است که مطابق مقتضای مصلحت باشد. بنابراین معنای جهاد با منافقین مقاومت در برابر کارشکنی‌ها و نقشه‌کشی‌های ایشان است، بهر وسیله‌ای که مصلحت باشد و چه بسا جمله «وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ» در ادامه جمله «جاهِدِ الْكُفّارَ وَالْمُنافِقِينَ» شاهد بر این معنا باشد که مقصود از جهاد غلظت و خشونت است.[1]

حق جهاد

بیشتر مفسرین معتقدند که مقصود از جهاد در راه خدا در آیه «وَجاهِدُوا فِي اللهِ حَقَّ جِهادِهِ»[2]، همه کارهای نیك و عبادت است و گفته شده حق جهاد این است که کارها را به نیت خالص و صادق انجام دهیم. برخی گفتند منظور این است که خدا را اطاعت کنند و هیچگاه معصیتش نکنند. اما برخی دیگر گفتند منظور از جهاد، شمشیر زدن در راه خدا و جنگ با کافران است. همچنین گفته شده که منظور، جهاد با نفس است.[3]

به نظر می‌رسد مراد از جهاد در این آیه عام باشد و همه را شامل شود، چون این آیه جهاد را بر کاری که در راه خدا انجام شود متعلق کرده است به خوبی این عمومیت برداشت می‌شود. باز مؤید این احتمال آیه ﴿وَالَّذِينَ جاهَدُوا فِينا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنا وَإِنَّ اللهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ﴾[4] است که جهاد به معنای جهاد خالص می‌باشد.[5]

---

۱. المیزان في تفسیر القرآن، ج۹، ص ۳۳۹.
۲. حج، ۷۸.
۳. مجمع البیان في تفسیر القرآن، ج۷، ص ۱۵٤.
٤. عنکبوت، ٦۹.
۵. المیزان في تفسیر القرآن، ج۱٤، صص٤۱۱- ٤۱۲.

۱.سه آیه در مورد اهمیت جهاد را تلاوت کنید.

۲.آیه مربوط به جهاد ابتدایی با کافران حربی را ذکر کنید.

۳.آیه ای در خصوص پرهیز از پشت کردن به دشمن و فرار از جهاد را تلاوت کنید.

٤.با توجه به ترجمه «کسانی که برای [به دست آوردن خشنودی] ما کوشیدند، بی‌تردید آنان را

٥.به راه‌های خود راهنمایی می‌کنیم؛ یقیناً خدا با نیکوکاران است.» آیه مربوطه را تلاوت کنید.

٦.معنای کلمات زیر را بیان کنید.

«حَرِّضِ» «زَحۡفًا» «نَكَثُوٓاْ» «فَآءَتۡ»

۷.مقصود از جهاد با منافقان چیست؟

درس نهم

اهداف درس

آشنایی با اهداف جهاد از منظر قرآن کریم و حفظ آیات مربوطه

آگاهی از عوامل شکست و پیروزی در جهاد در قرآن و حفظ آیات مربوطه

شناخت آیات مربوط به عواقب تخلف از جهاد و حفظ آیات مربوطه

آشنایی با معذوران از جهاد و موانع جهاد در قرآن و حفظ آیات مربوطه

درک مقصود از جهاد با جهل و دشمن و نفس

نمودار درس

جهاد (۲)
اهداف جهاد
آزادی مستضعفان و محو شرک و بت‌پرستی/ نساء، ۷۵
برپایی حق و نابودی باطل/ انفال، ۷و۸
دفاع از مظلومان/ حج، ۳۹و ۴۰
دفع فساد و تجاوز از میان جامعه بشری/ بقره، ۲۵۱
رفع فتنه و گسترش اسلام/ انفال، ۳۹
از بین بردن پشتوانه نظامی دشمنان و اصل بازدارندگی/ انفال، ۵۷
عوامل پیروزی در جهاد
آرامش قلبی رزمندگان/ انفال، ۱۰
استواری و ثبات قدم/ انفال، ۴۵
امداد و نصرت الهی/ آل عمران، ۱۲۵و ۱۲۶
اطاعت از رهبری/ انفال، ۴۶
ایجاد ترس در دل دشمنان/ آل‌عمران، ۱۵۱؛ انفال، ۱۲
توکل مؤمنان بر خداوند/آل‌عمران، ۱۷۳
دعا و مددخواهی از خدا/ بقره، ۲۵۰
صبر رزمندگان/ انفال، ۶۶
سرسختی با دشمنان/ توبه، ۱۲۳
ایمان به تدبیر الهی/انفال، ۱۷
عواقب تخلف از جهاد
باعث نابودی و سقوط جامعه/ توبه، ۳۸و ۳۹
قرار گرفتن در آستانه کفر/ آل‌عمران، ۱۶۷
کوردلی و ناتوانی از فهم حقایق/ توبه، ۹۳
گرفتاری در عذاب دردناک/ فتح، ۱۶
عوامل شکست در جهاد
اختلاف و نزاع در صحنه نبرد/ آل‌عمران، ۱۵۲
سستی در کار جهاد/ انفال، ۴۳
خوف در صحنه جهاد/ آل‌عمران، ۱۵۳
معذوران از جهاد
افراد ضعیف و فاقد ابزار و امکانات رزمی/ توبه، ۹۱
افراد لنگ و بیمار و نابینا/ فتح، ۱۷
موانع جهاد
علاقه به مادیات/ توبه، ۲۴

دیباچه

از آیات قرآن و احادیث پیشوایان معصوم علیهم‌السلام به روشنی آشکار می‌شود که هدف اصلی جهاد اسلامی، برپایی حق و نابودی باطل، برداشتن فتنه از جامعه، برقراری آیین الهی، نشر توحید و خداپرستی، پیاده کردن احکام نجات‌بخش اسلام، آزادی مستضعفان و محو شرك و بت‌پرستی است. قرآن کریم به هدف اصلی جهاد و مبارزه تأکید فراوان کرده است و جهاد اسلامی را از سایر جنگها متمایز می‌کند و از آن به عبارت «فِي سَبِيلِ اللهِ» یاد نموده که این واژه بارها تکرار و بر آن تأکید شده است.

برای پیروزی مسلمین در صحنه جنگ و نبرد علیه دشمنان دین خدا، قرآن کریم علاوه بر تأکید در تهیه ساز و برگ نظامی به نکات مهمی دیگری همچون اطاعت از فرمانده نظامی در جنگ(پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله)، دعا و توکل به پیشگاه الهی، صبر و آرامش قلبی رزمندگان و اخلاص در جهاد اشاره می‌کند که در صورت رعایت و انجام این سنت‌های لایتغیر الهی، امداد و نصرت خداوند شامل حال مجاهدان در راه خدا شده و در دل دشمنان ترس و دلهره ایجاد می‌شود و در نهایت منجر به پیروزی و شکست دشمنان دین خدا می‌گردد. همچنین در قرآن کریم اختلاف و نزاع در صحنه نبرد، دنیاگرایی و جمع‌آوری غنایم، سستی درکار جهاد و خوف در صحنه جهاد را از عوامل شکست در جهاد معرفی شده است.

از منظر قرآن کریم رویگردانی و ترك از جهاد دو جنبه منفی فردی و اجتماعی دارد. از جنبه فردی موجب کوردلی و ناتوانی قلب انسان از فهم حقایق، باعث فسق و انحراف از مسیر حق و عامل دوری از مرز ایمان و قرار گرفتن در آستانه کفر می‌باشد و از جنبه اجتماعی زمینه چیره شدن دشمنان خدا بر مسلمین و باعث نابودی و سقوط جامعه اسلامی می‌شود. هر چند که قرآن کریم گروه‌هایی همچون بیماران و سالخوردگان و ناتوانان را از جهاد معاف نموده است.

در یك تقسیم‌بندی کلی از آیات و روایات اسلامی استفاده می‌شود که جهاد به دو دسته «اکبر» و «اصغر» تقسیم می‌شود، مقصود از جهاد اکبر، جنگ درونی با شیطان و هواهای نفسانی و منظور از جهاد اصغر، پیکار با دشمنان دین خدا در صحنه نبرد و جبهه بیرونی است.

آیات و ترجمه

اهداف جهاد

۱. آزادی مستضعفان و محو شرک و بت‌پرستی

وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَٰذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا نساء/۷۵

«شما را چه شده که در راه خدا و [برای رهایی] مردان و زنان و کودکان مستضعف نمی‌جنگید؟ آن مستضعفانی که همواره می‌گویند: ای پروردگار ما! از این شهری که اهلش ستمکارند، ما را بیرون ببر و از سوی خود سرپرستی برای ما بگمار و از جانب خود برای ما یاوری قرار ده.»

۲. برپایی حق و نابودی باطل

وَإِذْ يَعِدُكُمُ اللَّهُ إِحْدَى الطَّائِفَتَيْنِ أَنَّهَا لَكُمْ وَتَوَدُّونَ أَنَّ غَيْرَ ذَاتِ الشَّوْكَةِ تَكُونُ لَكُمْ وَيُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُحِقَّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَيَقْطَعَ دَابِرَ الْكَافِرِينَ ﴿۷﴾ لِيُحِقَّ الْحَقَّ وَيُبْطِلَ الْبَاطِلَ وَلَوْ كَرِهَ الْمُجْرِمُونَ انفال/۷و۸

«و هنگامی که خدا پیروزی بر یکی از دو گروه را به شما وعده داد و شما دوست داشتید بر کاروان تجارتی قریش دست یابید، ولی خدا می‌خواست پیروزی در میدان جنگ را با فرمان نافذی تحقّق دهد و ریشه کافران را قطع کند تا حق را ثابت و باطل را نابود سازد، هر چند مجرمان خوش نداشته باشند.»

۳. دفاع از مظلومین

أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتَلُونَ بِأَنَّهُمْ ظُلِمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ ﴿۳۹﴾ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ حج/۳۹و۴۰

«به کسانی که [ستمکارانه] مورد جنگ و هجوم قرار می‌گیرند، چون به آنان ستم شده اذن جنگ داده شده، مسلماً خدا بر یاری دادن آنان تواناست. همانان که به ناحق از خانه‌هایشان اخراج شدند [و گناه و جرمی نداشتند] جز اینکه می‌گفتند: پروردگار ما خداست.»

۴. دفع فساد و تجاوز از میان جامعه بشری

وَلَوْلا دَفْعُ اللهِ النّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْاَرْضُ وَلٰكِنَّ اللهَ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْعالَمِينَ
بقره/۲۵۱

«و اگر خدا [تجاوز و ستم] برخی از مردم را به وسیله برخی دیگر دفع نمی‌کرد، قطعاً زمین را فساد فرا می‌گرفت؛ ولی خدا نسبت به جهانیان دارای فضل و احسان است.»

۵. رفع فتنه و گسترش اسلام

وَقاتِلُوهُمْ حَتّىٰ لا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلّهِ فَاِنِ انْتَهَوْا فَاِنَّ اللهَ بِما يَعْمَلُونَ بَصِيرٌ
انفال/۳۹

«و با آنان بجنگید تا هیچ نوع فساد و فتنه [و خونریزی وناامنی] بر جا نماند و دین [در سراسر گیتی] ویژه خدا شود؛ پس اگر از فتنه بازایستند [با آنان نجنگید] زیرا خدا به آنچه انجام می‌دهند بیناست.»

۶. از بین بردن پشتوانه نظامی دشمنان و اصل بازدارندگی

فَاِمّا تَثْقَفَنَّهُمْ فِي الْحَرْبِ فَشَرِّدْ بِهِمْ مَنْ خَلْفَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ انفال/۵۷

«پس اگر در میدان جنگ، بر آنان دست یافتی دیگر کسانی را که دنبال آنانند [و قصد جنگ با تو را دارند] تار و مار کن تا متذکّر [قدرت شما] شوند [و از خیال جنگ با تو بازایستند.]»

عوامل پیروزی در جهاد

۱. آرامش قلبی رزمندگان

وَما جَعَلَهُ اللهُ اِلّا بُشْرىٰ وَلِتَطْمَئِنَّ بِهِ قُلُوبُكُمْ وَما النَّصْرُ اِلّا مِنْ عِنْدِ اللهِ اِنَّ اللهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ انفال/۱۰

«و خدا آن [وعده یاری] را فقط مژده و نویدی برای شما قرار داد و نیز برای آن که دل‌هایتان به سبب آن آرامش یابد و گرنه پیروزی فقط از سوی خداست؛ زیرا خدا توانای شکست‌ناپذیر و حکیم است.»

۲. اطاعت از رهبری

وَاَطِيعُوا اللهَ وَرَسُولَهُ وَلا تَنازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا اِنَّ اللهَ مَعَ الصّابِرِينَ
انفال/۴۶

«و از خدا و پیامبرش فرمان برید و با یکدیگر نزاع و اختلاف مکنید که سست و بد دل می‌شوید و قدرت و شوکتتان از میان می‌رود و شکیبایی ورزید؛ زیرا خدا با شکیبایان است.»

۳. استواری و ثبات قدم

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ فِئَةً فَاثْبُتُوا وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ انفال/۴۵

«ای اهل ایمان! هنگامی که [در میدان نبرد] با گروهی [از مشرکان و کافران] برخورد کردید، ایستادگی نمایید و خدا را بسیار یاد کنید تا [بر دشمن] پیروز شوید.»

۴. امداد و نصرت الهی[1]

بَلَىٰ إِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا وَيَأْتُوكُمْ مِنْ فَوْرِهِمْ هَٰذَا يُمْدِدْكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ ﴿۱۲۵﴾ وَمَا جَعَلَهُ اللَّهُ إِلَّا بُشْرَىٰ لَكُمْ وَلِتَطْمَئِنَّ قُلُوبُكُمْ بِهِ وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ آل‌عمران/۱۲۵و ۱۲۶

«آری، اگر شکیبایی ورزید و پرهیزکاری کنید و دشمنان در همین لحظه، جوشان و خروشان بر شما بتازند، پروردگارتان شما را با پنج هزار فرشته نشان‌دار یاری می‌دهد و خدا [وعده یاری و پیروزی] را جز بشارتی برای شما و برای آن که دل‌هایتان به آن آرامش یابد قرار نداد و یاری و نصرت جز از سوی خدای توانای شکست‌ناپذیر و حکیم نیست.»

۵. ایجاد ترس در دل دشمنان

سَنُلْقِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ بِمَا أَشْرَكُوا بِاللَّهِ مَا لَمْ يُنَزِّلْ بِهِ سُلْطَانًا وَمَأْوَاهُمُ النَّارُ وَبِئْسَ مَثْوَى الظَّالِمِينَ آل‌عمران/۱۵۱

«به زودی در دل‌های کافران ترس می‌اندازیم؛ زیرا چیزی را که خدا بر [حقّانیّت] آن دلیلی نازل نکرده، شریك خدا قرار داده‌اند و جایگاهشان آتش است و بد است جایگاه ستمکاران.»

إِذْ يُوحِي رَبُّكَ إِلَى الْمَلَائِكَةِ أَنِّي مَعَكُمْ فَثَبِّتُوا الَّذِينَ آمَنُوا سَأُلْقِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ فَاضْرِبُوا فَوْقَ الْأَعْنَاقِ وَاضْرِبُوا مِنْهُمْ كُلَّ بَنَانٍ انفال/۱۲

«[یاد کن] هنگامی که پروردگارت به فرشتگان وحی کرد که من با شمایم، پس مؤمنان را [برای نبرد با دشمن] ثابت قدم دارید، [و] به زودی در دل کافران ترس می‌اندازم، پس سرهایشان را در هم کوبید و همه انگشتانشان را قطع کنید.»

---

۱. آیه ۹و ۱۰ سوره انفال نیزبه این موضوع اشاره دارد.

۶. توکّل مؤمنان بر خداوند

اَلَّذِينَ قالَ لَهُمُ النّاسُ اِنَّ النّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزادَهُمْ اِيمانًا وَقالُوا حَسْبُنَا اللّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ آل‌عمران/۱۷۳

«همان کسانی که مردمِ [منافق و عوامل نفوذی دشمن] به آنان گفتند: لشکری انبوه از مردم [مکه] برای جنگ با شما گرد آمده‌اند بیائید از آنان بترسید. ولی [این تهدید] بر ایمانشان افزود و گفتند: خدا ما را بس است و او نیکو کارگزاری است.»

۷. دعا و مددخواهی از خدا

وَلَمّا بَرَزُوا لِجالُوتَ وَجُنُودِهِ قالُوا رَبَّنا اَفْرِغْ عَلَيْنا صَبْرًا وَثَبِّتْ اَقْدامَنا وَانْصُرْنا عَلَى الْقَوْمِ الْكافِرِينَ بقره/۲۵۰

«و چون [طالوت و اهل ایمان] برای جنگ با جالوت و سپاهیانش ظاهر شدند، گفتند: ای پروردگار ما! بر ما صبر و شکیبایی فرو ریز و گام‌هایمان را استوار ساز و ما را بر گروه کافران پیروز گردان.»

۸. صبر رزمندگان

اَلْآنَ خَفَّفَ اللّهُ عَنْكُمْ وَعَلِمَ اَنَّ فِيكُمْ ضَعْفًا فَاِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ صابِرَةٌ يَغْلِبُوا مِائَتَيْنِ وَاِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ اَلْفٌ يَغْلِبُوا اَلْفَيْنِ بِاِذْنِ اللّهِ وَاللّهُ مَعَ الصّابِرِينَ انفال/۶۶

«اکنون خدا به شما تخفیف داد و معلوم داشت که در شما ضعفی هست؛ بنابراین اگر از شما صد نفر صابر باشند بر دویست نفر چیره می‌شوند و اگر هزار نفر [صابر] باشند به فرمان خدا بر دو هزار نفر چیره می‌شوند و خدا با صابران است.»

۹. سر سختی با دشمنان

يا اَيُّهَا الَّذِينَ ءامَنُوا قاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفّارِ وَلْيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً وَاعْلَمُوا اَنَّ اللّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ توبه/۱۲۳

«ای اهل ایمان! با کافرانی که هم‌جوار شما هستند نبرد کنید و آنان باید در شما سرسختی و شدت یابند و بدانید که خدا با پرهیزکاران است.»

۱۰. ایمان به تدبیر الهی

فَلَمْ تَقْتُلُوهُمْ وَلٰكِنَّ اللّٰهَ قَتَلَهُمْ وَمَا رَمَيْتَ اِذْ رَمَيْتَ وَلٰكِنَّ اللّٰهَ رَمٰى وَلِيُبْلِيَ الْمُؤْمِنِينَ مِنْهُ بَلَآءً حَسَنًا اِنَّ اللّٰهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ انفال/۱۷

«[به کشتن دشمنان بر خود مبالید] شما آنان را نکشتید، بلکه خدا آنان را کشت. [ای پیامبر!] هنگامی که به سوی دشمنان تیر پرتاب کردی، تو پرتاب نکردی، بلکه خدا پرتاب کرد [تا آنان را هلاك کند] و مؤمنان را از سوی خود به آزمایشی نیکو بیازماید زیرا خدا شنوا و داناست.»

عواقب تخلف از جهاد

۱. باعث نابودی و سقوط جامعه

يَآ اَيُّهَا الَّذِينَ ءٰامَنُوا مٰا لَكُمْ اِذٰا قِيلَ لَكُمُ انْفِرُوا فِي سَبِيلِ اللّٰهِ اثّٰاقَلْتُمْ اِلَى الْاَرْضِ اَرَضِيتُمْ بِالْحَيٰوةِ الدُّنْيٰا مِنَ الْاٰخِرَةِ فَمٰا مَتٰاعُ الْحَيٰوةِ الدُّنْيٰا فِي الْاٰخِرَةِ اِلّٰا قَلِيلٌ ﴿۳۸﴾ اِلّٰا تَنْفِرُوا يُعَذِّبْكُمْ عَذٰابًا اَلِيمًا وَيَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ وَلٰا تَضُرُّوهُ شَيْئًا وَاللّٰهُ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ توبه، ۳۸و۳۹

«ای اهل ایمان! شما را چه عذر و بهانه‌ای است هنگامی که به شما گویند: برای نبرد در راه خدا باشتاب [از شهر و دیارتان] بیرون روید؛ به سستی و کاهلی می‌گرایید [و به دنیا و شهواتش میل می‌کنید؟!] آیا به زندگی دنیا به جای آخرت دل خوش شده‌اید؟ کالای زندگی دنیا در برابر آخرت جز کالایی اندك نیست. اگر باشتاب بیرون نروید، خدا شما را به عذابی دردناك عذاب می‌کند و گروه دیگری را به جای شما می‌آورد و شما هیچ زیانی به خدا نمی‌رسانید و خدا بر هر کاری تواناست.»

۲. قرار گرفتن در آستانه کفر

وَلِيَعْلَمَ الَّذِينَ نَافَقُوا وَقِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَوِ ادْفَعُوا قَالُوا لَوْ نَعْلَمُ قِتَالًا لَاتَّبَعْنَاكُمْ هُمْ لِلْكُفْرِ يَوْمَئِذٍ أَقْرَبُ مِنْهُمْ لِلْإِيمَانِ يَقُولُونَ بِأَفْوَاهِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يَكْتُمُونَ آل‌عمران/۱۶۷

«و نیز کسانی را که نفاق ورزیدند، معلوم و مشخص کند و به آنان گفته شد: بیایید در راه خدا بجنگید یا [از مدینه و کیان جامعه] دفاع کنید. گفتند: اگر جنگیدن می‌دانستیم، قطعاً از شما پیروی می‌کردیم. آنان در آن روز به کفر نزدیك‌تر بودند تا ایمان. به زبانشان چیزی را می‌گویند که در دل‌هایشان نیست و خدا به آنچه پنهان می‌کنند داناتر است.»

۳. کوردلی و ناتوانی از فهم حقایق

إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَسْتَأْذِنُونَكَ وَهُمْ أَغْنِيَاءُ رَضُوا بِأَنْ يَكُونُوا مَعَ الْخَوَالِفِ وَطَبَعَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ توبه/۹۳

«راه مؤاخذه و سرزنش فقط بر ضد کسانی باز است که با آن که توانگرند [باز هم برای ترك نبرد] از تو اجازه می‌خواهند؛ آنان راضی شدند که با خانه‌نشینان باشند، خدا بر دل‌هایشان مهر تیره‌بختی زد به همین سبب [حقایق را] نمی‌دانند.»

۴. گرفتاری در عذاب دردناک

قُلْ لِلْمُخَلَّفِينَ مِنَ الْأَعْرَابِ سَتُدْعَوْنَ إِلَى قَوْمٍ أُولِي بَأْسٍ شَدِيدٍ تُقَاتِلُونَهُمْ أَوْ يُسْلِمُونَ فَإِنْ تُطِيعُوا يُؤْتِكُمُ اللَّهُ أَجْرًا حَسَنًا وَإِنْ تَتَوَلَّوْا كَمَا تَوَلَّيْتُمْ مِنْ قَبْلُ يُعَذِّبْكُمْ عَذَابًا أَلِيمًا فتح/۱۶

«به متخلفانِ بادیه نشین بگو: به زودی به سوی گروهی سرسخت و نیرومند دعوت خواهید شد که با آنان بجنگید، یا آن که اسلام آورند؛ پس اگر اطاعت کنید خدا پاداش نیکی به شما خواهد داد و اگر روی برگردانید، همان گونه که پیش از این روی گرداندید، شما را به عذابی دردناك عذاب خواهد کرد.»

عوامل شکست در جهاد

۱. اختلاف و نزاع در صحنه نبرد، دنیاگرایی و جمع‌آوری غنایم

وَلَقَدْ صَدَقَكُمُ اللّٰهُ وَعْدَهُۥٓ اِذْ تَحُسُّونَهُمْ بِاِذْنِهٖ حَتّٰٓى اِذٰا فَشِلْتُمْ وَتَنٰازَعْتُمْ فِى الْاَمْرِ وَعَصَيْتُمْ مِنْ بَعْدِ مٰٓا اَرٰىكُمْ مٰا تُحِبُّونَ مِنْكُمْ مَنْ يُرِيدُ الدُّنْيٰا وَمِنْكُمْ مَنْ يُرِيدُ الْاٰخِرَةَ ثُمَّ صَرَفَكُمْ عَنْهُمْ لِيَبْتَلِيَكُمْ وَلَقَدْ عَفٰا عَنْكُمْ وَاللّٰهُ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ آل‌عمران/۱۵۲

«یقیناً خدا وعده‌اش را برای شما تحقّق داد، آن گاه که دشمنان را به فرمان او تا مرز ریشه‌کن‌شدنشان می‌کشتید تا زمانی که سست شدید و در کار به نزاع و ستیز برخاستید و پس از آن که آنچه را از پیروزی و غنیمت دوست داشتید، به شما نشان داد سر پیچی کردید، برخی از شما دنیا را می‌خواست و برخی از شما خواهان آخرت بود، سپس برای آن که شما را امتحان کند از [پیروزی بر] آنان بازداشت و از شما درگذشت و خدا بر مؤمنان دارای فزون بخشی است.»

۲. سستی در کار جهاد

اِذْ يُرِيكَهُمُ اللّٰهُ فِى مَنٰامِكَ قَلِيلًا وَلَوْ اَرٰىكَهُمْ كَثِيرًا لَفَشِلْتُمْ وَلَتَنٰازَعْتُمْ فِى الْاَمْرِ وَلٰكِنَّ اللّٰهَ سَلَّمَ اِنَّهُۥ عَلِيمٌ بِذٰاتِ الصُّدُورِ انفال/۴۳

«و [یاد کن] هنگامی که خدا دررؤیاهای مکرّرت [نفراتِ] آنان را به تو اندك و ناچیز نشان داد و اگر آنان را بسیار و زیاد نشان می‌داد، شما قطعاً سست می‌شدید و در کار جنگ نزاع و اختلاف می‌کردید، ولی خدا شما را رهایی بخشید؛ زیرا او به آنچه در سینه‌هاست داناست.»

۳. خوف در صحنه جهاد

اِذْ تُصْعِدُونَ وَلٰا تَلْوُۥنَ عَلٰٓى اَحَدٍ وَالرَّسُولُ يَدْعُوكُمْ فِىٓ اُخْرٰىكُمْ فَاَثٰابَكُمْ غَمًّا بِغَمٍّ لِكَيْ لٰا تَحْزَنُوا عَلٰى مٰا فٰاتَكُمْ وَلٰا مٰٓا اَصٰابَكُمْ وَاللّٰهُ خَبِيرٌۢ بِمٰا تَعْمَلُونَ آل‌عمران/۱۵۳

«زمانی‌که تا مرز پنهان شدن از دیده‌ها دور می‌شدید و به هیچ‌کس توجه نمی‌کردید، در صورتی‌که پیامبر شما را از پشت سرتان فرامی‌خواند، پس خدا شما را به اندوهی روی اندوهی مجازات کرد تا برآنچه از دستتان رفته و به‌آنچه به شما رسیده اندوهگین نشوید و خدا به‌آنچه انجام می‌دهید آگاه است.»

معذوران از جهاد

۱. ضعیف و فاقدان ابزار و امکانات رزمی

لَيْسَ عَلَى الضُّعَفَآءِ وَلَا عَلَى الْمَرْضَىٰ وَلَا عَلَى الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ مَا يُنْفِقُونَ حَرَجٌ إِذَا نَصَحُوا لِلَّهِ وَرَسُولِهِ مَا عَلَى الْمُحْسِنِينَ مِنْ سَبِيلٍ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ توبه/۹۱

«برناتوانان وبیماران وآنان‌که چیزی برای هزینه‌کردن نمی‌یابند، گناهی‌نیست در صورتی‌که برای خداو پیامبرش خیرخواهی‌کنند؛ آری برنیکوکاران هیچ‌مؤاخذه وسرزنشی نیست‌وخدابسیارآمرزنده‌ومهربان است.»

۲. لنگ و بیمار و نابینا

لَيْسَ عَلَى الْأَعْمَىٰ حَرَجٌ وَلَا عَلَى الْأَعْرَجِ حَرَجٌ وَلَا عَلَى الْمَرِيضِ حَرَجٌ وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَمَنْ يَتَوَلَّ يُعَذِّبْهُ عَذَابًا أَلِيمًا فتح/۱۷

«بر نابینا و لنگ و بیمار گناهی نیست و کسی که از خدا و پیامبرش اطاعت کند، او را در بهشت‌هایی درآورد که از زیرِآن نهرها جاری است و هر کس روی بگرداند او را به عذابی دردناك عذاب می‌کند.»

موانع جهاد

علاقه به مادیات (خانواده، خویشان، همسر، مسکن‌های دلپذیر و تجارت)

قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِنُ تَرْضَوْنَهَا أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّىٰ يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ توبه/۲۴

«بگو: اگر پدرانتان و فرزندانتان و برادرانتان و همسرانتان و خویشانتان و اموالی که فراهم آورده‌اید و تجارتی که از کسادی‌اش می‌ترسید و خانه‌هایی که به آنها دل خوش کرده‌اید، نزد شما از خدا و پیامبرش و جهاد در راهش محبوب‌ترند، پس منتظر بمانید تا خدا فرمان عذابش را بیاورد و خدا گروه بدکار نافرمان را هدایت نمی‌کند.»

واژه نامه

واژه	ترجمه	واژه	ترجمه
يَعِدُكُمُ	شمارا وعده می‌دهد	بَرَزُوا	ظاهر شدند
غَيْرَ ذاتِ الشَّوْكَةِ	غیر مسلح	اَلْفَيْنِ	دو هزار تن
اَنْ يَقْطَعَ دابِرَ الْكافِرينَ	ریشه کافران را قطع کند	يَلُونَكُمْ	نزدیک شمایند
تَوَدُّونَ	دوست می‌دارید	إلّا تَنْفِرُوا	اگر کوچ نکنید
فَهَزَمُوهُمْ	پس آنان‌را شکست دادند	لَاتَّبَعْناكُمْ	هر آینه پیروی می‌کردیم شما را
فَاِنِ انْتَهَوْا	پس اگر دست برداشتند	بِاَفْواهِهِمْ	بادهان‌هایشان
فَشَرِّدْ	پس متفرّق ساز	مَعَ الْخَوالِفِ	با متخلّفین
تَثْقَفَنَّهُمْ	آنها را دریابی	طَبَعَ اللّهُ	خداوند مهر زده
رِيحُكُمْ	قدرت شما	تَحُسُّونَهُمْ	آنها را می‌کشتید
فَتَفْشَلُوا	پس سست شوید	لِيَبْتَلِيَكُمْ	تا شمارا بیازماید
لَقِيتُمْ فِئَةً	گروهی را ملاقات کردید	يُرِيكَهُمُ اللّهُ	آنها را به تو نشان دهد
مِنْ فَوْرِهِمْ	با هیجانشان	لَفَشِلْتُمْ	سست می‌شدید
مُسَوِّمِينَ	علامت گذارندگان	فَاَثابَكُمْ	پس جزاء داد شما را
مَثْوَى الظّالِمِينَ	جای سقوط ستمکاران	لا عَلَى الْاَعْرَجِ حَرَجٌ	بر لنگ گناهی نیست
فَوْقَ الْاَعْناقِ	بالای گردنها	اَمْوالٌ اقْتَرَفْتُمُوها	مالهایی که کسب کرده‌اید

نکات معرفتی و تربیتی

اهمیت جهاد در آیات و روایات

در قرآن مجید از مسئله جهاد و عظمت مجاهدان راه خدا بسیار سخن به میان آمده، ولی شاید در هیچ سوره‌ای همانند سوره عادیات با عظمت ترسیم نشده است که حتی نفس زدن اسبهای مجاهدان راه خدا و جرقه‌های سم این ستوران و گرد و غبار ناشی از حرکت سریع آنان، آن قدر با عظمت شناخته شده که مورد قسم خدا قرار گرفته است.

در منابع اسلامی درباره جهاد و اهمیت آن روایات بسیاری از پیامبر اکرم ﷺ و ائمه علیهم‌السلام نقل شده است. پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: جهاد کنید تا مجد و عظمت را برای فرزندانتان به میراث بگذارید. امیر مؤمنان علی علیه‌السلام در خطبه ۲۷ نهج البلاغه می‌فرمایند: جهاد دری است از درب‌های بهشت که خداوند آن را به روی دوستان خاص خود گشوده است، جهاد، لباس پر فضیلت تقوا است. جهاد، زره نفوذناپذیر الهی است، جهاد، سپر محکم پروردگار است، آن کس که جهاد را ترک گوید، خداوند بر اندام او لباس ذلت و بلا می‌پوشاند و او را در مقابل دیدگاه مردم خوار و ذلیل جلوه می‌دهد... .

البته باید توجه داشت که جهاد، تنها به معنی جنگ و نبرد مسلحانه نیست، بلکه هر نوع تلاش و کوششی را که برای پیشبرد اهداف مقدس الهی انجام گیرد، شامل می‌شود و به این ترتیب علاوه بر نبردهای دفاعی و گاهی تهاجمی، مبارزات علمی، منطقی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی را نیز در برمی‌گیرد.

جهاد با نفس

مبارزه با نفس امّاره که به انجام دادن بدی‌ها فرمان می‌دهد، بالاترین نوع جهاد محسوب می‌شود، چرا که پیامبر اکرم ﷺ جهاد با نفس را «جهاد اکبر» نامیدند. پیامبر ﷺ سپاهیانی را به مقصدی گسیل داشتند، پس از بازگشت آنان فرمودند: مرحبا به قومی که از جهاد کوچکتر

بازگشته‌اند، در حالی‌که جهاد بزرگتر برای آنان باقی مانده است. پرسیدند: ای رسول خدا! جهاد بزرگتر چیست؟ فرمود: جهاد با نفس، سپس آن حضرت خاطرنشان ساختند که برترین جهاد آن است که انسان با نفس خود که در بین دو پهلوی او قرار دارد، مبارزه کند.[1]

امام‌علی علیه‌السلام می‌فرماید: «مجاهدحقیقی کسی است که باهوس‌های سرکش نفس بجنگد.»[2]

به‌طور کلی، در درون آدمی همیشه میان عقل و فطرت پاك الهی و نفس امّاره ستیز وجود دارد. بین بعد ملکوتی و بعد حیوانی انسان همیشه جنگ و جدال هست. در برخی از انسانها عقل و وجدان اخلاقی بر نفس امّاره پیروز می‌شود و در برخی دیگر نفس امّاره‌ی آنان زمام امور را در دست می‌گیرد و بر آنان مسلّط می‌شود.

جهاد با جهل و جهاد با دشمن

آیه کریمه ﴿وَ مٰا كٰانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَآفَّةً فَلَوْلا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طٰآئِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَ لِيُنْذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذٰا رَجَعُوٓا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ﴾ به واقعیتی اشاره می‌کند که برای مسلمانان جنبه حیاتی دارد و آن اینکه اگر چه جهاد بسیار پر اهمیت است و تخلف از آن ننگ و گناه، ولی در مواردی ضرورت ایجاب نمی‌کند که همه مؤمنان در میدان جهاد شرکت کنند، مخصوصاً مواقعی که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله شخصاً در مدینه باقی مانده‌اند. نباید همه به جهاد بروند بلکه لازم است هر جمعیتی از مسلمانان به دو گروه تقسیم شوند، گروهی فریضه جهاد را انجام دهند و گروه دیگری در مدینه بمانند و معارف و احکام اسلام را بیاموزند و به هنگامی که یاران مجاهدشان از میدان بازگشتند احکام و فرمان‌های الهی را به آنها تعلیم دهند و انذارشان نمایند تا این برنامه موجب شود که آنها از مخالفت فرمان خدا بپرهیزند و وظائف خویش را انجام دهند.[3]

---

۱. مصباح الشریعه، ص ٤٧.

۲. وسائل الشیعه، ج۱۵، ص ۱٦۳.

۳. تفسیرنمونه، ج۸، ص ۱۹۱.

پرسش‌های درس

۱. اهداف جهادرا نام برده و آیه مربوط به رفع فتنه و گسترش اسلام را تلاوت نمایید.

۲. آیات بیانگر آرامش قلبی رزمندگان، امداد و نصرت الهی، صبر رزمندگان از عوامل پیروزی در جهاد را بیان کنید.

۳. از عواقب تخلف از جهاد، آیه مربوط به گرفتاری در عذاب دردناك را تلاوت نمایید.

٤. با توجه به ترجمه «ای اهل ایمان! با کافرانی که هم‌جوار شما هستند نبرد کنید و آنان باید در شما سرسختی و شدت یابند و بدانید که خدا با پرهیزکاران است.» آیه مربوطه را تلاوت نموده و موضوع آن را ذکر کنید.

۵. ترجمه واژه‌های زیر را بیان کنید.

«تَوَدُّونَ»	«فَشَرِّدْ»	«مُسَوِّمِينَ»
«يَلُونَكُمْ»	«مَعَ الْخَوَالِفِ»	«تَحُسُّونَهُمْ»

٦. مفهوم جهاد با جهل و با دشمن و جهاد با نفس را توضیح دهید.

درس دهم

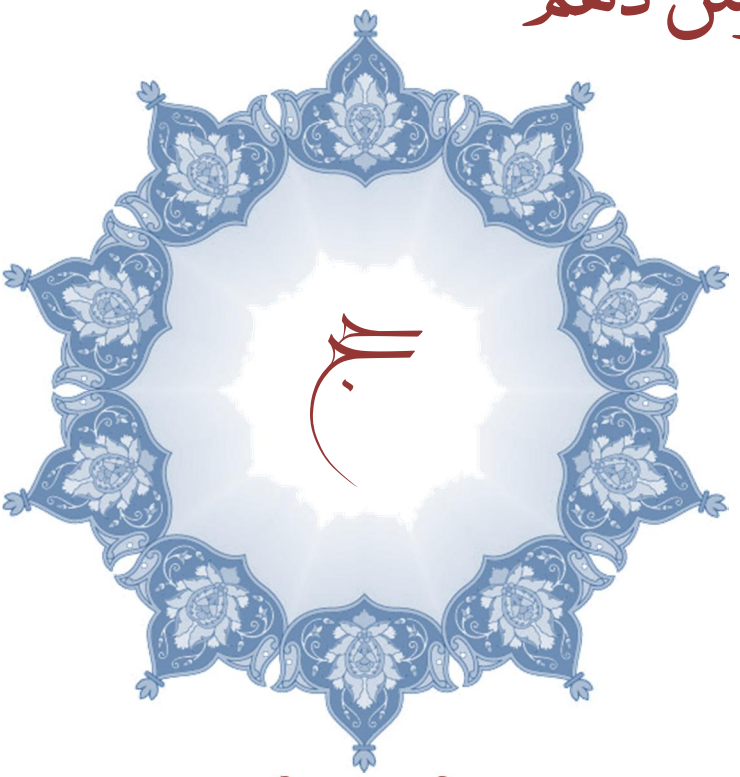

اهداف درس

آشنایی با احکام حج در قرآن و حفظ آیات مربوطه

آگاهی از آیات مربوط به انواع حج و حفظ آیات مربوطه

آشنایی با تاریخچه حج از دیدگاه قرآن و حفظ آیات مربوطه

شناخت اسرار حج در روایات

نمودار درس

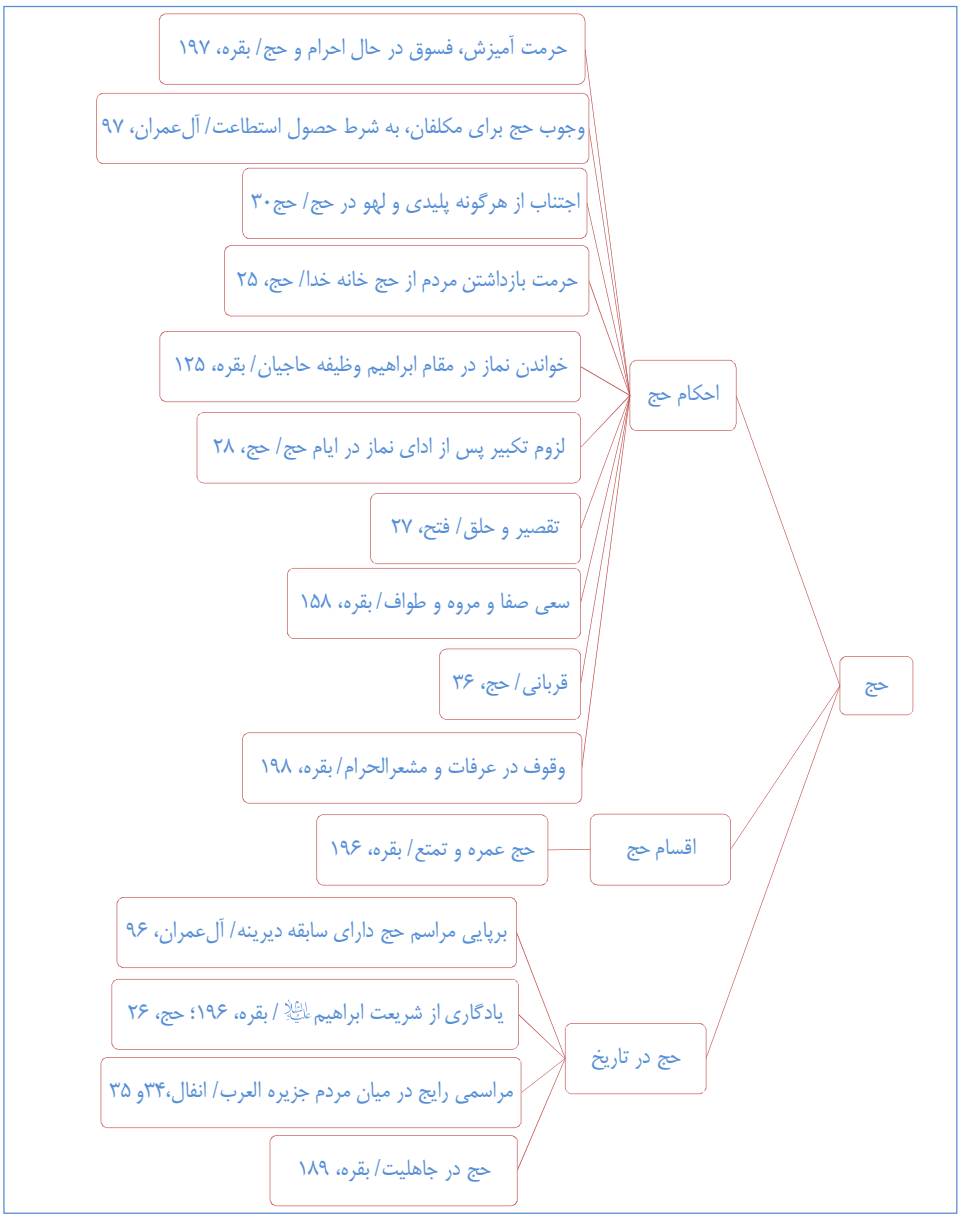
حج
احکام حج
حرمت آمیزش، فسوق در حال احرام و حج/ بقره، ۱۹۷
وجوب حج برای مکلفان، به شرط حصول استطاعت/ آل‌عمران، ۹۷
اجتناب از هرگونه پلیدی و لهو در حج/ حج۳۰
حرمت بازداشتن مردم از حج خانه خدا/ حج، ۲۵
خواندن نماز در مقام ابراهیم وظیفه حاجیان/ بقره، ۱۲۵
لزوم تکبیر پس از ادای نماز در ایام حج/ حج، ۲۸
تقصیر و حلق/ فتح، ۲۷
سعی صفا و مروه و طواف/ بقره، ۱۵۸
قربانی/ حج، ۳۶
وقوف در عرفات و مشعرالحرام/ بقره، ۱۹۸
اقسام حج
حج عمره و تمتع/ بقره، ۱۹۶
حج در تاریخ
برپایی مراسم حج دارای سابقه دیرینه/ آل‌عمران، ۹۶
یادگاری از شریعت ابراهیم علیه‌السلام / بقره، ۱۹۶؛ حج، ۲۶
مراسمی رایج در میان مردم جزیره العرب/ انفال،۳۴و ۳۵
حج در جاهلیت/ بقره، ۱۸۹

دیباچه

حج یکی از واجبات الهی است که در تمام ایام عمر یکبار با شرائط خاصی بر فرد واجب می‌شود. از مواردی که دلالت بر اهمیت فوق‌العاده و منحصر به فرد حج دارد وجود ابعاد مختلف و منافع وسیع و احیاناً متضاد حج است که این چنین وسعت و گستردگی در هیچ یك از عبادات دیده نمی‌شود و این از مختصات حج است. خداوند متعال در خطاب به حضرت ابراهیم علیه‌السلام در سوره حج فرمود: مردم را دعوت به حج نمائید تا منافع خود را در آن بیابند.

بر اساس روایات و تواریخ اسلامی، اولین کسی که خانه کعبه را بنا نهاد و در آن نماز گزارد و طواف کرد، حضرت آدم علیه‌السلام بود که بعد از او نیز ۷۵ پیامبر مراسم حج را به جای آوردند. اما به تدریج این مراسم به شرك گرائید. در زمان حضرت ابراهیم علیه‌السلام با احیای مجدد خانه‌ی کعبه، حج رونقی دوباره یافت. اما پس از ایشان نیز بار دیگر این سنت، به مظاهر شرك و بت‌پرستی آلوده گشت. با ظهور اسلام، انجام مراسم حج ابراهیمی احیا گردید. حضرت علی علیه‌السلام در خطبه‌ی اول نهج‌البلاغه درباره‌ی این مراسم توحیدی فرموده‌اند: «زیارت خانه‌اش را بر شما مردمان واجب کرد که قبله‌ای برای همگان، ... و دو نشانه برای دینداران قرار داد: فروتنی برابر عظمت او و اعتراف به عزت او... خدا کعبه را نشان اسلام و خانه‌ی امان برای پناهندگان ساخت و رفتن به سوی خانه را واجب گرداند... .»

جهت تشرف به خانه خدا و به جا آوردن اعمال عبادی مخصوص به آن استطاعت مالی شرط لازم ضروری است که قرآن کریم به آن تأکید کرده است، در مقابل قرآن کریم از ترك حج تعبیر به کفر نموده و عذاب و خشم خود را به مانع تراشان در مسیر حج وعده داده است.[1] همچنین روایات زیادی از فریقین در مذمت و آثار شومی که بر تارکین حج مترتب است، وارد شده است. حج چهار نوع است: ۱-تمتع ۲-عمره ۳-قِران ٤-افراد، که هریك دارای احکام مشترك و ویژه‌ای هستند که در آیات و اکثراً در روایات بیان شده است.

۱. آل‌عمران، ۹۷؛ حج، ۲۵.

آیات و ترجمه

احکام حج

۱. حرمت آمیزش، فسوق (دروغ گفتن، فحش دادن و فخرکردن) در حال احرام و حج

اَلْحَجُّ اَشْهُرٌ مَعْلُوماتٌ فَمَنْ فَرَضَ فِيهِنَّ الْحَجَّ فَلا رَفَثَ وَلا فُسُوقَ وَلا جِدالَ فِي الْحَجِّ وَما تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ يَعْلَمْهُ اللهُ وَتَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزّادِ التَّقْوى وَاتَّقُونِ يا أُولِي الْأَلْبابِ بقره/۱۹۷

«حج در ماه‌های معین و معلومی است پس کسی که در این ماه‌ها حج را بر خود واجب کرد، [بداند که] در حج، آمیزش با زنان و گناه و جدال [جایز] نیست و آنچه از کار خیر انجام دهید خدا می‌داند و به نفع خود توشه برگیرید که بهترین توشه، پرهیزکاری است و ای صاحبانِ خرد! از من پروا کنید.»

۲. وجوب حَجّ برای مکلّفان، به شرط حصول استطاعت

فِيهِ ءايٰاتٌ بَيِّنٰاتٌ مَقامُ إِبْرٰاهِيمَ وَمَنْ دَخَلَهُ كٰانَ ءٰامِنًا وَلِلّٰهِ عَلَى النّٰاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطٰاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعٰالَمِينَ آل‌عمران/۹۷

«در آن نشانه‌هایی روشن مقام ابراهیم است و هر که وارد آن شود در امان است و خدا را حقّی لازم بر عهده مردم است که [برای ادای مناسك حج] آهنگ آن خانه کنند، [البته] کسانی که بتوانند به سوی آن راه یابند و هر که ناسپاسی ورزد؛ زیرا خدا از جهانیان بی‌نیاز است.»

۳. اجتناب از هرگونه پلیدی و لهو در حج

ذٰلِكَ وَمَنْ يُعَظِّمْ حُرُمٰاتِ اللهِ فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ عِنْدَ رَبِّهِ وَأُحِلَّتْ لَكُمُ الْأَنْعٰامُ إِلّٰا مٰا يُتْلىٰ عَلَيْكُمْ فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثٰانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ حج/۳۰

«این است و هر کس مقرّرات خدا را بزرگ شمارد، برای او نزد پروردگارش بهتر است و چهارپایان مگر آنچه بر شما خوانده می‌شود، برای شما حلال شده است؛ بنابراین از پلیدی بت‌ها و از گفتار باطل دوری گزینید.»

۴. حرمتِ بازداشتن مردم، از حج خانه خدا

اِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ يَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللهِ وَالْمَسْجِدِ الْحَرامِ الَّذِي جَعَلْناهُ لِلنّاسِ سَواءً الْعاكِفُ فِيهِ وَالْبادِ وَمَنْ يُرِدْ فِيهِ بِإِلْحادٍ بِظُلْمٍ نُذِقْهُ مِنْ عَذابٍ أَلِيمٍ حج/۲۵

یکسان قرار داده‌ایم جلوگیری می‌کنند، و هر که بخواهد در آنجا با انحراف از حق روی به ستم آورد، او را عذابی دردناك می‌چشانیم.»

۵. خواندن نماز در مقام ابراهیم علیه‌السلام وظیفه حاجیان: (نماز طواف)

وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثابَةً لِلنّاسِ وَأَمْناً وَاتَّخِذُوا مِنْ مَقامِ إِبْراهِيمَ مُصَلًّى وَعَهِدْنا إِلى إِبْراهِيمَ وَإِسْماعِيلَ أَنْ طَهِّرا بَيْتِيَ لِلطّائِفِينَ وَالْعاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ بقره/۱۲۵

«و [یاد کنید] هنگامی‌که ما این خانه [کعبه] را برای همه مردم محل گردهمایی و جایگاه امن قرار دادیم و از مقام ابراهیم جایگاهی برای نماز انتخاب کنید و به ابراهیم و اسماعیل سفارش کردیم که خانه‌ام را برای طواف کنندگان و اعتکاف‌کنندگان و رکوع کنندگان و سجده‌گذاران پاکیزه کنید.»

۶. لزوم تکبیر، پس از ادای پانزده نماز، در ایّام حج (پس از نماز عید به بعد)

لِيَشْهَدُوا مَنافِعَ لَهُمْ وَيَذْكُرُوا اسْمَ اللهِ فِي أَيّامٍ مَعْلُوماتٍ عَلى ما رَزَقَهُمْ مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعامِ فَكُلُوا مِنْها وَأَطْعِمُوا الْبائِسَ الْفَقِيرَ حج/۲۸

«تا منافع خود را مشاهده کنند و نام خدا را در روزهایی معین بر دام‌های زبان بسته‌ای که به آنان عطا کرده ذکر کنند، [چون قربانی کردید] از آن بخورید و تهیدست را نیز اطعام کنید.»

۷. تقصیر و حلق

لَتَدْخُلُنَّ الْمَسْجِدَ الْحَرامَ إِنْ شاءَ اللهُ آمِنِينَ مُحَلِّقِينَ رُءُوسَكُمْ وَمُقَصِّرِينَ لا تَخافُونَ فَعَلِمَ ما لَمْ تَعْلَمُوا فَجَعَلَ مِنْ دُونِ ذلِكَ فَتْحاً قَرِيباً فتح/۲۷

«شما قطعاً در حال امن و امنیت در حالی‌که سرهایتان را تراشیده و موی [یا ناخن] کوتاه کرده‌اید و بیمی ندارید، وارد مسجدالحرام خواهید شد. خدا آنچه را که شما نمی‌دانستید می‌دانست و پیش از آن پیروزی نزدیکی قرارداد.»

۸. سعی صفا و مروه و طواف

اِنَّ الصَّفا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعآئِرِ اللهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ اَوِ اعْتَمَرَ فَلا جُناحَ عَلَيْهِ اَنْ يَطَّوَّفَ بِهِما وَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَاِنَّ اللهَ شاكِرٌ عَليمٌ بقره/۱۵۸

«بی‌تردید صفا و مروه از نشانه‌های خداست؛ پس کسی که حج خانه کعبه کند، یا عمره انجام دهد، بر او باکی نیست که فاصله میان آن دو را بپیماید و کسی که کار نیکی انجام دهد، بدون تردید خدا پاداش دهنده و داناست.»

ثُمَّ لْيَقْضُوا تَفَثَهُمْ وَلْيُوفُوا نُذُورَهُمْ وَلْيَطَّوَّفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتيقِ حج/۲۹

«سپس باید آلودگی‌های خود را برطرف کنند و نذرهایشان را وفا نمایند و برگرد خانه‌کهن طواف کنند.»

۹. قربانی

وَالْبُدْنَ جَعَلْناها لَكُمْ مِنْ شَعآئِرِ اللهِ لَكُمْ فيها خَيْرٌ فَاذْكُرُوا اسْمَ اللهِ عَلَيْها صَوآفَّ فَاِذا وَجَبَتْ جُنُوبُها فَكُلُوا مِنْها وَاَطْعِمُوا الْقانِعَ وَالْمُعْتَرَّ كَذٰلِكَ سَخَّرْناها لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ حج/۳۶

«شتران قربانی را برای شما از شعایر خدا قرار دادیم، برای شما در آنها سودی ست؛ در حالی که به نظم در خط مستقیم ایستاده‌اند، نام خدا را بر آنها ذکر کنید و زمانی که [بی‌جان] به پهلو در افتاده‌اند، از آنها بخورید و به تهیدستانی که اهل درخواست کردن نیستند و فقیرانی که اهل درخواست کردن هستند، بخورانید. این‌گونه آنها را برای شما مسخّر کردیم تا سپاس گزاری کنید.»

۱۰. وقوف در عرفات و مشعرالحرام

فَاِذآ اَفَضْتُمْ مِنْ عَرَفاتٍ فَاذْكُرُوا اللهَ عِنْدَ الْمَشْعَرِ الْحَرامِ وَاذْكُرُوهُ كَما هَدٰكُمْ وَاِنْ كُنْتُمْ مِنْ قَبْلِهِ لَمِنَ الضّآلّينَ بقره/۱۹۸

«بر شما گناهی نیست که [در ایام حج] از پروردگارتان [به وسیله تجارت و داد و ستد] روزی و منافع مادی بطلبید و هنگامی‌که از عرفات کوچ کردید، خدا را در مشعر الحرام یاد کنید. [آری] او را یاد کنید همان گونه که شما را هدایت کرد و همانا شما پیش از این از گمراهان بودید.»

اقسام حج

حج عمره و تمتع

وَاَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلّٰهِ فَاِنْ اُحْصِرْتُمْ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ وَلا تَحْلِقُوا رُءُوسَكُمْ حَتّٰى يَبْلُغَ الْهَدْيُ مَحِلَّهُ فَمَنْ كانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا اَوْ بِهِ اَذًى مِنْ رَاْسِهِ فَفِدْيَةٌ مِنْ صِيامٍ اَوْ صَدَقَةٍ اَوْ نُسُكٍ فَاِذَا اَمِنْتُمْ فَمَنْ تَمَتَّعَ بِالْعُمْرَةِ اِلَى الْحَجِّ بقره/۱۹۶

«حج و عمره را برای خدا به پایان برید و اگر شما را از انجام آن بازداشتند، آنچه را از قربانی برای شما میسر است و سر خود را نتراشید تا قربانی به محلش برسد و از شما اگر کسی بیمار بود یا در سرش آسیب داشت کفّاره‌ای چون روزه یا صدقه یا قربانی بر عهده اوست و هنگامی‌که در امان بودید، پس هر که با پایان بردن عمره تمتّع به سوی حج تمتّع رود.»

حج در تاریخ

۱. برپایی مراسم حج، دارای سابقه‌ای دیرینه

اِنَّ اَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبارَكًا وَهُدًى لِلْعالَمِينَ آل‌عمران/۹۶

«یقیناً نخستین خانه‌ای که برای [نیایش و عبادت] مردم نهاده شد، همان است که در مکه است که پر برکت و وسیله هدایت برای جهانیان است.»

۲. حج و مناسک آن، یادگاری از شریعت ابراهیم علیه‌السلام

وَاِذْ يَرْفَعُ اِبْراهِيمُ الْقَواعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَاِسْماعِيلُ رَبَّنا تَقَبَّلْ مِنّا اِنَّكَ اَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿۱۲۷﴾ رَبَّنا وَاجْعَلْنا مُسْلِمَيْنِ لَكَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِنا اُمَّةً مُسْلِمَةً لَكَ وَاَرِنا مَناسِكَنا وَتُبْ عَلَيْنا اِنَّكَ اَنْتَ التَّوّابُ الرَّحِيمُ بقره/۱۲۸و۱۲۷

«و زمانی که ابراهیم و اسماعیل پایه‌های خانه کعبه را بالا می‌بردند ای پروردگار ما! از ما بپذیر که تو شنوا و دانایی، ای پروردگار ما! ما را تسلیم خود قرار ده و نیز از دودمان ما امتی که تسلیم تو باشند پدید آور و راه و رسم عبادتمان را به ما نشان ده و توبه ما را بپذیر که تو بسیار توبه‌پذیر و مهربانی.»

وَإِذْ بَوَّأْنَا لِإِبْرَاهِيمَ مَكَانَ الْبَيْتِ أَنْ لَا تُشْرِكْ بِي شَيْئًا وَطَهِّرْ بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْقَائِمِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ ﴿٢٦﴾ وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَىٰ كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ
حج/۲۶و۲۷

«و هنگامی که جای خانه [کعبه] را برای ابراهیم آماده کردیم که هیچ چیز را شریك من قرار مده و خانه‌ام را برای طواف کنندگان و قیام کنندگان و رکوع کنندگان و سجده کنندگان پاك و پاکیزه گردان و در میان مردم برای حج بانگ زن تا پیاده و سوار بر هر شتر باریك اندام که از هر راه دور می‌آیند، به سوی تو آیند.»

۳. حج و مناسک آن، مراسمی رایج در میان مردم جزیرةالعرب

وَمَا لَهُمْ أَلَّا يُعَذِّبَهُمُ اللَّهُ وَهُمْ يَصُدُّونَ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَمَا كَانُوا أَوْلِيَاءَهُ إِنْ أَوْلِيَاؤُهُ إِلَّا الْمُتَّقُونَ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٣٤﴾ وَمَا كَانَ صَلَاتُهُمْ عِنْدَ الْبَيْتِ إِلَّا مُكَاءً وَتَصْدِيَةً فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ
انفال/۳۴و ۳۵

«و چه چیزی مانع آنان است که خدا عذابشان نکند، در حالی که از ورود به مسجدالحرام با آن که متولّیان آن نیستند بازمی‌دارند؛ متولّیانِ [شایسته و واقعیِ] این [مکان مقدس] فقط پرهیزکارانند، ولی بیشتر مشرکان نمی‌دانند و نماز و دعایشان در کنار خانه [خدا] چیزی جز سوت کشیدن و کف زدن نبود، پس به کیفر کفری که همواره می‌ورزیدید، [باید] عذاب [دنیا و آخرت را] بچشید.

۴. حج در جاهلیّت

يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَهِلَّةِ قُلْ هِيَ مَوَاقِيتُ لِلنَّاسِ وَالْحَجِّ وَلَيْسَ الْبِرُّ بِأَنْ تَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا وَلَٰكِنَّ الْبِرَّ مَنِ اتَّقَىٰ وَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ بقره/۱۸۹

«از تو درباره هلال‌های ماه می‌پرسند، بگو: آنها وسیله تعیین اوقات مردم و [تعیین زمان مراسم] حج است و نیکی آن نیست که به خانه‌ها از پشت آنها وارد شوید، بلکه نیکی کسی است که می‌پرهیزد و به خانه‌ها از درهای آنها وارد شوید و از خدا پروا کنید تا رستگار شوید.»

واژه نامه

واژه	ترجمه	واژه	ترجمه
وَاتَّقُونِ	و از من پروا کنید	تَفَثَهُمْ	آلودگیشان
أُولِي الْأَلْبَابِ	خردمندان	وَلْيُوفُوا	و باید وفاکنند
اَلرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ	پلیدیِ بتها	وَلْيَطَّوَّفُوا	و باید طواف کنند
يَصُدُّونَ	جلوگیری می‌کنند	بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ	خانه‌ی کهن
سَوَاءً الْعَاكِفُ فِيهِ وَالْبَادِ	مقیم و مسافر در آن یکسان است.	صَوَافَّ	به صف ایستادگان
إِلْحَادٍ	انحراف از حق	اَلْمُعْتَرَّ	سائل
نُذِقْهُ	به اومی‌چشانیم	سَخَّرْنَاهَا	رام کردیم آن را
مَثَابَةً لِلنَّاسِ	محل بازگشت برای مردم	فَإِنْ أُحْصِرْتُمْ	پس اگر محدود شدید
مُصَلًّى	مکان نماز	فَمَا اسْتَيْسَرَ	پس آنچه میسر است
اَلرُّكَّعِ السُّجُودِ	رکوع کنندگان و سجده کنندگان	يَبْلُغَ الْهَدْيُ مَحِلَّهُ	تا قربانی به محلش برسد
ءَامِنِينَ	امن شوندگان	بِبَكَّةَ مُبَارَكًا	در مکّه و مبارک است
مُقَصِّرِينَ	کوتاه‌کنندگان ناخن یا موی	كُلِّ ضَامِرٍ	برهر مرکب لاغر
مُحَلِّقِينَ	تراشندگان موی سر	فَجٍّ عَمِيقٍ	راه دوری
أَنْ يَطَّوَّفَ	که طواف و حرکت کند	مُكَاءً وَتَصْدِيَةً	سوت کشیدن و کف زدن
ثُمَّ لْيَقْضُوا	پاک کنند	أَرِنَا	به ما نشان بده

نکات معرفتی و تربیتی

حج سمبل وحدت جهان اسلام

در مراسم حج که با احرام آغاز می‌شود، همه با یک لباس متحدالشکل که مرکب از دو تکه سفید رنگ است، در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند و تمام انسان‌ها از جایگاه یکسانی برخوردارند و تفاوتی بین فقیر و غنی، خرد و کلان، زن و مرد و حتی بین زاهد و عابد با فردی که گناهان بی‌شماری را مرتکب شده است، وجود ندارد. در حج حتی پیامبر و اولیای الهی در بین جمعیت بوده‌اند و هیچ تفاوتی - به صورت عام- بین آن‌ها در انجام اعمال نبوده است.

حج زمینه برائت از مشرکین و ظالمین عالم

برائت از مشرکین از دیگر مواردی است که باید در ایام حج توسط حاجیان به انجام برسد که می‌تواند نشانی از وحدت بین آنان و مشت کوبنده‌ای بر دهان همه کسانی باشد که مخالف اسلام بوده و سعی در مقابله با مسلمانان دارند که این مسأله مهم در آیه ۳ سوره توبه به آن اشاره شده است:﴿وَ اَذٰانٌ مِنَ اللهِ وَ رَسُولِهٖٓ اِلَى النّٰاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْاَكْبَرِ اَنَّ اللهَ بَرِيٓءٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَ رَسُولُهُ،...﴾ به عبارت دیگر می‌توان مراسم حج را رسانه‌ای دانست که از طریق آن صدای وحدت و ظلم ستیزی مسلمانان به تمام جهان مخابره می‌گردد.

بعد اخلاقی و معنوی حج

مهمترین فلسفه حج دگرگونی اخلاقی است که در انسان‌ها به وجود می‌آورد، مراسم احرام انسان را به کلی، از تعینات مادی و امتیازات ظاهری و لباس‌های رنگارنگ و زر و زیور بیرون می‌برد و با تحریم لذائذ و پرداختن به خودسازی او را از جهان ماده جدا کرده و در عالمی از نور و روحانیت و صفا فرو می‌برد و آنها را که در حالت عادی بار سنگین امتیازات موهوم و درجه‌ها و مدال‌ها را بر دوش خود احساس می‌کنند یک مرتبه سبکبار و راحت و آسوده می‌کند.

در روایات آمده است: کسی که حج را به طور کامل انجام دهد از گناهان خود بیرون می‌آید همانند روزی که از مادر متولد شده است.[1] حج برای مسلمانان یک تولد ثانوی است، تولدی که آغازگر یک زندگی نوین انسانی می‌باشد.

اسرار حج

حج و اعمال آن آکنده از رمزها و رازها است و بخشی از آنها در احادیث معصومان علیهم‌السلام آشکار شده است که یکی از روایت‌های مهم در زمینه اسرار حج، گفتگوی امام سجاد علیه‌السلام با شبلی است که در این بخش به بخشی از این حدیث گهربار اشاره می‌شود.

امام سجاد علیه‌السلام از شبلی پرسید: آیا هیچ به حج خانه خدا رفته‌ای؟ عرضه داشت: آری. فرمود: در آن هنگام که به میقات رفتی و از لباس‌های دوخته خود درآمدی و غسل کردی، در نیتت بود که خود را از اشتباهات و لغزش‌ها در دو مرحله ظاهر و باطن برای همیشه پاك کنی؟ گفت: نه. فرمود: پس نه به میقات وارد شدی و نه از لباس دوخته بیرون آمدی و نه غسل حقیقی به جای آوردی!! سپس فرمود: آیا خود را پاکیزه کردی و سپس احرام بستی و پیوند خود را با مبدأ عالم به وسیله حج استوار نمودی؟ گفت: آری. فرمود: در آن هنگام در نیت داشتی که خود را از تمام آلودگی‌ها به وسیله نور توبه رها کنی؟ گفت: نه... فرمود: وقتی گوسفند قربانی را سر بریدی، آیا نیت کردی که حلقوم طمع را جدا کنی و آیا به هنگام قربانی توجه داشتی که راه ابراهیم را می‌روی که یگانه فرزند عزیز خود را به قربانگاه آورد تا برای محبوب خود فدا کند؟ گفت: نه. فرمود: هنگام بازگشت به مکه و طواف بیت در قصد و نیت داشتی که از دریای عنایت حق بهره برده و به مسیر بندگی و عبودیت روی آورده به رشته محبت و ولایت او دست آویخته، واجبات حضرتش را ادا کرده، به مقام قدس و رحمت او تقرب جویی؟ گفت: نه ... .[2]

۱. اصول کافی، ج۲، ص۵۳۵.
۲. مستدرك‌الوسائل، ج۱۰، ص۱٦٦.

پرسش‌های درس

۱. آیات مربوط به تقصیر و حلق، سعی صفا و مروه و طواف، وقوف در عرفات و مشعرالحرام را بیان کنید.

۲. اقسام حج را بیان نموده و آیه مربوطه را تلاوت نمایید.

۳. با توجه به ترجمه «از تو درباره هلال‌های ماه می‌پرسند، بگو: آنها وسیله تعیین اوقات مردم و [تعیین زمان مراسم] حج است و نیکی آن نیست که به خانه‌ها از پشت آنها وارد شوید، بلکه نیکی کسی است که می‌پرهیزد و به خانه‌ها از درهای آنها وارد شوید و از خدا پروا کنید تا رستگار شوید.» آیه مربوطه را تلاوت نمایید و موضوع آن را بیان کنید.

٤. مفهوم واژه‌های زیر چیست؟

«مُكآءً وَ تَصْدِيَةً»	«مَثابَةً لِلنّاسِ»	«كُلِّ ضامِرٍ»
«تَفَقَّهُمْ»	«صَوآفَّ»	«الْمُعْتَرَّ»

٥. بعد اخلاقی و معنوی حج را توضیح دهید.

٦. اسرار حج را بر اساس روایات شرح دهید.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم، ترجمه انصاریان حسین، قم، انتشارات اسوه، اول،۱۳۸۳ش.

۲. نهج‌البلاغه.

۳. الإتقان فی علوم القرآن، السیوطی، تحقیق، سعید المندوب، بیروت، دار الفکر، أول،۱۴۱۶ق.

۴. إرشادالقلوب، حسن بن ابی الحسن دیلمی، بی جا، انتشارات شریف رضی، ۱۴۱۲ق.

۵. بحار الأنوار، محمد باقر مجلسی، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ ق.

۶. البرهان فی تفسیر القرآن، سید هاشم بحرانی، تهران، بنیاد بعثت،۱۴۱۶ق.

۷. تفسیر القمی، علی بن ابراهیم قمی، تحقیق، سید طیب موسوی جزایری، قم، دار الکتاب، چهارم، ۱۳۶۷.

۸. تفسیر جامع، سید محمد ابراهیم بروجردی، تهران، انتشارات صدر، ششم، ۱۳۶۶.

۹. تفسیر جوامع الجامع، فضل‌بن‌حسن طبرسی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، اول، ۱۳۷۷.

۱۰. تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی، تهران، دار الکتب الإسلامیه، ۱۳۷۴.

۱۱. الجعفریات (الأشعثیات)، محمد بن محمد ابن اشعث، تهران، مکتبة النینوی الحدیثه، اول، بی‌تا.

۱۲. حماسه حسینی، مرتضی مطهری، تهران، صدرا، ۱۳۷۷.

۱۳. دعائم الإسلام، التمیمی المغربی، نعمان بن محمد، مصر، دار المعارف، ۱۳۸۵ق.

۱۴. روزه روش نوین برای درمان بیماریها، سووین آلکسی، تهران، نشر تهران، ۱۳۸۳.

۱۵. زمزم عارفان، محمدمهدی ری‌شهری، قم، دارالحدیث، ۱۳۹۱.

۱۶. عوالی‌اللئالی العزیزیة فی الأحادیث الدینیه، ابن‌ابی جمهور احسائی، قم، انتشارات سید الشهداء(ع)، ۱۴۰۵ق.

۱۷. قاموس قرآن، سید علی اکبر قرشی، تهران، دار الکتب الإسلامیه، ششم، ۱۳۷۱.

۱۸. الکافی، ثقة الإسلام الکلینی، تهران، دار الکتب الإسلامیه،چهارم، ۱۳۶۵.

۱۹. کتاب العین، خلیل بن احمد فراهیدی، قم، انتشارات هجرت، دوم، ۱۴۱۰ق.

۲۰. کنز العمال فی سنن الأقوال والأفعال، علاء الدین علی بن حسام الدین المتقی الهندی البرهان فوری، محقق، بکری حیانی، صفوة السقا، مؤسسه الرساله، پنجم،۱۴۰۱ق.

۲۱. لسان العرب، محمد بن مکرم ابن منظور، بیروت، دار صادر، سوم،۱۴۱۴ق.

۲۲.لوامع صاحبقرانی مشهور به شرح فقیه، محمدتقی بن مقصودعلی مجلسی، قم، مؤسسه اسماعیلیان، دوم،۱۴۱۴ق.
۲۳.مجمع البحرین، فخر الدین طریحی، تهران، کتابفروشی مرتضوی، سوم، ۱۳۷۵.
۲۴.مجمع البیان فی تفسیر القرآن، فضل‌بن‌حسن طبرسی، تهران، انتشارات ناصر خسرو، سوم، ۱۳۷۲.
۲۵.المحاسن، احمد بن محمد بن خالد برقی، قم، دار الکتب الإسلامیه، ۱۳۷۱ق.
۲۶.مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، محدث نوری، قم، مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام، ۱۴۰۸ق.
۲۷.مصباح الشریعه، منسوب به امام صادق علیه‌السلام، [بی‌جا]مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۰ق.
۲۸.معراج المومن، محمد تقی عبداللهی، قم، انتشارات نشاط، ۱۳۹۳.
۲۹.المفردات فی غریب القرآن، حسین بن محمد راغب اصفهانی، تحقیق، صفوان عدنان داودی، بیروت، دارالعلم، اول، ۱۴۱۲ق.
۳۰.من لا یحضره الفقیه، صدوق، محمّد بن علی بن بابویه قمّی، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه، دوم، ۱۴۱۳ق.
۳۱.مناهل العرفان فی علوم القرآن، محمد عبد العظیم الزرقانی، مطبعه عیسی البابی الحلبی و شرکاه، سوم، بی‌تا.
۳۲.میزان الحکمه، محمدی ری‌شهری، قم، داراحدیث، چاپ اول، ۱۳۷۵.
۳۳.المیزان فی تفسیر القرآن، محمدحسین طباطبایی، قم، انتشارات الاسلامی، ۱۴۱۷ق.
۳۴.وسائل‌الشیعه، حر عاملی، قم، مؤسسه آل البیت علیهم‌السلام، ۱۴۰۹ق.
۳۵.مجله‌ی سباء، سال سوم، ش ۲۱.
۳۶.پایگاه مجلات تخصصی نور، میراث ماندگار.